

- ۴ امامت امیر مؤمنان علیه السلام
- ۴ بر پایه حدیث غدیر در منابع امامیه و رویکرد عالمان امامی
- ۴ درآمد
- ۴ گزارشها
- ۵ رسول خدا (صلي الله عليه وآله)
- ۸ امام علي عليه السلام
- روایت یکم: امام صادق از امام علي عليه السلام ۸
- ۸ سند یکم: شیخ طوسی از امام صادق از امام علي عليه السلام
- ۱۳ سند دوم: صفار از امام صادق از امام علي عليه السلام
- ۱۳ سند سوم: شیخ صدوق از امام صادق از امام علي عليه السلام
- روایت دوم: سلیم بن قیس از امام علي عليه السلام ۱۴
- ۱۵ بررسی سند
- روایت سوم: ابو علي همدانی از امام علي عليه السلام ۱۷
- روایت چهارم: مکحول از امام علي عليه السلام ۱۸
- روایت پنجم: امام حسین از امام علي عليه السلام ۱۸
- روایت ششم: امام باقر از امام علي عليه السلام ۱۹
- روایت هفتم: سلمان از امام علي عليه السلام ۲۰
- ۲۱ بررسی سند
- روایت هشتم: امام باقر و محمد حنفیه از امام علي عليه السلام ۲۳
- ۲۳ سند یکم: امام باقر از امام علي عليه السلام
- ۲۶ سند دوم: محمد حنفیه از امام علي عليه السلام
- روایت نهم: افراد گوناگون از امام علي عليه السلام ۲۷
- ۲۷ سند اول: ابو الطفیل عامر بن واثله از امام علي عليه السلام
- ۲۷ سند دوم: ابو الطفیل عامر بن واثله از امام علي عليه السلام
- سند سوم، چهارم، پنجم: ابو الطفیل عامر بن واثله، ابورافع و ابوالاسود از امام علي عليه السلام ۲۸
- ۲۹ سند ششم: ابوذر از امام علي عليه السلام
- روایت دهم: افراد گوناگون از امام علي عليه السلام ۲۹
- ۲۹ سند یکم: عمیره بن سعد از امام علي عليه السلام
- سند دوم: عمرو ذی مر، سعید بن وهب، زید بن نفیع از امام علي عليه السلام ۳۰
- ۳۰ سند سوم: زاذان از امام علي عليه السلام
- ۳۱ امام حسن عليه السلام
- روایت یکم: امام سجاد و ابو عمر زاذان از امام مجتبی عليه السلام ۳۱
- ۳۱ سند یکم: امام سجاد از امام مجتبی عليه السلام
- ۳۲ سند دوم: ابو عمر زاذان از امام مجتبی عليه السلام
- روایت دوم: شعبی از امام مجتبی عليه السلام ۳۲
- ۳۳ امام حسین از امام علي عليه السلام
- ۳۴ امام سجاد عليه السلام

- ۳۴ امام باقر علیه السلام**
- روایت یکم: ابو محمد از امام باقر علیه السلام..... ۳۵
- روایت دوم: ابان بن تغلب از امام باقر علیه السلام..... ۳۵
- روایت سوم: فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام..... ۳۶
- روایت چهارم: یزید کناسی از امام باقر علیه السلام..... ۳۶
- ۳۷ سند روایت:**
- روایت پنجم: ابوالجارود از امام باقر علیه السلام..... ۳۸
- روایت ششم: سدیر از امام باقر علیه السلام..... ۳۹
- روایت هفتم: امام صادق از امام باقر علیهما السلام..... ۴۰
- ۴۰ بررسی سند:**
- روایت هشتم: زراره، محمد بن مسلم، و ... از امام باقر علیه السلام..... ۴۱
- ۴۲ بررسی سند روایت:**
- روایت نهم: فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام..... ۴۳
- ۴۳ بررسی سند:**
- روایت دهم: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام..... ۴۵
- ۴۵ بررسی سند:**
- روایت یازدهم: عبد الله بن عطاء از امام باقر علیه السلام..... ۴۵
- ۴۶ امام صادق علیه السلام**
- روایت یکم: ابوبصیر از امام صادق علیه السلام..... ۴۶
- ۴۷ بررسی سند:**
- روایت دوم: ابن ابی دیلم از امام صادق علیه السلام..... ۴۹
- روایت سوم: صفوان از امام صادق علیه السلام..... ۵۰
- ۵۰ بررسی سند:**
- روایت چهارم: حنان از امام صادق علیه السلام..... ۵۰
- روایت پنجم: فرات کوفی با سلسله سند از امام صادق علیه السلام..... ۵۱
- روایت ششم: ابان از امام صادق علیه السلام..... ۵۱
- ۵۱ سند یکم: کلینی از ابان از امام صادق علیه السلام**
- ۵۲ سند دوم: شیخ صدوق از ابان از امام صادق علیه السلام**
- روایت هفتم: ابراهیم بن رجاء از امام صادق علیه السلام..... ۵۲
- روایت هشتم: محمد الخزاعی از امام صادق علیه السلام..... ۵۳
- روایت نهم: ابن سنان از امام صادق علیه السلام..... ۵۴
- روایت دهم: افراد گوناگون از امام صادق علیه السلام..... ۵۴
- ۵۴ سند یکم: سالم از امام صادق علیه السلام**
- ۵۵ سند دوم: حسن بن راشد از امام صادق علیه السلام**
- ۵۷ سند سوم: حسن بن راشد از امام صادق علیه السلام**
- ۵۸ سند چهارم: حسن بن راشد از امام صادق علیه السلام**
- ۵۸ سند پنجم: حسن بن راشد از امام صادق علیه السلام**
- ۵۹ سند ششم: ابو بصیر از افراد گوناگون از امام صادق علیه السلام**
- ۶۰ سند هفتم: علی بن حسین عبدي از امام صادق علیه السلام**
- ۶۰ سند هشتم: فرات بن احنف از امام صادق علیه السلام**
- روایت یازدهم: محمد القبطی از امام صادق علیه السلام..... ۶۱
- ۶۱ سند یکم: شیخ صدوق از قبطی از امام صادق علیه السلام**

- ۶۲ سند دوم: شیخ صدوق از قبیطی از امام صادق علیه السلام
- ۶۲ سند سوم: صفار از قبیطی از امام صادق علیه السلام
- ۶۲ سند چهارم: طبری امامی از قبیطی از امام صادق علیه السلام
- ۶۳ روایت دوازدهم : عمار بن حریر عیدی از امام صادق علیه السلام
- ۶۳ روایت سیزدهم زیاد بن محمد از امام صادق علیه السلام
- ۶۳ روایت چهاردهم : مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام
- ۶۴ امام کاظم علیه السلام
- ۶۵ امام رضا علیه السلام
- ۶۵ روایت اول : عبد العزیز بن مسلم از امام رضا علیه السلام
- روایت دوم : محمد بن عمر الطرطوسی از امام رضا علیه السلام به نقل از حضرت علی علیه السلام در زمان خلافتشان
- ۶۶ روایت سوم : محمد بن ابی نصر از امام رضا علیه السلام
- ۷۱ **همین روایت با متنی دیگر**
- ۷۲ روایت چهارم ، از امام رضا علیه السلام
- ۷۴ امام جواد علیه السلام
- ۷۵ امام هادی علیه السلام
- ۷۵ روایت اول : ابو اسحاق بن عبد الله العلوی از امام هادی علیه السلام
- ۷۶ روایت دوم : با سند صحیح در کتاب مزار مشهدی از امام هادی علیه السلام
- ۸۴ امام عسکری علیه السلام
- ۸۴ روایت اول : اسحاق بن اسماعیل نیسابوری از امام عسکری علیه السلام
- ۸۵ روایت دوم : الحسن بن طریق از امام عسکری علیه السلام
- ۸۵ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۸۶ رویکرد عالمان
- ۸۷ ۱: علی بن ابراهیم قمی (متوفای قرن سوم)
- ۸۷ ۲: شیخ صدوق (متوفای قرن چهارم)
- ۸۷ ۳: شیخ مفید (متوفای قرن پنجم)
- ۸۸ ۴: سید مرتضی (متوفای قرن پنجم)
- ۸۸ ۵: شیخ طوسی (متوفای قرن پنجم)
- ۸۸ ۶: ابوالصلاح حلبی (متوفای قرن پنجم)
- ۸۹ ۷: ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای قرن ششم)
- ۸۹ ۸: ابن ادریس حلی (متوفای قرن ششم)
- ۹۰ ۹: ابن میثم بحرانی (متوفای قرن هفتم)
- ۹۰ ۱۰: علامه حلی (متوفای قرن هشتم)
- ۹۰ ۱۱: فاضل مقداد (متوفای قرن نهم)
- ۹۱ ۱۲: صاحب حدائق (متوفای قرن دوازدهم)
- ۹۱ ۱۳: صاحب جواهر (متوفای قرن سیزدهم)
- ۹۱ ۱۴: آیت الله خویی (معاصر)
- ۹۲ نتیجه کلی:

امامت امیر مؤمنان علیه السلام

بر پایه حدیث غدیر در منابع امامیه و رویکرد عالمان امامی

درآمد

دلایل فراوانی برای امامت امیر مؤمنان علیه السلام وجود دارد. حدیث غدیر یکی از استوارترین دلیل امامت علی بن ابی طالب علیه السلام به شمار می رود. رسائی یا نارسائی این حدیث بر امامت علی علیه السلام، در طی سده‌های متمادی تا کنون، تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است. قلم فرسایی چشم‌گیر دانشمندان اسلامی در این باره، بر این ادعا گواهی می دهد. محقق زبردست سید عبد العزیز طباطبایی در اثر ارزشمند "الغدیر فی التراث الإسلامی" ۱۲۵ تالیف از دانشمندان اسلامی که به طور اختصاصی درباره حدیث غدیر به رشته تحریر درآمده را جمع آوری نمود. مؤلف در مقدمه ادعا می کند نگاه‌های نا پیدا در این خصوص بسیار بیشتر از این تعداد است. عالمان امامی برای اثبات امامت امیر مؤمنان علیه السلام بر پایه حدیث مذکور، نگارش‌های قابل تقدیری به جای گذاشتند. یک نمونه آن، اثر فاخر "الغدیر فی الکتاب والسنة والأدب" از علامه امینی است. اما تا آنجا که نگارنده خبر دارد این نگاه‌ها عموماً با استناد به میراث حدیثی اهل سنت سامان یافته‌اند از این روی نوشتار حاضر با تکیه بر منابع امامیه، در صدد رفع این معضل بر آمده است. بدیهی است که از منظر شیعیان، نگاه پیشوایان دین از روایت غدیر، بهترین راه برون رفت در این مجال به شمار می رود. آنچه در پی خواهد آمد تبیین دیدگاه معصومان علیهم السلام در راستای اثبات امامت امیر مؤمنان علیه السلام بر پایه حدیث غدیر، در میراث حدیثی امامیه می باشد. بخش پایانی این مقاله، نمونه‌هایی از رویکرد دانشمندان امامی را در این باره ارائه می کند.

گزارش‌ها

منابع متقدم حدیثی، تفسیری و گاه فقهی و دعا نگاری امامیه روایات فراوانی از اکثریت قریب به اتفاق ائمه علیهم السلام پی‌رامون حدیث غدیر در خود گرد آوردند. این روایات گاه در غالب استناد به حدیث غدیر و در مواردی با اخبار از جریان غدیر، از امامت علی بن ابی طالب علیه السلام سخن به میان آوردند. در این مقاله بیش از چهل روایت از این دست بررسی شد. این احادیث با حجم بالایی که دارند در رتبه احادیث متواتراند که ارزش آن

بر کسی پوشیده نیست. البته در این میان گزارش‌های فراوانی وجود دارد که به تنهایی اعتبار کافی را مطابق دانش حدیث داراست. نکته قابل توجه آنکه این گزارش‌ها در یک رتبه از دلالت نیستند پاره‌ای از این گزارش‌ها به طور روشن و برخی هم با دقت در محتوا و قرائن موجود، بر امامت امیرمؤمنان علیه السلام دلالت دارند.

رسول خدا (صلي الله عليه وآله)

۸۹۱ / ۲ - حدثنا أبي (رضي الله عنه) ، قال : حدثنا سعد بن عبد الله ، قال : حدثنا أحمد ابن محمد بن خالد ، عن القاسم بن يحيى ، عن جده الحسن بن راشد ، عن أبي عبد الله الصادق جعفر بن محمد ، عن آبائه ، عن أمير المؤمنين (عليهم السلام) ، قال : قال لي رسول الله (صلى الله عليه وآله) على منبره : يا علي ، إن الله عز وجل وهب لك حب المساكين والمستضعفين في الأرض ، فرضيت بهم إخوانا ورضوا بك إماما ، فطوبى لمن أحبك وصدق عليك ، وويل لمن أبغضك وكذب عليك .
يا علي ، أنت العلم لهذه الأمة ، من أحبك فاز ، ومن أبغضك هلك .
يا علي ، أنا مدينة العلم وأنت بابها ، وهل تؤتى المدينة إلا من بابها !
يا علي ، أهل مودتك كل أبواب حفيظ وكل ذي طمر (٦) لو أقسم على الله لأبر قسمه .
يا علي ، إخوانك كل طاهر زاك مجتهد ، يحب فيك ، ويبغض فيك ، محترق عند الخلق ، عظيم المنزلة عند الله عز وجل .
يا علي ، محبوبك جيران الله في دار الفردوس ، لا يأسفون على ما خلفوا من الدنيا .
يا علي ، أنا ولي لمن واليت ، وأنا عدو لمن عاديت .
يا علي ، من أحبك فقد أحبني ، ومن أبغضك فقد أبغضني .
يا علي ، إخوانك ذبل الشفاه ، تعرف الرهبانية في وجوههم .
يا علي ، إخوانك يفرحون في ثلاثة مواطن : عند خروج أنفسهم وأنا شاهدهم وأنت ، وعند المسألة في قبورهم ، وعند العرض الأكبر ، وعند الصراط إذا سئل الخلق عن إيمانها فلم يجيبوا (١) .
يا علي حربك حربي ، وسلمك سلمتي ، وحربي حرب الله ، ومن سالمك فقد سالمني ، ومن سالمني فقد سالم الله عز وجل .

يا علي ، بشر إخوانك ، فإن الله عز وجل قد رضي عنهم إذ رضيك لهم قائدا ورضوا بك وليا .

يا علي ، أنت أمير المؤمنين ، وقائد الغر المحجلين .

يا علي ، شيعتك المنتجبون ، ولولا أنت وشيعتك ما قام لله عز وجل دين ، ولولا من في الأرض منكم لما أنزلت السماء قطرها .

يا علي ، لك كنز في الجنة ، وأنت ذو قرنيها ، وشيعتك تعرف بحزب الله عز وجل .

يا علي ، أنت وشيعتك القائمون بالقسط ، وخيرة الله من خلقه .

يا علي ، أنا أول من ينفض التراب عن رأسه ، وأنت معي ، ثم سائر الخلق .

يا علي ، أنت وشيعتك على الحوض تسقون من أحببتهم وتمنعون من كرهتم ، وأنتم الآمنون يوم الفرع الأكبر في ظل العرش ، يفرع الناس ولا تفزعون ، ويحزن الناس ولا تحزنون ، فيكم نزلت هذه الآية : (إن الذين سبقت لهم منا الحسنى أولئك عنها مبعدون) (١) وفيكم نزلت (لا يحزنهم الفرع الأكبر وتلقاهم الملائكة هذا يومكم الذي كنتم توعدون) (٢) .

يا علي ، أنت وشيعتك تطلبون في الموقف ، وأنتم في الجنان تتنعمون .

يا علي ، إن الملائكة والخزان يشتاقون إليكم ، وإن حملة العرش والملائكة المقربين ليخصونكم بالدعاء ، ويسألون الله لمحييكم ، ويفرحون بمن قدم عليهم منكم كما يفرح الأهل بالغائب القادم بعد طول الغيبة .

يا علي ، شيعتك الذين يخافون الله في السر ، وينصحونه في العلانية .

يا علي ، شيعتك الذين يتنافسون في الدرجات لأنهم يلقون الله عز وجل وما عليهم من ذنب .

يا علي ، أعمال شيعتك ستعرض علي في كل جمعة ، فأفرح بصالح ما يبلغني من أعمالهم ، وأستغفر لسيئاتهم .

يا علي ، ذكرك في التوراة وذكر شيعتك قبل أن يخلقوا بكل خير ، وكذلك في الإنجيل ، فسل أهل الإنجيل وأهل الكتاب عن إيا يخبروك ، مع علمك بالتوراة والإنجيل وما أعطاك الله عز وجل من علم الكتاب ، وإن أهل الإنجيل ليتعاضمون إيا وما يعرفونه ، وما يعرفون شيعته ، وإنما يعرفونهم بما يجدونهم في كتبهم .

يا علي ، إن أصحابك ذكرهم في السماء أكبر وأعظم من ذكر أهل الأرض لهم بالخير ،
فليفرحوا بذلك ، وليزدادوا اجتهادا .

يا علي ، إن أرواح شيعتك لتصعد إلى السماء في رقادهم ووفاتهم ، فتنظر الملائكة إليها
كما ينظر الناس إلى الهلال شوقا إليهم ، ولما يرون من منزلتهم عند الله عز وجل .

يا علي ، قل لأصحابك العارفين بك ، يتزهون عن الأعمال التي يقارفها عدوهم ، فما
من يوم ولا من ليلة إلا ورحمة من الله تبارك وتعالى تغشاهم ، فليجتنبوا الدنس .

يا علي ، اشتد غضب الله عز وجل على من قلاهم وبرئ منك ومنهم ، واستبدل بك وبهم
، ومال إلى عدوك ، وتركك وشيعتك واختار الضلال ، ونصب الحرب لك ولشيعتك ،

وأبغضنا أهل البيت وأبغض من والاك ونصرك واختارك وبذل مهجته وماله فينا .

يا علي ، اقرأهم مني السلام من لم أر منهم ولم يرني ، وأعلمهم أنهم إخواني الذين
أشواق إليهم ، فليلقوا علمي إلى من يبلغ القرون من بعدي ، وليتمسكوا بحبل الله

وليعتصموا به ، وليجتهدوا في العمل ، فإننا لا نخرجهم من هدى إلى ضلالة ، وأخبرهم
أن الله عز وجل عنهم راض ، وأنه يباهي بهم ملائكته وينظر إليهم في كل جمعة برحمته

، ويأمر الملائكة أن تستغفر لهم .

يا علي ، لا ترغب عن نصرة قوم يبلغهم أو يسمعون أني أحبك فأحبوك لحبي إياك ،
ودانوا لله عز وجل بذلك ، وأعطوك صفو المودة في قلوبهم ، واختاروك على الآباء

والاخوة والأولاد ، وسلكوا طريقك ، وقد حملوا على المكاره فينا فأبوا إلا نصرنا وبذل
المهج فينا مع الأذى وسوء القول وما يقاسونه من مضاضة ذلك فكن بهم رحيمًا وأقنع

بهم ، فإن الله عز وجل اختارهم بعلمه لنا من بين الخلق ، وخلقهم من طينتنا ،
واستودعهم سرنا وألزم قلوبهم معرفة حقنا ، وشرح صدورهم ، وجعلهم مستمسكين

بحبلنا ، لا يؤثرون علينا من خالفنا مع ما يزول من الدنيا عنهم ، أيدهم الله وسلك بهم
طريق الهدى فاعتصموا به ، فالناس في غمة الضلال متحiron في الأهواء ، عموا عن

الحجة وما جاء من عند الله عز وجل ، فهم يصبحون ويمسون في سخط الله ، وشيعتك
على منهاج الحق والاستقامة ، لا يستأنسون إلى من خالفهم ، وليست الدنيا منهم وليسوا

منها ، أولئك مصابيح الدجى ، أولئك مصابيح الدجى ، أولئك مصابيح الدجى (١) .

الأمالي - الشيخ الصدوق - ص ٦٥٩

امام علي عليه السلام

بدون تردید علی بن ابی طالب علیه السلام برای اثبات جانشینی خود، نسبت به همه اولویت دارد. روایات پُر شماری از آن حضرت در این خصوص دیده می شود که حجم قابل توجهی از آن، اثبات امامتش با استناد به حدیث غدیر است. بر پایه مستندهای موجود، امام علی علیه السلام روایت "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ" را اعلام جانشینی از سوی رسول خدا در روز غدیر و فضیلت انحصاری خود می دانسته و در برابر مخالفانش مکرر از این حدیث استفاده می نمود. به فرموده امیر مؤمنان علیه السلام، ابلاغ امامتش در روز غدیر موجب به کمال رسیدن دین اسلام و رضایتمندی خداوند متعال از آن گشت.

روایات امام علی علیه السلام در میراث حدیثی متعددی مانند اصول کافی، خصال شیخ صدوق و امالی شیخ طوسی بازتاب دارد. در اینجا یازده روایت را می آوریم. تعدادی از این روایات دارای چند سند بوده و پاره‌ای از آنها اعتبار و اتقان کافی را مطابق موازین دانش حدیث دارند. لازم به ذکر است این احادیث به لحاظ گویایی، در یک سطح نیستند برخی به طور روشن و تعدادی با شفافیت کمتر بر مدعا دلالت دارند. مشروح روایات چنین است:

روایت یکم: امام صادق از امام علی علیه السلام

در این روایت، امام علیه السلام از هجدهم ذی الحجه با عنوان روز ولایت و امامت یاد می کند. البته در این روایت نامی از روز غدیر نیامد اما باید توجه داشت عبارت "أَكْمَلْتُ لَهُمُ الْيَوْمَ دِينَهُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْهِمُ النِّعَمَ" از آیه سوم سوره مائده [اليوم أكملت لكم دينكم ...] اقتباس شد و مطابق روایات، این آیه در روز غدیر نازل گشت. این روایت با چند سند ذیل نقل شد:

سند یکم: شیخ طوسی از امام صادق از امام علی علیهما السلام

أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ السَّعِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانَ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أُعْطِيتُ تِسْعًا لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ قَبْلِي سِوَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... أَنْ بَوَّلَايَتِي أَكْمَلَ اللَّهُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ دِينَهُمْ وَ أَتَمَّ عَلَيْهِمُ النِّعَمَ وَ رَضِيَ لَهُمْ إِسْلَامَهُمْ إِذْ يَقُولُ يَوْمَ

أُولَايَةَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا مُحَمَّدُ، أَخْبِرْهُمْ أَنِّي أَكْمَلْتُ لَهُمُ الْيَوْمَ دِينَهُمْ وَ
أَتَمَمْتُ عَلَيْهِمُ النَّعْمَ، وَرَضِيْتُ إِسْلَامَهُمْ.

(مفضل بن عمر می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: به خدا سوگند که خداوند به من نه چیز عطا کرده که پیش از من به هیچ کس جز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عطا نکرده است: ... خداوند با ولایت من دین این امت را کامل کرد و نعمت‌ها را بر آنان تمام نمود و به اسلام آنان راضی شد، و این هنگامی بود که در روز ولایت (روز غدیر خم) به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا محمد! از من به آنان خبر بده که امروز دینشان را کامل کردم و به اسلام به عنوان دین آنان راضی شدم و نعمت خود را بر آنان تمام کردم)

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، الأمالي، ص ٢٠٠، تحقيق:
قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ.

بررسی سند

روایت فوق معیار پذیرش را داراست. مطابق محمد بن محمد بن نعمان به عنوان نخستین راوی در این سلسله، همان شیخ مفید است. جایگاه بلند او در میان امامیه بر کسی پوشیده نیست. راوی دوم، أحمد بن محمد بن الحسن بن الولید است. نامبرده نزد عده‌ای از عالمان مورد اعتماد است. آیت الله خویی می گوید: **قد صحح العلامة كثيرا من الروايات التي هو في طريقها وكذلك الشيخ حسن صاحب المعالم فيما حكى عنه بل وثقه الشهيد الثاني في الدراية والشيخ البهائي في حاشية حبل المتين وقال الميرزا في الوسيط: ولم أر إلى الآن ولم أسمع من أحد يتأمل في توثيقه** (علامه بسیاری از روایات که این فرد در سند آن بوده را تصحیح کرده است همچنین صاحب معالم، آنگونه که از او حکایت شده است. بلکه شهید ثانی و شیخ بهایی او را ثقه دانستند. مرحوم میرزا هم گفته که تا الان کسی را ندیده و از کسی نشنیده‌ام که در وثاقت او تامل کرده باشد)

الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث، ج ٣ ص ٤٤، الطبعة الخامسة،
١٤١٣هـ - ١٩٩٢م

علاوه بر آنکه نامبرده از مشایخ شیخ مفید بوده و شیخ مفید روایات متعددی بلاواسطه از نامبرده نقل می کند که می تواند نشان از اعتماد شیخ بدان باشد. گفتنی است برخی از عالمان، موارد گفته شده به انضمام شیخ اجازه بودن يك راوي را براي اثبات وثاقت او كافي نمي دانند. اما از نگاه آن دسته از دانشمندان که موارد ذکر شده را می پذیرند، می توان به وثاقت این راوی

حکم نمود. وثاقت محمد بن الحسن بن الوليد قبلا بيان شد. نجاشي درباره محمد بن الحسن الصفار مي گويد: **ثقة عظيم القدر** (مورد وثوق و دارای جاينگاه بلندی است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۳۵۴، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

همچنين أحمد بن محمد بن خالد البرقي از نظر نجاشي مورد اعتماد است. وي درباره اين راوي مي گويد: **(وكان ثقة في نفسه)** (احمد بن محمد بن خالد فردی مورد وثوق بود)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۷۶، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

ابو عبد الله البرقي به عنوان راوي بعدي در اين روايت، از نگاه شيخ طوسي انساني مورد وثوق است. **محمد بن خالد البرقي ثقة**

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، رجال الطوسي، ص ۳۶۳، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵هـ

اما نجاشي درباره او مي گويد: **كان محمد ضعيفا في الحديث** (محمد بن خالد برقی در حديثش ضعيف بوده است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۳۳۵، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

علامه حلي، در میان اين دو دیدگاه، وثاقت اين راوي را مي پذيرد و مي گويد: **قال النجاشي: إنه ضعيف الحديث و الاعتماد عندي على قول الشيخ أبي جعفر الطوسي من تعديله** (نجاشی گفته است او در حديثش ضعيف بود اما اعتماد من به قول شيخ است)

الحلي الأسدي، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفای ۷۲۶هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، ص ۲۳۷، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القيومي، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ

آيت الله خويي درباره اين سخن علامه حلي مي گويد: ولكن الصحيح أن العلامة لم يرجح قول الشيخ على قول النجاشي وإنما ذكر اعتماده على قول الشيخ من تعديله لأجل أن كلام النجاشي غير ظاهر في تضعيفه وإنما التضعيف يرجع إلى حديثه لأجل أن محمد بن خالد كان يروي عن الضعفاء ويعتمد على المراسيل كما صرح به ابن الغضائري وحينئذ يبقى توثيق الشيخ بلا معارض. (درست آن است كه علامه، قول شيخ را بر نجاشی ترجيح نداد بلکه اعتماد خودش به قول شيخ را گفت زیرا اين گفتار نجاشی ظهوری در تضعيف شخص برقی ندارد بلکه تضعيف او به احاديث برقی بر می گردد زیرا او از افراد ضعيف نقل می کرد و بر مراسيل اعتماد می نمود. بنا براین توثيق شيخ معارضی ندارد)

الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث، ج ١٧ ص ٧٣، الطبعة الخامسة، ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م

ابن ابي عمير هم در نگاه نجاشي "جليل القدر و عظيم المنزلة" است.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفي الشيعة المشتهر بـرجال النجاشي، ص ٣٢٦، تحقيق: السيد موسي الشيرازي، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ

آخرين راوي در اين سلسله مفضل بن عمر است. درباره وثاقت و عدم وثاقت او اختلاف است. در ادامه تحليل آيت الله خويي را در اين باره مي آوريم:

قال النجاشي: مفضل بن عمر أبو عبد الله فاسد المذهب مضطرب الرواية لا يعاب به وقد ذكرت له مصنفات لا يعول عليها ... وقد عده الشيخ المفيد من خاصة أبي عبد الله عليه السلام وبطانته وثقاته الفقهاء الصالحين وعده الشيخ من الممدوحين وروى الشيخ رواية بسنده عن محمد بن سنان عن مفضل بن عمر وقال في ذيلها: فأول ما في هذا الخبر أنه لم يروه غير محمد بن سنان عن المفضل بن عمر ومحمد بن سنان مطعون عليه ، ضعيف جدا أقول: كلام الشيخ هذا كالصريح في اعتماده على المفضل بن عمر وأنه غير مطعون عليه ... ويكفي في جلاله المفضل تخصيص الإمام الصادق عليه السلام إياه بكتابه المعروف بتوحيد المفضل وفي ذلك دلالة واضحة على أن المفضل كان من خواص

أصحابه ومورد عنايته. أضف إلى ذلك ما تقدم من توثيق الشيخ المفيد إياه صريحاً ومن عد الشيخ إياه من السفراء الممدوحين ... وأما ما ذكره النجاشي من أنه كان فاسد المذهب مضطرب الرواية لا يعبأ به ... ففيه تفصيل: أما قوله فهو فاسد المذهب فيعارضه ما تقدم من الشيخ المفيد من عده من الفقهاء الصالحين ومن خاصة أبي عبد الله عليه السلام ، وبطانته ولا يسعنا إلا ترجيح كلام الشيخ المفيد على كلام النجاشي من جهة معاضدته بما تقدم من الروايات التي لا يبعد دعوى التبادر الاجمالي فيها وأما قوله : مضطرب الرواية فهو إن صح لا يكشف عن عدم الوثاقة كما تقدم بيانه في ترجمة المعلى بن محمد البصري. وأما قوله: وقد ذكرت له مصنفات لا يعول عليها فهو مبني على ما ذكره من أنه فاسد المذهب مضطرب الرواية وقد عرفت الحال فيه **والنتيجة أن**

المفضل بن عمر جليل ثقة. والله العالم.

نجاشي گفت: مفضل دارای مذهب فاسد است و روایات او اضطراب دارد و بدان اعتناء نمی شود برای او کتابهایی هم ذکر شده که قابل اعتماد نیستند ... شیخ مفید او را در زمره اصحاب خاص امام صادق علیه السلام و از جمله افراد مورد وثوق آن حضرت و نیز از جمله فقهاء صالح به شمار آورد. شیخ طوسی نیز او را از جمله افراد ممدوح به حساب آورده است. همچنین شیخ طوسی روایتی را که با سند خودش از محمد بن سنان و او از مفضل نقل می کند، می آورد و در ذیل آن روایت می گوید: اول چیزی که در این روایت است آنکه غیر از محمد بن سنان کسی آن را از مفضل نقل نکرد و محمد بن سنان مورد طعن بوده و جداً ضعیف است. من می گویم (آیت الله خویی): این کلام شیخ طوسی مانند یک جمله‌ای با صراحت است در اعتماد او به مفضل و اینکه مفضل مورد طعن نیست ... همچنین تخصیص زدن امام صادق این فرد را به کتاب معروف به توحید مفضل، در جلالت او کافی است. به این مطلب، توثیق شیخ مفید از مفضل و اینکه شیخ طوسی او را از ممدوحین به شمار آورده را نیز اضافه کن. امام اینکه نجاشی گفت او فاسد المذهب است با کلام شیخ مفید که او را از فقهاء صالحین و در زمره خواص امام صادق علیه السلام به حساب آورده است، در تعارض است و ما کلام شیخ مفید را بر نجاشی ترجیح می دهیم به سبب روایاتی که پشتوانه کلام شیخ مفیداند و به دلیل کثرت این روایات می توان ادعای تواتر اجمالی آنها را نمود. و اینکه نجاشی گفته است او مضطرب الروایه است، بر فرض آنکه این کلامش درست باشد، نشان از عدم وثاقت او ندارد چنانچه قبلاً بیان کردیم. اما اینکه گفته مصنفاًتی برای او ذکر شده که قابل اعتماد نیست، این کلام او هم به خاطر آن است که او را فاسد المذهب و مضطرب الروایه می داند و ما هر دو آن را جواب دادیم. بنابراین فردی بزرگ و مورد وثوق است

الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث، ج ١٩ ص ٣١٧ الي ٣٣٠،

الطبعة الخامسة، ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م

پدر علامه مجلسی هم يك روايتي كه در سند آن مفضل وجود دارد، معتبر مي داند و مي گويد:
بسندين معتبرين عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر عن أبي عبد الله عليه السلام.
با دو سند معتبر كه از توسط محمد بن سنان و او از طريق مفضل از امام صادق عليه السلام رسیده است.

المجلسي، محمد تقی (متوفای ۱۰۷۰هـ)، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۳۸۷،
محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور،
مکان چاپ: قم، سال چاپ: ۱۴۰۶ ق

سند دوم: صفار از امام صادق از امام علي عليه السلام

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِبرَاهِيمَ وَ أَحْمَدُ بْنُ زَكَرِيَّا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نُعَيْمٍ عَنْ
يزدان [يزداد] بْنِ إِبرَاهِيمَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ اللَّهُ لَقَدْ أَعْطَانِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تِسْعَةَ أَشْيَاءَ لَمْ يُعْطِهَا أَحَدًا قَبْلِي

...

الصفار، أبو جعفر محمد بن الحسن بن فروخ (متوفای ۲۹۰هـ) بصائر الدرجات، ص ۲۲۱، تحقیق: تصحیح
وتعليق وتقديم: الحاج ميرزا حسن كوچه باغي، ناشر: منشورات الأعلمي - طهران، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۳۶۲
ش

سند سوم: شيخ صدوق از امام صادق از امام علي عليه السلام

أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ
قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ وَ أَحْمَدُ بْنُ زَكَرِيَّا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نُعَيْمٍ عَنْ يَزْدَادَ بْنِ إِبرَاهِيمَ
عَمَّنْ حَدَّثَهُ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ اللَّهُ
لَقَدْ أَعْطَانِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تِسْعَةَ أَشْيَاءَ لَمْ يُعْطِهَا أَحَدًا قَبْلِي ...

الصدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، الخصال، ص ۴۱۵، تحقیق، تصحیح وتعليق:
علي أكبر الغفاري، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال چاپ ۱۴۰۳ -
۱۳۶۲

در این روایت، امام علی علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه وآله در روز غدیر مرا به سیمت امامت منصوب نمود. متن روایت:

حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ: رَأَيْتُ عَلِيًّا ع فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي خِلَافَةِ عُثْمَانَ وَ جَمَاعَةٍ يَتَحَدَّثُونَ وَ يَتَذَكَّرُونَ الْعِلْمَ وَ الْفِقْهَ فَذَكَرْنَا قُرَيْشًا وَ شَرَفَهَا وَ فَضْلَهَا ... فَأَكْثَرَ الْقَوْمُ فِي ذَلِكَ مِنْ بُكْرَةٍ إِلَى حِينِ الزَّوَالِ وَ عُثْمَانَ فِي دَارِهِ لَا يَعْلَمُ بِشَيْءٍ مِمَّا هُمْ فِيهِ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع سَاكِتٌ لَا يَنْطِقُ لَا هُوَ وَ لَا أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ فَأَقْبَلَ الْقَوْمُ عَلَيْهِ فَقَالُوا يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ فَقَالَ ... أَنَشُدُّكُمْ اللَّهَ أَنْ تَعْلَمُونَ حَيْثُ نَزَلَتْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَ حَيْثُ نَزَلَتْ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ قَالَ النَّاسُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ هَذِهِ خَاصَّةٌ فِي بَعْضِ الْمُؤْمِنِينَ أَمْ عَامَّةٌ لِجَمِيعِهِمْ فَأَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَبِيَّهُ ص أَنْ يُعَلِّمَهُمْ وَ لَاءَ أَمْرِهِمْ وَ أَنْ يُفَسِّرَ لَهُمْ مِنَ الْوَلَايَةِ مَا فَسَّرَ لَهُمْ مِنْ صَلَاتِهِمْ وَ زَكَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ حَجِّهِمْ فَنَصَبَنِي لِلنَّاسِ بِغَدِيرِ خُمٍ ... فَقَالُوا كُلُّهُمْ لِلَّهِمْ نَعَمْ قَدْ سَمِعْنَا ذَلِكَ كُلَّهُ ...

سلیم بن قیس هلالی گوید: در خلافت عثمان، علی علیه السلام را در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دیدم و جماعتی هم حدیث می گفتند و به مذاکره علم و فقه مشغول بودند و ما از قریش و شرف و فضل آنها یاد کردیم ... آنها از صبح تا ظهر در این مذاکرات بودند و عثمان در خانه خود بود و اطلاعی از این مجلس نداشت. علی بن ابی طالب هم ساکت بود و هیچ کلامی نفرمود نه خودش و نه هیچ یک از اهل بیتش. بعد از آن مردم به او روی آورده و گفتند: ای ابو الحسن! چرا سخن نمی گویی؟ ... حضرت فرمود: شما را به خدای تعالی سوگند می دهم آیا می دانید که این آیات کجا نازل شده است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» و آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» مردم به رسول خدا گفتند: آیا این آیات خاص بعضی از مؤمنان است و یا آنکه شامل همه آنها می شود؟ و خدای تعالی به پیامبرش فرمان داد که والیان امر را به آنها اعلام کند و ولایت را برای آنها تفسیر کند همان گونه که صلاة و زکاة و حج آنها را تفسیر کرده است، پس مرا در غدیر خم برای مردم منصوب کرد ... آنها گفتند: به خدا چنین است و ما هم همه آنچه را که گفتی شنیده ایم ...

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ص: ۲۷۴ الي

۲۷۶، ناشر: اسلامیه - تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵ هـ

بررسی سند

این گزارش هم به نوبه خود اعتبار لازم را دارد. پدر شیخ صدوق و محمد بن الحسن بن الولید دو نفر اول این روایت‌اند. جلالت قدر پدر شیخ صدوق روشن است. نجاشی درباره او می‌گوید: **علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي أبو الحسن شيخ القميين في عصره ... و ثقتهم** (او شیخ قمی‌ها در زمان خود و مورد وثوق آنان بوده است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۲۶۱، تحقیق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

محمد بن الحسن بن الولید هم در نگاه نجاشی از وثاقت بالایی برخوردار است او می‌گوید: **شيخ القميين و وجههم ثقة** (بزرگ اهل قم بوده و نزد آنان دارای جایگاه است و مورد اعتماد کامل است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۳۸۳، تحقیق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

نجاشی درباره راوی دوم یعنی سعد بن عبد الله اشعري، می‌گوید: **سعد بن عبد الله الأشعري القمي شيخ هذه الطائفة و فقيها و وجهه** (وی شیخ این طایفه و فردی دارای جایگاه ویژه است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۱۷۷، تحقیق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

همو درباره یعقوب بن یزید می‌گوید: **كان ثقة صدوق** (انسانی مورد وثوق و راستگو بود)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۴۵۰، تحقیق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

حماد بن عیسی الجهنی هم در نگاه نجاشی انسانی قابل اعتماد است. او می گوید: **كان ثقة في**

حديثه صدوقا (فردی مورد وثوق و راستگو بود)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۱۴۲، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

نجاشي راوي بعدي يعني عمر بن اذينة را اينگونه مي ستايد: **شيخ أصحابنا البصريين ووجههم** (او بزرگ اصحاب ما از اهل بصره و دارای جایگاه نزد آنان بود)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۲۸۳، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

ابان بن ابي عياش هم بنا به برخي شواهد مي تواند فردي مورد وثوق باشد نخست آنکه عمر بن اذينه که خود فردي داراي اعتبار است در موارد متعدد [علاوه بر روايت فوق] از ابان روايت نقل مي کند و اين مي تواند نشان از اعتمادش به او باشد. علاوه بر آنکه يکي از راويان قبل او در اين روايت، حماد بن عیسی جهني است که در زمره اصحاب اجماع به شمار مي رود و عده اي از عالمان را اعتقاد بر آن است که هر روايتي که بتواند با سند معتبر به يکي از اصحاب اجماع برسد از اعتبار کافي برخوردار است و ملاحظه احوال راويان ما بين آنها و امام لازم نيست. کشي در اين باره مي گوید:

أجمعت العصابة على تصحيح ما يصح من هؤلاء ... من دون أولئك ... حماد بن عيسى.

اصحاب اجماع دارند بر آنکه هر روايتي که بتواند با سند معتبر به يکي از آنان [اصحاب اجماع] برسد آن روايت صحيح است. يکي از اين افراد حماد بن عیسی است.

الطوسي، الشيخ الطائفة أبي جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسين (متوفای ۴۶۰هـ)، اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي، ج ۲ ص ۶۷۳، تصحيح وتعليق: المعلم الثالث ميرداماد الاستربادي، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، تاريخ الطبع: ۱۴۰۴ هـ.

درباره سليم بن قيس هلالی بايد گفت که نجاشی در ابتداي کتابش مي گوید: **أذكر المتقدمين في التصنيف من سلفنا الصالح** [نخست پيشگامان از گذشتگان صالح ما را که صاحب تصنيف بودند ذکر می کنم]. آنگاه وي را در زمره سلف صالح از مصنفان جاي داده است.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٣، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ

همچنين آيت الله خويي مي گويد: **عده البرقي من الأولياء من أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام.**

برقی در رجال خود او را از جمله اولیای از اصحاب امام علی علیه السلام شمرده است
الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث، ج ٩ ص ٢٢٦، الطبعة الخامسة، ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م

روایت سوم: **ابو علي همداني از امام علي عليه السلام**

در این روایت امام علیه السلام، سخن برخی افراد مبني بر اعلام امامتش در روز غدیر را تایید می کند. متن روایت:

أخبرني أبو الحسن علي بن محمد الكاتب قال : حدثنا الحسن بن علي الزعفراني قال : حدثنا أبو إسحاق إبراهيم بن محمد الثقيفي قال : حدثنا المسعودي قال : حدثنا محمد بن كثير ، عن يحيى بن حماد القطان قال : حدثنا أبو محمد الحضرمي ، عن أبي علي الهمداني: إن عبد الرحمن بن أبي ليلى قام إلى أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام فقال يا أمير المؤمنين إني سائلك لآخذ عنك ، وقد انتظرنا أن تقول من أمرك شيئاً فلم تقله ألا تحدثنا عن أمرك هذا أكان بعهد من رسول الله صلى الله عليه وآله أو شيء رأيته؟ فإننا قد أكثرنا فيك الأقاويل ، وأوثقه عندنا ما قبلناه عنك وسمعناه من فيك. إنا كنا نقول: لو رجعت (الخلافة) إليكم بعد رسول الله صلى الله عليه وآله لم ينازعكم فيها أحد والله ما أدري إذا سئلت ما أقول؟ أزعم أن القوم كانوا أولى بما كانوا فيه منك فإن قلت ذلك فعلى م نصبك رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بعد حجة الوداع فقال " أيها الناس من كنت مولاه فعلي مولاه وإن تك أولى منهم بما كانوا فيه فعلي م تتولاهم؟ فقال أمير المؤمنين عليه السلام : يا عبد الرحمن إن الله تعالى قبض نبيه صلى الله عليه وآله وأنا يوم قبضه أولى بالناس مني بقميصي هذا وقد كان من نبي الله إلي عهد

لو خزتموني بأنفي لأقررت سمعا لله وطاعة ، وإن أول ما انتقصنا بعده إبطال حقنا في
الخمسة.

الشيخ المفيد، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله العكبري، البغدادي (متوفى ٤١٣ هـ)،
الأمالى، ص ٢٢٣، تحقيق: الحسين أستاذ ولي - علي أكبر الغفاري، ناشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع -
بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤١٤ هـ - ١٩٩٣ م.

روایت چهارم: مكحول از امام علي عليه السلام

در این روایت امام عليه السلام، اعلان جانشینش در روز غدیر را فضیلتی منحصر به خودش می
داند. متن روایت:

حدثنا أحمد بن الحسن القطان ومحمد بن أحمد السناني وعلي بن موسى الدقاق
والحسين بن إبراهيم بن أحمد بن هشام المكتب وعلي بن عبد الله الوراق رضي الله عنهم
قالوا حدثنا أبو العباس أحمد بن يحيى بن زكريا القطان حدثنا بكر بن عبد الله بن حبيب
حدثنا تميم بن بهلول حدثنا سليمان بن حكيم عن ثور بن يزيد عن مكحول قال: قال
أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام لقد علم المستحفظون من أصحاب النبي
محمد صلى الله عليه وآله أنه ليس فيهم رجل له منقبة إلا وقد شركته فيها وفضلته ولي
سبعون منقبة لم يشركني فيها أحد منهم ... وأما الحادية والخمسون فان رسول الله صلى
الله عليه وآله أقامني للناس كافة يوم غدیر خم فقال: من كنت مولاه فعلي مولاه.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ٣٨١ هـ)، الخصال، ص ٥٧٨، تحقيق، تصحيح وتعليق:
علي أكبر الغفاري، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال چاپ ١٤٠٣ -
١٣٦٢

روایت پنجم: امام حسين از امام علي عليه السلام

در این روایت، امام عليه السلام می فرماید: با ابلاغ امامت در روز غدیر، دین اسلام کامل شد.
متن روایت:

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلَعْبُرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ
أَحْمَدَ الْخُرَّاسَانِيُّ الْحَاجِبُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ سَنَةِ سَبْعٍ وَثَلَاثِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ
بْنِ هَارُونَ أَبُو عَمَرَ الْمَرْوَزِيُّ وَقَدْ زَادَ عَلِيُّ الثَّمَانِينَ سَنَةً قَالَ حَدَّثَنَا الْفَيَّاضُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
عَمَرَ الطَّرْسُوسِيِّ (الطوسي) بِطُوسَ سَنَةِ تِسْعٍ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ وَقَدْ بَلَغَ التُّسْعِينَ أَنَّهُ

شَهِدَ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرُّضَاعَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ وَبِحَضْرَتِهِ جَمَاعَةً مِنْ خَاصَّتِهِ قَدْ احْتَبَسَهُمْ لِلْإِفْطَارِ وَقَدْ قَدَّمَ إِلَى مَنَازِلِهِمُ الطَّعَامَ وَالْبُرَّ وَالصَّلَاتِ وَالْكِسُوَةَ حَتَّى الْخَوَاتِيمَ وَالنُّعَالَ وَقَدْ غَيَّرَ مِنْ أَحْوَالِهِمْ وَأَحْوَالِ حَاشِيَتِهِ وَجُدَّدَتْ لَهُ آلَةٌ غَيْرُ آلَةِ الَّتِي جَرَى الرَّسْمُ بِإِيْتِدَالِهَا قَبْلَ يَوْمِهِ وَهُوَ يَذْكَرُ فَضْلَ الْيَوْمِ وَقَدِمَهُ فَكَانَ مِنْ قَوْلِهِ ع حَدَّثَنِي الْهَادِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي الصَّادِقُ قَالَ حَدَّثَنِي الْبَاقِرُ قَالَ حَدَّثَنِي سَيِّدُ الْعَابِدِينَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ قَالَ اتَّفَقَ فِي بَعْضِ سِنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع الْجُمُعَةَ وَالْغَدِيرُ فَصَعِدَ الْمُنْبَرَ عَلَى خَمْسِ سَاعَاتٍ مِنْ نَهَارِ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ... ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمَعَ لَكُمْ مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي هَذَا الْيَوْمِ عِيدَيْنِ عَظِيمَيْنِ كَبِيرَيْنِ لَا يَقُومُ أَحَدُهُمَا إِلَّا بِصَاحِبِهِ لِيُكْمَلَ عِنْدَكُمْ جَمِيلٌ صَنِيعَتِهِ ... فَلَا يَقْبَلُ تَوْحِيدَهُ إِلَّا بِالاعْتِرَافِ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِنُبُوَّتِهِ وَ لَا يَقْبَلُ دِينًا إِلَّا بِوَلَايَةِ مَنْ أَمَرَ بِوَلَايَتِهِ وَ لَا تَنْتَظِمُ أَسْبَابُ طَاعَتِهِ إِلَّا بِالتَّمَسُّكِ بِعِصْمِهِ وَ عِصْمِ أَهْلِ وَوَلَايَتِهِ فَأَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي يَوْمِ الدَّوْحِ مَا بَيَّنَّ بِهِ عَنْ إِرَادَتِهِ فِي خُلُصَاتِهِ وَ ذَوِي اجْتِبَائِهِ وَ أَمْرَهُ بِالْبَلَاغِ وَ تَرْكِ الْحِفْلِ بِأَهْلِ الزَّيْغِ وَ النَّفَاقِ وَ ضَمِنَ لَهُ عِصْمَتَهُ مِنْهُمْ ... وَ كَمَّلَ اللَّهُ دِينَهُ وَ أَقْرَعَ عَيْنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُتَابِعِينَ وَ كَانَ مَا قَدْ شَهِدَهُ بَعْضُكُمْ وَ بَلَغَ بَعْضُكُمْ ... إِنَّ هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّانِ وَ هُوَ يَوْمُ الْإِيضَاحِ وَ الْإِفْصَاحِ عَنِ الْمَقَامِ الصَّرَاحِ وَ يَوْمٌ كَمَالِ الدِّينِ ...

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، مصباح المتعجب، ص: ٧٥٢

الي ٧٥٥، ناشر: مؤسسة فقه الشيعة - بيروت - لبنان، چاپ: الأولى، سال چاپ: ١٤١١ - ١٩٩١

روایت ششم: امام باقر از امام علي عليهما السلام

در این روایت، امام عليه السلام مي فرمايد: با ابلاغ امامت در روز غدیر علاوه بر به کمال رسیدن اسلام، خداوند هم از آن راضي شد. متن روایت:

(خطبة لأمير المؤمنين عليه السلام وهي خطبة الوسيلة) محمد بن علي بن معمر عن محمد بن علي بن عكاية التميمي عن الحسين بن النضر الفهري عن أبي عمرو الأوزاعي عن عمرو بن شمر عن جابر بن يزيد قال : دخلت على أبي جعفر عليه السلام فقلت: يا ابن رسول الله قد أرمضني اختلاف الشيعة في مذاهبها فقال: يا جابر ألم أقفك على معنى اختلافهم من أين اختلفوا ومن أي جهة تفرقوا؟ قلت: بلى يا ابن رسول الله قال: فلا تختلف إذا اختلفوا يا جابر إن الجاحد لصاحب الزمان كالجاحد لرسول الله صلى الله

عليه وآله في أيامه يا جابر ... إن أمير المؤمنين عليه السلام خطب الناس بالمدينة بعد سبعة أيام من وفاة رسول الله صلى الله عليه وآله وذلك حين فرغ من جمع القرآن وتأليفه فقال ... فخرج رسول الله صلى الله عليه وآله إلى حجة الوداع ثم صار إلى غدیر خم فأمر فأصلح له شبه المنبر ثم علاه وأخذ بعضدي قائلًا في محفله " من كنت مولاه فعلي مولاه " فكانت علي ولايتي ولاية الله وعلى عداوتي عداوة الله وأنزل الله عز وجل في ذلك اليوم " اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً فكانت ولايتي كمال الدين ورضا الرب جل ذكره ...

جابر بن یزید گوید: من خدمت امام باقر عليه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا برآستی که این اختلاف شیعه در مذهبشان مرا میسوزاند. حضرت فرمود: ای جابر تو را آگاه نسازم بر حقیقت اختلاف آنها که این اختلاف از کجا سرچشمه گرفته و از چه جهت تفرقه و جدائی پیدا کردند؟ عرض کردم: چرا ای فرزند رسول خدا، فرمود: پس هر گاه آنان اختلاف کردند تو راه اختلاف را پیش مگیر، همانا هر که منکر امام وقت گردد مانند کسی است که منکر رسول خدا صلى الله عليه وآله در روزگار خود آن حضرت شده باشد، ای جابر ... همانا امیر مؤمنان علیه السلام پس از اینکه هفت روز از وفات پیغمبر صلى الله عليه وآله گذشت در مدینه برای مردم خطبه ای ایراد فرمود و این خطبه پس از آن بود که از جمع آوری قرآن و گرد آوردن آن فراغت جسته بود و در آن خطبه چنین فرمود: ... رسول خدا به سفر حجه الوداع رفت و سپس به غدیر خم آمد در آنجا دستور داد شبیه منبری برایش ساختند و بالای آن رفت و بازوی مرا بلند کرد و فرمود: هر که را من سرور و مولی هستم علی سرور و مولای او است. پس روی دوستی من است دوستی خدا، و روی دشمنی من است دشمنی خدا و خدای عز و جل در باره جریان آن روز این آیه را نازل فرمود: امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما انتخاب کردم. پس ولایت من کمال دین و مورد پسند پروردگار جل ذکره گردید ...

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۸ صص ۲۶، ۲۷، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

روایت هفتم: سلمان از امام علی علیه السلام

در این روایت، امام علیه السلام می فرماید: آنگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر مرا به امامت منصوب نمود، شیطان و سران اصحاب او حضور داشتند. متن روایت:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا صَنَعُوا ... فَاتَيْتُ عَلِيًّا وَهُوَ يُغَسِّلُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا صَنَعَ

النَّاسُ وَقُلْتُ إِنَّ أبا بَكْرٍ السَّاعَةَ عَلَىٰ مِنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ: ... أَخْبَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَّ إبْلِيسَ وَرُؤَسَاءَ أَصْحَابِهِ شَهِدُوا نَصَبَ رَسُولِ اللَّهِ ص إِيَّايَ لِلنَّاسِ بِغَدِيرِ خُمٍّ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأَخْبَرَهُمْ أَنِّي أَوْلَىٰ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَمْرَهُمْ أَنْ يُبْلَغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ ... وَ أَخْبَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَّهُ لَوْ قُبِضَ أَنَّ النَّاسَ يُبَايِعُونَ أَبَا بَكْرٍ فِي ظِلَّةِ بَنِي سَاعِدَةَ بَعْدَ مَا يَخْتَصِمُونَ ...

سليم بن قيس هلالی می گوید: شنیدم از سلمان فارسی که می‌گفت: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت و مردم کردند آنچه را کردند ... من نزد امام علی علیه السلام که مشغول غسل دادن پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بود رفتم و او را از ماجرا مطلع ساختم و گفتم: هم اکنون ابو بکر بر فراز منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جای گرفت ... علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من خبر داد که شیطان و سران اصحاب او در روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در غدير خم مرا به دستور خدای عز و جل برای مردم منصوب فرمود حضور داشتند، آن وقتی که پیغمبر به مردم فرمود: من از آنها به خود آنها سزاوارترم، و بدانها دستور فرمود که حاضران به غائبان برسانند ... و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من خبر داد که چون از این دنیا برود مردم پس از مخاصمه با یک دیگر در سقیفه بنی ساعده با ابو بکر بیعت کنند ...

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۸ ص ۳۴۴، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

بررسی سند

این روایت اعتبار کافی برای پذیرش را داراست. نجاشی درباره علی بن ابراهیم می گوید: علی بن ابراهیم بن هاشم ثقة في الحديث ثبت معتمد صحيح المذهب. (علی بن ابراهیم انسانی مورد وثوق در حدیث، مورد اعتماد و دارای مذهبی درست است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰ هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۲۶۰، تحقیق: السيد موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶ هـ.

آیت الله خویی در شرح حال راوی بعدی ابراهیم بن هاشم می گوید: لا ينبغي الشك في وثاقة ابراهیم بن هاشم ويدل على ذلك عدة أمور: الاول: أنه روى عنه ابنه علي في تفسيره كثيرا وقد التزم في أول كتابه بأن ما يذكره فيه قد انتهى إليه بواسطة الثقات. الثاني: أن

السيد ابن طاووس ادعى الاتفاق على وثاقته. الثالث: أنه أول من نشر حديث الكوفيين بقم والقميون قد اعتمدوا على رواياته وفيهم من هو مستصعب في أمر الحديث فلو كان فيه شائبة الغمز لم يكن يتسالم على أخذ الرواية عنه وقبول قوله. هیچ تردیدی در وثاقت ابراهیم بن هاشم وجود ندارد به دلیل آنکه: اولاً: فرزند او [علی بن ابراهیم] در تفسیرش از او روایت کرده است و او ملتزم شده که از افراد مورد وثوق در تفسیرش روایت کند. ثانياً: سید بن طاووس ادعا کرده که وثاقت ابراهیم بن هاشم اجماعی است. ثالثاً: او اولین نفری بوده که احادیث اهل بیت علیهم السلام را در قم آورده و قمی‌ها به روایات او اعتماد داشتند در حالی که در میان قمی‌ها افرادی بودند که در امر حدیث سخت گیر بودند و اگر او را مورد اعتماد نمی دانستند این چنین احادیث او مورد قبول در میان آنان نبود

الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث ج ١ ص ٢٩١، الطبعة الخامسة، ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م

حماد بن عيسى الجهني هم در نگاه نجاشي انساني قابل اعتماد است. او مي گوید: **كان ثقة في حديثه صدوقاً** (فردی مورد وثوق و راستگو بود)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ١٤٢، تحقيق: السيد موسي الشيبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ

همچنین نجاشي درباره ابراهیم بن عمر هم مي گوید: **ثقة** (فردی مورد وثوق است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٢٠، تحقيق: السيد موسي الشيبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ

درباره سليم بن قيس هلالی باید گفت که نجاشي در ابتدای کتابش مي گوید: **أذكر المتقدمين في التصنيف من سلفنا الصالح** [نخست پیشگامان از گذشتگان صالح ما را که صاحب تصنیف بودند ذکر می کنم] آنگاه وي را در زمره سلف صالح از مصنفان جاي داده است.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٣، تحقيق: السيد موسي الشيبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ

همچنین آیت الله خویی می گوید: عده البرقی من الأولیاء من أصحاب أمير المؤمنين علیه السلام.

برقی در رجال خود او را از جمله اولیای از اصحاب امام علی علیه السلام شمرده است
الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث، ج ٩ ص ٢٢٦، الطبعة
الخامسة، ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م

روایت هشتم: امام باقر و محمد حنفیه از امام علی علیه السلام

در این روایت، امام علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه وآله در روز غدیر به
حاضران دستور داد تا مسأله جانشینش را به غائبان برسانند. این روایت با دو سند ذیل نقل شده
است:

سند یکم: امام باقر از امام علی علیه السلام

حدثنا أبي ومحمد بن الحسن رضي الله عنهما قالا : حدثنا سعد بن عبد الله قال : حدثنا
أحمد بن الحسين بن سعيد قال : حدثني جعفر بن محمد النوفلي ، عن يعقوب بن يزيد
قال : قال أبو عبد الله جعفر بن أحمد بن محمد بن عيسى بن محمد بن علي ابن عبد الله
بن جعفر بن أبي طالب قال : حدثنا يعقوب بن عبد الله الكوفي قال : حدثنا موسى بن
عبيدة ، عن عمرو بن أبي المقدام ، عن أبي إسحاق ، عن الحارث ، عن محمد بن -
الحنفية رضي الله عنه ، وعمرو بن أبي المقدام ، عن جابر الجعفي ، عن أبي جعفر قال :
أتى رأس اليهود علي بن أبي طالب عليه السلام عند منصرفه عن وقعة النهروان وهو
جالس في مسجد الكوفة فقال : يا أمير المؤمنين إني أريد أن أسألك عن أشياء لا يعلمها
إلا نبي أو وصي نبي قال : سل عما بدا لك يا أخا اليهود ؟ قال : إنا نجد في الكتاب أن
الله عز وجل إذا بعث نبيا أوحى إليه أن يتخذ من أهل بيته من يقوم بأمر أمته من بعده
وأن يعهد إليهم فيه عهدا يحتذي عليه ويعمل به في أمته من بعده وأن الله عز وجل
يمتحن الأوصياء في حياة الأنبياء ويمتحنهم بعد وفاتهم فأخبرني كم يمتحن الله الأوصياء
في حياة الأنبياء؟ وكم يمتحنهم بعد وفاتهم من مرة ؟ وإلى ما يصير آخر أمر
فقال له علي عليه السلام ... إن الله عز وجل يمتحن الأوصياء في حياة الأنبياء في سبعة
مواطن ليبتلي طاعتهم ، فإذا رضي طاعتهم ومحتهم أمر الأنبياء أن يتخذوهم أولياء في

حياتهم وأوصياء بعد وفاتهم وبصير طاعة الأوصياء في أعناق الأمم ممن يقول بطاعة الأنبياء ، ثم يمتحن الأوصياء بعد وفاة الأنبياء عليهم السلام في سبعة مواطن ليلبو صبرهم ، فإذا رضي محتتهم ختم لهم بالسعادة ليلحقهم بالأنبياء ، وقد أكمل لهم السعادة ... يا أخا اليهود إن الله عز وجل امتحنني بعد وفاة نبيه صلي الله عليه وآله في سبعة مواطن فوجدني فيهن - من غير تزكية لنفسى - منه ونعمته صبورا . واما أولهن ... وأما الثانية يا أخا اليهود ، فإن رسول الله صلي الله عليه وآله أمّرتني في حياته علي جميع أمته وأخذ علي جميع من حضره منهم البيعة والسمع والطاعة لامرى ، وأمرهم أن يبلغ الشاهد الغائب ذلك ، فكنت المؤدي إليهم عن رسول الله صلي الله عليه وآله أمره إذا حضرته والأمير علي من حضرني منهم إذا فارقت ، لا تختلج في نفسى منازعة أحد من الخلق لى فى شئ من الامر فى حياة النبي صلي الله عليه وآله ولا بعد وفاته ثم أمر رسول الله صلي الله عليه وآله بتوجيه الجيش الذى وجهه مع أسامة بن زيد عند الذى أحدث الله به من المرض الذى توفاه فيه ، فلم يدع النبي أحدا من أفناء العرب ولا من الأوس والخزرج وغيرهم من سائر الناس ممن يخاف علي نقضه ومنازعته ولا أحدا ممن يرانى بعين البغضاء ممن قد وترته بقتل أبيه أو أخيه أو حميمه إلا وجهه فى ذلك الجيش ، ولا من المهاجرين والأنصار والمسلمين وغيرهم والمؤلفة قلوبهم والمنافقين ، لتصفو قلوب من يبقى معى بحضرته ، ولئلا يقول قائل شيئا مما أكرهه ، ولا يدفنى دافع من الولاية والقيام بأمر رعيته من بعده ، ثم كان آخر ما تكلم به فى شئ من أمر أمته أن يمضى جيش أسامة ولا يتخلف عنه أحد ممن أنهض معه ، وتقدم فى ذلك أشد التقدم وأوعز فيه أبلغ الإيعاز وأكد فيه أكثر التأكيد فلم أشعر بعد أن قبض النبي صلي الله عليه وآله إلا برجال من بعث أسامة بن زيد وأهل عسكره قد تركوا مراكزهم ، وأخلوا مواضعهم ، وخالفوا أمر رسول الله صلي الله عليه وآله فيما أنهضهم له و أمرهم به وتقدم إليهم من ملازمة أميرهم والسير معه تحت لوائه حتى ينفذ لوجهه الذى أنفذه إليه ، فخلفوا أميرهم مقيما فى عسكره ، وأقبلوا يتبادرون علي الخيل ركضا أصواتهم واختصت به آراؤهم من غير مناظرة لاحد منا بنى عبد المطلب أو مشاركة فى رأى أو استقالة لما فى أعناقهم من بيعتى ، فعلو ذلك وأنا برسول الله صلي الله عليه وآله مشغول وبتجهيزه عن سائر الأشياء

مصدود فإنه كان أهمها وأحق ما بدئ به منها ، فكان هذا يا أبا اليهود أقرح ما ورد علي

قلبي مع الذي أنا فيه من عظيم الرزية.

جابر جعفي مي گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: بزرگ یهود نزد علي بن ابي طالب عليه السلام آمد و آن هنگامی بود که آن حضرت از جنگ نهروان برگشته و در مسجد کوفه نشسته بود، پس گفت: یا امیر المؤمنین، من می خواهم از تو از چیزهایی بپرسم که پاسخ آنها را جز پیامبر یا وصی پیامبر نمی داند، فرمود: ای برادر یهود، هر چه می خواهی بپرس، گفت: ما در کتاب آسمانی خود چنین یافته ایم که هر گاه که خداوند پیامبری برمی انگیزد به او وحی می کند که از خاندان خودش کسی را تعیین کند که به کار امت او پس از او قیام کند و در این باره وصیتی به امت خود کند و امت پس از او به این وصیت عمل کنند. دیگر اینکه خداوند در زمان حیات پیامبران و هم پس از مرگشان، اوصیاء آنان را امتحان می کند. به من خبر بده خداوند اوصیاء پیامبران را چند بار در زمان حیات پیامبران و چند بار پس از مرگشان امتحان می کند و چون از این امتحان راضی شد، سرانجام کارشان به کجا می کشد؟ علي عليه السلام به او فرمود: سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست، همان خدایی که دریا را بر بني اسرائيل شکافت و تورات را به موسی عليه السلام نازل فرمود، اگر به تو از حقیقت آنچه پرسیدی خبر دهم، به آن اقرار می کنی؟ گفت: آری، فرمود: سوگند به کسی که دریا را بر بني اسرائيل شکافت و تورات را به موسی نازل کرد، اگر پاسخ دهم اسلام را می پذیری؟ گفت: آری. علي عليه السلام فرمود: همانا خداوند در زمان حیات پیامبران اوصیاء آنان را در هفت مورد امتحان می کند تا میزان فرمانبرداری آنان را معلوم شود و چون از فرمانبرداری و امتحان آنان راضی شد، پیامبران را دستور می دهد که آنان را در زمان حیات خود، دوستان خود و در زمان مرگشان، اوصیاء خود قرار دهند و اطاعت از اوصیاء بر گردن آنهايي که پیامبران را قبول دارند ثابت می گردد، آنگاه خداوند پس از مرگ پیامبران، اوصیاء را در هفت مورد امتحان می کند تا میزان شکیبایی آنان معلوم گردد و چون از امتحان آنان راضی شد، سرانجام آنان را با سعادت همراه می کند تا به پیامبران ملحق شوند در حالی که سعادت آنان کامل شده است ... سپس فرمود: ای برادر یهودی، خدا پس از وفات پیامبرش مرا در هفت مورد امتحان کرد و بی آنکه بخواهم خودستایی کنم، مرا به وسیله لطف و نعمت خودش شکیبا یافت ... و اما دوّمی ای برادر یهودی، این بود که پیامبر خدا (ص) در زمان حیات خود مرا به جمیع امت خود امیر گردانید و از تمام حاضران بیعت گرفت و اینکه آنان باید سخن مرا بشنوند و از من اطاعت کنند و دستور داد که این موضوع را حاضران به غائبان برسانند و چنین بود که من وقتی در محضر پیامبر بودم دستور او را به مردم می رسانیدم و چون از آن حضرت جدا می شدم امیر کسانی بودم که همراه من بودند و هرگز به ذهنم خطور نمی کرد که کسی از مردم نه در زمان پیامبر و نه پس از مرگ او در این باره با من منازعه کند، سپس پیامبر خدا (ص) فرمان داد که سپاهی با اسامه بن زید آماده شود و آن هنگامی بود که خداوند او را مریض کرد، همان مرضی که در آن از دنیا رفت و پیامبر هیچ کس از عرب و اوس و خزرج و دیگران از مردم که بیم آن می رفت آن پیمان را نقض کند و در آن منازعه نماید و نه کسی را از آنان که به من به جهت کشتن پدر یا برادر یا خویشانش به دیده دشمنی می نگرستند، باقی نگذاشت مگر اینکه آنان را در این سپاه قرار داد و نیز کسی از

مهاجران و انصار و مسلمانان و غير آنان و كساني كه تأليف قلب شده بودند و منافقان باقي نگذاشت، تا دلهاي كساني كه در محضر او مي‌ماندند صاف باشد و كسي چيزي نگويد كه مرا ناراحت كند و كسي مرا از ولايت و قيام به امور رعيت او پس از او باز ندارد و آخرين سخني كه با من در باره امت خود گفت، اين بود كه سپاه اسامه حركت كند و كسي از آنان كه با او همراه نموده است از آن تخلف نكنند و در اين باره با شديدترين نوعي پيش رفت و با رساترين بيان به آن سفارش داد و شديداً بر آن تأكيد نمود ولي پس از آنكه پيامبر خدا (ص) از دنيا رفت، مرداني از همراهان اسامه و اهل سپاه او را ديدم كه مرا كز خود را ترك کرده‌اند و پاىگاه‌هايشان را خالي نموده‌اند و با دستور پيامبر كه آنان را گسيل داشته بود و آنان را به ملازمت امير خود و رفتن زير پرچم او خوانده بود مخالفت كردند و از امير خود كه در ميان لشكر بود جدا شدند و سواره آمدند تا آن پيماني را كه خداوند براي من و پيامبرش بر گردن آنها گذارده بود بگشايند كه گشودند و تعهدي را كه به پيامبر و خدا داده بودند نقض كنند، پس نقض كردند و براي خود پيماني بستند كه هياهوي بسيار داشت و فقط به آراء خودشان اختصاص داده بودند، بدون آنكه با يكي از ما فرزندان عبدالمطلب سخن گویند و يا در رأي دادن شركت دهند و يا بخواهند كه بيعت مرا كه بر گردنشان بود باز نمايند. اين كار را كردند در حالي كه من به پيامبر و تجهيز او مشغول بودم و از كارهاي ديگر باز مانده بودم چون اين كار مهم‌تر از همه و سزاوارتر از هر كار ديگر بود. اي برادر يهودي، اين كار دل مرا بيشتتر جريحه‌دار كرد، در حالي كه من در مصيبي بزرگ و فاجعه‌اي غمبار فرو رفته بودم و كسي را كه جز خدا نمي‌توانست جاي او را پر كند، از دست داده بودم و من بر آن صبر كردم در حالي كه مصيبت ديگري بدون فاصله و متصل به آن به من رسيد. سپس رو به اصحاب خود كرد و فرمود: آيا چنين نبود؟ گفتند: آري يا امير المؤمنين.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، الخصال، ص ۳۶۵ الي ۳۷۲، تحقيق،
تصحیح و تعليق: علي أكبر الغفاري، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال
چاپ ۱۴۰۳ - ۱۳۶۲

سند دوم: محمد حنفيه از امام علي عليه السلام

جعفر بن أحمد بن عيسى بن محمد بن علي بن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب ، عن
يعقوب الكوفي قال : حدثنا موسى بن عبيد ، عن عمرو بن أبي المقدام ، عن أبي
إسحاق ، عن الحارث ، وعن جابر ، عن أبي جعفر ، عن محمد بن الحنفية قال : أتى
رأس اليهود علي بن أبي طالب صلوات الله عليه عند منصرفه من وقعة النهروان وهو
جالس في مسجد الكوفة

الشيخ المفيد، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله العكبري، البغدادي (متوفای ۴۱۳ هـ)،
الاختصاص، ص ۱۶۴ الي ۱۷۱، تحقيق: علي أكبر الغفاري، السيد محمود الزرندي، ناشر: دار المفيد للطباعة
والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، الطبعة الثانية ۱۴۱۴ - ۱۹۹۳ م

روایت نهم: افراد گوناگون از امام علی علیه السلام

در این روایت، امام علی علیه السلام با حدیث غدیر به احتجاج در مقابل اعضای شورا [جمعیتی که برای تعیین خلیفه گرد هم آمده بودند] بر می خیزد. این روایت با سندهای ذیل به ثبت رسیده است:

سند اول: ابو الطفیل عامر بن واثله از امام علی علیه السلام

أخبرنا أحمد بن محمد بن الصلت ، قال : أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد إجازة قال حدثنا علي بن محمد بن حبيبة الكندي ، قال حدثنا حسن بن حسين ، قال حدثنا أبو غيلان سعد بن طالب الشيباني عن إسحاق ، عن أبي الطفيل قال: كنت في البيت يوم الشورى وسمعت عليا عليه السلام يقول: أنشدكم بالله ... هل فيكم أحد قال له رسول الله صلى الله عليه وآله: من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه غيري؟ قالوا: اللهم لا ...

ترجمه:

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، الأمالي، ص ٣٣٣، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ

سند دوم: ابو الطفیل عامر بن واثله از امام علی علیه السلام

حدثنا أبي ومحمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنهما قالا : حدثنا سعد بن عبد الله قال : حدثنا محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ، عن الحكم بن مسكين الثقفي ، عن أبي الجارود وهشام أبي ساسان وأبي طارق السراج ، عن عامر بن واثله قال : كنت في البيت يوم الشورى فسمعت عليا عليه السلام وهو يقول : استخلف الناس أبا بكر وأنا والله أحق بالامر وأولى به منه ، واستخلف أبو بكر عمر وأنا والله أحق بالامر وأولى به منه إلا أن عمر جعلني مع خمسة نفر أنا سادسهم لا يعرف لهم علي فضل ولو أشاء لأحتججت عليهم بما لا يستطيع عربيهم ولاعجميهم المعاهد منهم والمشرک تغيير ذلك ثم قال : نشدتكم بالله هل فيكم أحد قال له رسول الله صلى الله عليه وآله كما قال لي "

إن الله أمرني بولاية علي فولايته ولايتي وولايتي ولاية ربي ، عهد عهده إلي ربي وأمرني أن أبلغكموه فهل سمعتم ؟ قالوا : نعم قد سمعنا ...

ترجمه:

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ٣٨١هـ)، الخصال، ص ٥٦٠، تحقيق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال چاپ ١٤٠٣ - ١٣٦٢

سند سوم، چهارم، پنجم: ابو الطفيل عامر بن واثلة، ابورافع و ابوالاسود از امام علي عليه السلام

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الْمُفْضَلِ قَالَ حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ شُعْبَةَ الْأَنْصَارِيِّ وَمُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ رُمَيْسِ الْهَبِيرِيِّ بِالْقَصْرِ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ كَاسِ النَّخَعِيِّ بِالرَّمْلَةِ وَأَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِيِّ قَالُوا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْأَزْدِيُّ الصُّوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ حَمَادِ بْنِ طَلْحَةَ الْقَنَّادُ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْأَزْدِيُّ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُودَ وَزِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ وَسَعِيدِ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَسْلَمِيِّ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ الْكِنَانِيِّ قَالَ: لَمَّا احْتَضَرَ عَمْرُ بْنُ الْخَطَّابِ جَعَلَهَا سُورَى بَيْنَ سِتَّةٍ... فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّكُمْ قَدْ اجْتَمَعْتُمْ لَمَّا اجْتَمَعْتُمْ لَهُ فَأَنْصِتُوا فَاتَكَلَّمْ فَإِنْ قُلْتَ حَقًّا صَدَقْتُمُونِي وَإِنْ قُلْتَ بَاطِلًا رُدُّوا عَلَيَّ وَلَا تَهَابُونِي إِنَّمَا أَنَا رَجُلٌ كَأَحَدِكُمْ ... فَأَنْشِدُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَقَالَتُهُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيٌّْ مَوْلَاهُ، غَيْرِي؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ لَا ...

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الْمُفْضَلِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْعَلَوِيِّ الْحَسَنِيُّ، وَأَبُو عُبَيْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُؤَمَّلِ الصَّيْرَفِيِّ، قَالَا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ خَلْفِ الْعَطَّارِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ رَبِيعَةَ بْنِ عَجَلَانَ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ عَنْ أَبِيهِ أَبِي رَافِعٍ، قَالَ: لَمَّا اجْتَمَعَ أَصْحَابُ السُّورَى وَهُمْ سِتَّةٌ نَفَرٍ وَهُمْ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعُثْمَانُ، وَالزُّبَيْرُ، وَطَلْحَةُ، وَسَعْدُ بْنُ مَالِكٍ، وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ، أَقْبَلَ عَلَيْهِمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، فَقَالَ: أَنْشِدُكُمْ اللَّهَ أَيُّهَا النَّفَرُ ... وَذَكَرَ الْحَدِيثَ نَحْوَهُ

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الْمُفْضَلِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي مَعْشَرٍ السُّلَمِيُّ الْحَرَّانِيُّ بَحْرَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْأَسْوَدِ أَبُو عَلِيٍّ الْحَنْفِيُّ الْقَاضِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصِ الْعَائِشِيِّ التَّمِيمِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ الْعَبْدِيِّ، عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي ذُبَيْبٍ الْهَنْائِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَرْبِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ الدُّؤَلِيُّ، عَنْ أَبِيهِ أَبِي الْأَسْوَدِ، قَالَ: لَمَّا طَعَنَ أَبُو لُؤْلُؤَةَ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ، جَعَلَ الْأَمْرَ بَيْنَ سِتَّةِ نَفَرٍ ... فَلَمَّا تَوَافَقُوا عَلَى رَأْيٍ وَاحِدٍ قَالَ لَهُمْ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... وَذَكَرَ الْمُنَاشِدَةَ،
نَحْوَهُ.

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، الأمالي، ص ٥٥٥ الي ٥٥٧، تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ

سند ششم: ابودر از امام علي عليه السلام

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفْضَلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ زَكَرِيَّا الْعَاصِمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعَدَلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الرَّبِيعُ بْنُ يُسَارٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ، عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي الْجَعْدِ، يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي ذَرٍّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ): أَنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَعُثْمَانَ وَ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ وَ سَعْدَ بْنَ أَبِي وَقَّاصٍ، أَمَرَهُمْ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ أَنْ يَدْخُلُوا بَيْتًا ... قَالَ لَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ .. فَهَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، لِيَبْلُغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ ذَلِكَ غَيْرِي قَالُوا: لَا.

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، الأمالي، ص ٥٤٥، تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ

روایت دهم: افراد گوناگون از امام علي عليه السلام

در این روایت، امام عليه السلام با حدیث غدیر به احتجاج در مقابل عده‌ای از مردم در "یوم الرحبه" می پردازد. این روایت با سندهای ذیل به ثبت رسیده است:

سند یکم: عمیره بن سعد از امام علي عليه السلام

أخبرنا أحمد بن محمد بن الصلت ، قال : حدثنا أحمد بن محمد ، قال : حدثنا الحسن بن علي بن عفان ، قال حدثنا عبيد الله بن موسى ، قال حدثنا هاني بن أيوب ، عن طلحة بن مصرف عن عميرة بن سعد أنه سمع عليا عليه السلام في الرحبة وهو ينشد الناس : من سمع رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: من كنت مولاه فعلي مولاه فقام بضعة عشر فشهدوا.

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، الأمالي، ص ٣٣٤، تحقيق : قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم ، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ.

سند دوم: عمرو ذي مر، سعيد بن وهب، زيد بن نفيح از امام علي عليه السلام

أخبرنا أبو عمر ، قال : أخبرنا أحمد ، قال : حدثنا الحسن بن علي بن عفان ، قال : حدثنا عبيد الله ، عن فطر ، عن أبي إسحاق ، عن عمرو ذي مر ، وسعيد بن وهب ، وعن زيد بن نفيح ، قالوا : سمعنا عليا (عليه السلام) يقول في الرحبة : أنشد الله من سمع النبي (صلى الله عليه وآله) يقول يوم غدیر خم ما قال إلا قام ، فقام ثلاثة عشر ، فشهدوا أن رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال : ألت أولی بالمؤمنين من أنفسهم ، قالوا : بلى يا رسول الله ، فأخذ بيد علي فقال : من كنت مولاه فهذا علي مولاه ، اللهم وال من والاه ، وعاد من عاداه ، وأحب من أحبه ، وأبغض من أبغضه ، وانصر من نصره ، واخذل من خذله . قال أبو إسحاق حين فرغ من الحديث : يا أبا بكر ، أي أشياخ هم؟

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، الأمالي، ص ٢٥٥، تحقيق : قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم ، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ.

سند سوم: زاذان از امام علي عليه السلام

حدثنا عبد الملك بن أبي سليمان العزرمي عن عبد الرحيم عن زاذان قال: سمعت أمير المؤمنين عليه السلام في الرحبة وهو يقول: أنشد الله رجلا سمع النبي صلى الله عليه وآله يوم غدیر خم يقول ما قال إلا قام فقام ثلاثة عشر رجلا فقالوا: نشهد إنا سمعنا رسول الله يوم غدیر خم يقول: من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه.

الطبري، عماد الدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم (متوفى ٥٢٥هـ)، بشارة المصطفى (صلى الله عليه وآله) لشيعه المرتضى عليه السلام، ص ٢٩٣، تحقيق: جواد القوي الأصفهاني، طبع ونشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة الطبعة: الأولى ١٤٢٠ هـ

امام حسن عليه السلام

حديث غدیر از نگاه امام مجتبی علیه السلام دلیل روشن بر امامت امیر مؤمنان علیه السلام است. بر پایه گفتار امام مجتبی علیه السلام اُمت اسلام همانند بنی اسرائیل با وجود آگاهی کامل و از روی عمد، جانشین پیامبرشان را رها کردند و به رهبری دیگران گردن نهادند. ایشان علت این امر را اموری از قبیل کینه ورزی و حسادت مردم می داند. گفتار امام مجتبی علیه السلام در دو اثر روایی امالی شیخ طوسی و بشارة المصطفى طبري امامي، در قالب دو روایت و مجموعاً با سه سند گرد آمده است.

روایت یکم: امام سجاد و ابو عمر زاذان از امام مجتبی علیه السلام

شیخ طوسی روایت نخست را با دو سند ذیل به ثبت رساند:

سند یکم: امام سجاد از امام مجتبی علیهما السلام

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَمْدَانِيُّ بِالْكُوفَةِ وَ سَأَلْتُهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ قَيْسِ الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَسَّانِ الْوَأَسْطِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ كَثِيرٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: لَمَّا أَجْمَعَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَلَى صَلْحِ مُعَاوِيَةَ خَرَجَ حَتَّى لَقِيَهُ، فَلَمَّا اجْتَمَعَا ... قَامَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَخَطَبَ فَقَالَ ... وَ أَيُّمُ اللَّهُ لَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ عَلَى لِسَانِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَدْ تَرَكْتُ بَنُو إِسْرَائِيلَ هَارُونَ أَخَاهُ وَ خَلِيفَتَهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ خَلِيفَةُ مُوسَى وَ قَدْ سَمِعَتْ هَذِهِ الْأُمَّةُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ ذَلِكَ لِأَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي " وَ قَدْ رَأَوْا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حِينَ نَصَبَهُ لَهُمْ بِغَدِيرِ خُمٍّ وَ سَمِعُوهُ وَ نَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ ثُمَّ أَمَرَهُمْ أَنْ يُبَلِّغَ الشَّاهِدُ مِنْهُمْ الْغَائِبَ.

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، الأمالي، ص ٥٦١، تحقيق :
قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم ، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ

سند دوم: ابو عمر زاذان از امام مجتبي عليه السلام

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ
الْعَرَزَمِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَثْمَانَ أَبِي الْيَقْظَانَ، عَنْ أَبِي عُمَرَ زَاذَانَ، قَالَ: لَمَّا وَاذَعَ الْحَسَنُ بْنُ
عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) مُعَاوِيَةَ صَعِدَ مُعَاوِيَةُ الْمِنْبَرَ ... فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ كَلَامِهِ قَامَ الْحَسَنُ (عَلَيْهِ
السَّلَامُ) فَحَمِدَ اللَّهَ (تَعَالَى) بِمَا هُوَ أَهْلُهُ ... وَقَدْ تَرَكْتُ هَذِهِ الْأُمَّةَ أَبِي وَبَايَعُوا غَيْرَهُ وَقَدْ
رَأَوْا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَصَبَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ وَ أَمْرَهُمْ أَنْ يُبْلَغَ الشَّاهِدُ
مِنْهُمْ الْغَائِبَ.

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، الأمالي، ص ٥٥٩، تحقيق :
قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم ، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ

روایت دوم: شعبي از امام مجتبي عليه السلام

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي الطَّيِّبِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي الْفَضْلِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَاشِمٍ أَخْبَرَنَا مَالِكُ
بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنِ الْأَحْلَجِ عَنِ الشَّعْبِيِّ قَالَ: سِئِلَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ
عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ أَخَصَّةٌ هِيَ أَمْ عَامَّةٌ؟
قَالَ نَزَلَتْ فِي قَوْمٍ خَاصَّةٍ فَتَعْقِبُ عَامَّةٌ ثُمَّ جَاءَ التَّخْفِيفُ بَعْدَ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَقِيلَ
يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فِيمَنْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ؟ فَكَتَبَ الْأَرْضَ سَاعَةً ثُمَّ رَفَعَ بَصَرَهُ ثُمَّ نَكَسَ
رَأْسَهُ ثُمَّ رَفَعَ فَقَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى فَقَالَ
بَعْضُ الْقَوْمِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ هَذَا إِنَّمَا يُرِيدُ أَنْ يَرْفَعَ بِضَبْعِ ابْنِ عَمِّهِ قَالُوهَا حَسَدًا وَ بَغْضًا لِأَهْلِ
بَيْتِ النَّبِيِّ ص فَانزَلَ اللَّهُ تَعَالَى أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ... وَ لَا يَشُقُّ عَلَيْكَ مَا
قَالُوا فَإِنَّ اللَّهَ يَمْحُو الْبَاطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ حَزَنَ
عَلَى مَا قَالُوا وَ عَلِمَ أَنَّ الْقَوْمَ غَيْرُ تَارِكِينَ الْحَسَدَ وَ الْبَغْضَاءَ فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ
لِيَحْزُنَكَ الَّذِي يَقُولُونَ ... فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
قَالَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ
فَوَقَعَ فِي قُلُوبِهِمْ مَا وَقَعَ تَكَلَّمُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ سِرًّا حَتَّى قَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ مَنْ يَلِي بَعْدَ

النَّبِيِّ صَ وَمَنْ يَلِي بَعْدَكَ هَذَا الْأَمْرَ لَا نَجْعَلُهَا فِي أَهْلِ الْبَيْتِ أَبَدًا... فَلَمَّا قُبِضَ النَّبِيُّ صَ مَضَوْا عَلَى رَأْيِهِمْ فِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِمْ وَعَلَى مَا تَعَاقَدُوا عَلَيْهِ فِي حَيَاتِهِ وَنَبَذُوا آيَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَوَصِيَّ رَسُولِهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.

الطبري، عماد الدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم (متوفى ٥٢٥هـ)، بشارة المصطفى (صلى الله عليه وآله) لشيعة المرتضى عليه السلام، ص ٣٠٣، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني، طبع ونشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة الطبعة: الأولى ١٤٢٠ هـ

امام حسين از امام علي عليه السلام

در این روایت، امام علیہ السلام با حدیث غدیر در مقابل ابوبکر احتجاج می کند. متن حدیث: حدثنا أحمد بن الحسن القطان قال حدثنا عبد الرحمن بن محمد الحسني قال حدثنا أبو جعفر محمد بن حفص الخثعمي قال حدثنا الحسن بن عبد الواحد قال حدثني أحمد بن التغلبي قال حدثني أحمد بن عبد الحميد قال حدثني حفص ابن منصور العطار قال : حدثنا أبو سعيد الوراق عن أبيه عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده عليهم السلام قال : لما كان من أمر أبي بكر وبيعة الناس له وفعلمهم بعلي بن أبي طالب عليه السلام ما كان لم يزل أبو بكر يظهر له الانبساط ويرى منه انقباضا ... أتاه في وقت غفلة وطلب منه الخلوة ، وقال له : والله يا أبا الحسن فمالك تضرع علي ما لم أستحقه منك وتظهر لي الكراهة فيما صرت إليه وتنظر إلي بعين السأمة مني؟ ... فقال علي عليه السلام ... أنشدك بالله أنا المولى لك ولكل مسلم بحديث النبي صلى الله عليه وآله يوم الغدير أم أنت؟ قال: بل أنت ... قال: فهذا وشبهه يستحق القيام بأمر أمة محمد صلى الله عليه وآله.

امام ششم علیہ السلام از گفته پدرش از جدش نقل کرد: چون کار ابو بکر گذشت و مردم با او بیعت کردند و از علی بن ابی طالب علیہ السلام دست برداشتند ابو بکر همیشه در برابر علی علیہ السلام خوش برخوردی از خود نشان می داد ولی از آن حضرت گرفتگی و دلتنگی میدید ... در موقع تنهایی خدمت حضرت آمد و خلوت کرد و به آن حضرت عرض کرد یا ابا الحسن چرا از من دلتنگید و از پیشوائی من بد بین بوده و به چشم بد و خسته بمن نگاه میکنی؟ حضرت فرمود: ... تو را به خدا آیا به مفاد حدیث پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم در روز غدیر، من آقاي بر تو و هر مسلمانم یا تو؟ گفت: البته شما ... حضرت فرمود: به این گونه فضائل شخصی شایسته زمامداری مسلمانان می شود.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ۳۸۱هـ)، الخصال، ص ۵۵۰، تحقيق، تصحيح وتعليق:
علي أكبر الغفاري، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال چاپ ۱۴۰۳ -
۱۳۶۲

امام سجاد عليه السلام

امام چهارم عليه السلام در پاسخ از چيستي معنای " مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ " آن را به معنای
امامت و سرپرستي مي داند. شيخ صدوق در گزارشي مي نويسد:
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ خَلْفٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ عَامِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا زَائِرُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ شَرِيكَ
عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مَعْنَى قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلَّمَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ قَالَ: أَخْبَرَهُمْ أَنَّهُ الْإِمَامُ بَعْدَهُ.

ابواسحاق می گوید: از امام چهارم عليه السلام درباره سخن رسول خدا صلی الله عليه و آله " مَنْ
كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ " پرسیدم. امام عليه السلام فرمود: به آنان اعلام کرد که علی عليه السلام امام بعد از
اوست.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ۳۸۱هـ)، الأمالي، ص ۱۸۵، تحقيق و نشر: قسم
الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ

امام باقر عليه السلام

بنا به گزارش امام باقر عليه السلام: جبرئیل از طرف خداوند مأمور گشت تا امامت علي عليه
السلام را به پیامبر صلي الله عليه و آله و سلم ابلاغ کند. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم
نخست ابلاغ این امر را به تاخیر انداخت زیرا مي ترسيد مردم مرتد شوند و پیغمبرشان را
تکذیب کنند تا آنکه خدای متعال آن حضرت را تضمین نمود و سرانجام در روز غدیر آن را
اعلام نمود. به فرموده امام پنجم، امامت مهمترین رکن اسلام و در عین حال آخرین فریضه
دینی است که در روز غدیر ابلاغ شد. به موجب آن، شیطان مأیوس و دین اسلام به کمال خود
رسید.

روایات امام باقر عليه السلام در این باره، پُر شمار است. در اینجا ده روایت از میراث حدیثی و
تفسیری امامیه مانند کافی کلینی، معانی الأخبار شيخ صدوق و تفسیر عیاشی را می آوریم.

دست کم پنج تا از این تعداد، اعتبار و اتقان کافی را مطابق موازین دانش حدیث دارند. این نکته هم قابل توجه است احادیث امام باقر علیه السلام به لحاظ گویایی، در یک سطح نیستند. پاره‌ای از این گزارش‌ها، دلالت روشن دارند برخی از این روایات با دقت در محتوا و قرائن موجود، بر این مسأله دلالت می‌کنند در ادامه تفصیل روایات تقدیم می‌گردد:

روایت یکم: ابو محمد از امام باقر علیه السلام

در این روایت امام باقر علیه السلام می‌فرماید: جبرئیل در روز غدیر امامت علی علیه السلام را از طرف خداوند به پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله رساند. متن روایت:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْزُوبٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ أَخْبِرْنِي عَنِ الْوَلَايَةِ أَنْزَلَ بِهَا جَبْرَائِيلُ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَوْمَ الْغَدِيرِ فَقَالَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ قَالَ هِيَ الْوَلَايَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

ترجمه

الصفار، أبو جعفر محمد بن الحسن بن فروخ (متوفای ۲۹۰هـ) بصائر الدرجات، ص ۹۳، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: الحاج میرزا حسن کوچه باغی، ناشر: منشورات الأعلمی - طهران، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۳۶۲ ش

روایت دوم: ابان بن تغلب از امام باقر علیه السلام

در این روایت امام باقر علیه السلام عبارت "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ" را به معنای جانشینی امام علی علیه السلام می‌داند. متن روایت:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ الْجَعَابِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ الثَّقَفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى بِنَاغِ السَّابِرِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شَعِيبٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَنِ قَوْلِ النَّبِيِّ ص مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ فَقَالَ يَا أَبَا سَعِيدٍ تَسْأَلُ عَنْ مِثْلِ هَذَا عَلَّمَهُمْ أَنَّهُ يَقُومُ فِيهِمْ مَقَامَهُ.

ابان بن تغلب گوید: از امام باقر علیه السلام درباره گفته پیامبر صلی الله علیه و اله "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ" پرسیدم. فرمود: ای ابوسعید مطلب به این روشنی سؤال دارد؟ آن حضرت به اصحابش فهماند که در میان آنان علی علیه السلام قائم مقام او خواهد بود.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، (متوفای ۳۸۱هـ)، معانی الأخبار، ص ۶۶، ناشر: جامعه

مدرسین، قم، اول، ۱۴۰۳ ق.

روایت سوم: فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام

در این روایت امام باقر علیه السلام می فرماید: مقصود از آیه "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ... " امامت علی بن ابی طالب علیه السلام است. اگر چه نامی از غدیر در این روایت نیامد اما مطابق احادیث، آیه "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ... " در روز غدیر نازل گشت متن روایت:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّعْمَانِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ قَالَ هِيَ الْوَلَايَةُ وَ هُوَ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ قَالَ هِيَ الْوَلَايَةُ.

فضیل از امام باقر علیه السلام در باره آیه "یا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ" می گوید: یعنی ولایت آل محمد و این آیه همان را معین میکند: یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ فرمود: این دستور همان ولایت است.

الصفار، أبو جعفر محمد بن الحسن بن فروخ (متوفای ۲۹۰هـ) بصائر الدرجات، ص ۵۳۵، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: الحاج میرزا حسن کوچه باغی، ناشر: منشورات الأعلمی - طهران، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۳۶۲ ش

روایت چهارم: یزید کناسی از امام باقر علیه السلام

در این روایت امام باقر علیه السلام می فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر مردم را به امامت علی علیه السلام دعوت نمود. البته در این روایت نامی از روز غدیر نیامد ولی ناگفته پیداست که روشن ترین مصداق "أَقَامَهُ لِلنَّاسِ وَ نَصَبَهُ عَلِمًا" [روزی که او را برای مردم بر پا داشت و به خلافت نصب کرد] جریان غدیر است. متن روایت:

عِدَّةٌ مِنَ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ يَزِيدَ الْكِنَاسِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَ كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حُجَّةً مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ يَوْمَ أَقَامَهُ لِلنَّاسِ وَ نَصَبَهُ عَلِمًا وَ دَعَاهُمْ إِلَى وَ لَائِيهِ وَ أَمْرَهُمْ بِطَاعَتِهِ ...

یزید کناسی می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: فدایت شوم آیا علی علیه السلام در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله بر این امت از طرف خدا و رسولش حجت بود؟ فرمود: آری، روزی که پیغمبر او را برای مردم به پا داشت و منصوبش ساخت و ایشان را بولایتش دعوت کرد و به اطاعتش دستور داد.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ۳۲۸ هـ)، الكافي، ج ۱، ص: ۳۸۳، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

سند روایت:

علامه مجلسي درباره سند اين روايت مي گويد: كالصحيح (سند اين روايت در رتبه روايت صحيح است)

المجلسي، محمد باقر (متوفى ۱۱۱۱ هـ)، مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول، ج ۴، ص: ۲۴۲، ناشر: دار الكتب الإسلامية - تهران، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۴ هـ - ۱۲۶۳ ش.

مقصود از عدة من اصحابنا در اینجا عبارت از چند نفرند که یکی از آنان محمد بن يحيي العطار قمي است. نجاشي درباره او مي گويد: شيخ اصحابنا في زمانه، ثقة (او در زمان خودش بزرگ اصحاب ما بوده و فردی مورد وثوق است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ۴۵۰ هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۳۵۳، تحقيق: السيد موسي الشيرازي الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶ هـ

شيخ طوسي درباره أحمد بن محمد بن عيسى اشعري مي گويد: وأبو جعفر هذا شيخ قم و وجهها (ابو جعفر احمد بن محمد بن عيسى، بزرگ اهل قم و نزد آنان دارای جایگاه بوده است)

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ۴۶۰ هـ)، الفهرست، ص ۶۸، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى ۱۴۱۷

نامبرده درباره حسن بن محبوب هم مي گويد: الحسن بن محبوب السراد ثقة و كان جليل القدر (حسن بن محبوب فردی مورد وثوق و دارای جایگاهی بلند بود)

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ۴۶۰ هـ)، الفهرست، ص ۹۶، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى ۱۴۱۷

راوي بعدي در اين سلسله هشام بن سالم است. نجاشي با تاكيد هر چه تمام درباره وثاقت او مي گويد: هشام بن سالم الجواليقي ثقة ثقة (هشام بن سالم وثاقت بسيار بالايبى دارد)
النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٤٣٤، تحقيق: السيد موسى الشيرى الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ

آخرين راوي در اين سلسله يزيد ابو خالد الكناسي است درباره اين راوي اختلاف است كه وي همان يزيد أبو خالد القمط است كه نجاشي او را توثيق مي كند يا نه. آيت الله خويي در اين باره مي گويد: روى عنه هشام بن سالم (الكافي، كتاب الحجة باب حالات الأئمة عليهم السلام في السن) روى عنه هشام بن سالم (الكافي، باب الرجل يفجر بالمرأة فيتزوج أمها أو ابنتها). علق المجلسي في مرآة العقول على الرواية الأولى وقال: حسن كالصحيح وعلق على الثانية فقال: صحيح وذكر في رجاله أنه ممدوح. أقول: الحكم بصحة الرواية مبني على اتحاد يزيد الكناسي مع يزيد أبي خالد القمط إذ لم يرد التوثيق في يزيد الكناسي بعنوانه وإنما ورد في يزيد أبي خالد القمط وهذا أمر غير بعيد وذلك فإن النجاشي ذكر أن يزيد أبا خالد القمط، له كتاب ومع ذلك فلم يذكر الشيخ في رجاله إلا يزيد أبا خالد الكناسي فلو لم يكن الكناسي متحدا مع القمط لم يكن لترك ذكره وجه. ويؤيد الاتحاد أيضا أن يزيد أبا خالد القمط كوفي على ما صرح به النجاشي والكناسة محلة من محلات الكوفة فيزيد أبو خالد قمط كوفي كناسي. ولكن ذكر البرقي أبا خالد الكناسي ويزيد أبا خالد القمط، كلا من العنوانين في أصحاب الصادق عليه السلام، يشعر بالتعدد والله العالم.(ترجمه)

الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث، ج ٢١ ص ١١١، الطبعة الخامسة، ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م

روایت پنجم: ابوالجارود از امام باقر عليه السلام

در اين روايت امام باقر عليه السلام همان مضمون روايت پيشين را بيان مي دارد. در اين روايت هم نامي از روز غدیر به میان نیامد اما همانگونه که بیشتر گفتیم مصداق بارز "نَصَبَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامَ وَعَرَفَهُ النَّاسَ بِاسْمِهِ وَعَيْنَهُ" [على عليه السلام را به امامت منصوب نمود و او را با نام و شخص به مردم شناساند.] جريان غدیر است. متن روايت:

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَارُونَ الْعَبْسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ عِيَّاشٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ بِمَ يُعْرِفُ الْإِمَامُ قَالَ بِخِصَالٍ أَوْلَاهَا نَصٌّ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيْهِ وَنَصْبُهُ عِلْمًا لِلنَّاسِ حَتَّى يَكُونَ عَلَيْهِمْ حُجَّةٌ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص نَصَبَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَرَفَهُ النَّاسُ بِاسْمِهِ وَعَيْنَهُ.

ابو الجارود گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم امام با چه نشانه‌ای شناخته می‌گردد؟ فرمود: با چند خصلت. نخستین آنها تصریح از جانب خداوند تبارک و تعالی بر امامت اوست تا آنکه بر مردم حجّت باشد. چون پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به امامت منصوب نمود و او را با نام و شخص به مردم شناساند.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، (متوفای ۳۸۱هـ)، معانی الأخبار، ص ۱۰۱، ناشر: جامعه مدرسین، قم، اول، ۱۴۰۳ ق.

روایت ششم: سدید از امام باقر علیه السلام

در این روایت امام باقر علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر جایگاه علی بن ابی طالب نسبت به خودش را همانند هارون به موسی علیهما السلام دانست. [هارون جانشین موسی علیه السلام بود] متن روایت:

عن حنان بن سدير عن أبيه عن أبي جعفر قال لما نزل جبرئيل ع على رسول الله ص في حجة الوداع بإعلان أمر علي بن أبي طالب عليه السلام «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» فمكث النبي صلي الله عليه و آله و سلم ثلاثا حتى أتى الجحفة فلم يأخذ بيده فرقا من الناس، فلما نزل الجحفة يوم الغدير فاجتمع الناس - فقال: من أولى بكم من أنفسكم فجهروا فقالوا: الله و رسوله ثم قال لهم الثانية فقالوا: الله و رسوله ثم قال لهم الثالثة فقالوا: الله و رسوله فأخذ بيد علي عليه السلام فقال: من كنت مولاه فعلي مولاه و هو مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي.

ترجمه:

محمد بن مسعود العياشي (متوفای ۳۲۰هـ)، تفسیر العياشي، ج ۱، ص: ۳۳۲، تحقیق: الحاج السید هاشم الرسولي المحلاتي، ناشر: المكتبة العلمية الإسلامية - طهران

روایت هفتم: امام صادق از امام باقر علیهما السلام

در این روایت امام باقر علیه السلام می فرماید: شیطان در روز غدیر مایوس گشت. باید دانست ناامیدی ابلیس و نالیدن او به سبب اعلان جانشینی امام علی علیه السلام است نه اموری مانند دوستی آن حضرت و... متن روایت:

حَدَّثَنِي هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي مَسْعَدَةُ بْنُ صَدَقَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ: إِنَّ إِبْلِيسَ عَدُوَّ اللَّهِ رَنَّ أَرْبَعَ رَنَاتٍ: يَوْمَ لُعِنَ، وَ يَوْمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ، وَ يَوْمَ بُعِثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ يَوْمَ الْغَدِيرِ.

امام باقر علیه السلام: ابلیس چهار دفعه ناله زد. روزی که لعن شد. روزی که به زمین فرود آمد. روز بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و روز غدیر.

الحميري القمي، أبي العباس عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۱۰، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپخانه: مهر - قم، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۳

بررسی سند:

روایت فوق استحکام کافی برای قبول را داراست. نجاشی درباره راوی نخست می نویسد:

هارون بن مسلم بن سعدان ثقة، وجه (هارون بن مسلم مورد وثوق و دارای جایگاه است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۴۳۸، تحقيق: السيد موسي الشيرازي، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

مسعده بن صدقه نیز مورد وثوق است زیرا او از جمله راویان تفسیر قمی است
علی بن ابراهیم همه راویان تفسیرش را که سند آن به یکی از معصومان علیهم السلام منتهی می شود، توثیق کرده است. وی در مقدمه تفسیر می گوید: نحن ذاکرون ومخبرون بما یتتھی الینا ورواه مشایخنا وثقاتنا. (ما در این تفسیر خبر می دهیم به آنچه که از طریق افراد مورد وثوق به ما رسیده است)

القمي، أبي الحسن علي بن ابراهيم (متوفای ۳۱۰هـ) تفسیر القمی، ج ۱ ص ۴، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: السيد طيب الموسوي الجزائري، ناشر: مؤسسة دار الكتاب للطباعة والنشر - قم، الطبعة: الثالثة، صفر ۱۴۰۴.

در این روایت امام باقر علیه السلام می فرماید: در روز غدیر به افراد حاضر دستور داده شد تا موضوع جانشینی علی علیه السلام را غائبان برسانند. متن روایت:

عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَالْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ وَبُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَبُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ وَأَبِي الْجَارُودِ جَمِيعًا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَسُولَهُ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ "إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ" وَفَرَضَ وَلَايَةَ أَوْلِيَاءِ الْأَمْرِ فَلَمْ يَذَرُوا مَا هِيَ فَأَمَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ص أَنْ يُفَسِّرَ لَهُمُ الْوَلَايَةَ كَمَا فَسَّرَ لَهُمُ الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالصَّوْمَ وَالْحَجَّ فَلَمَّا آتَاهُ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ ضَاقَ بِذَلِكَ صَدْرُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَتَخَوَّفَ أَنْ يَرْتَدُّوا عَنْ دِينِهِمْ وَأَنْ يُكَذِّبُوهُ فَضَاقَ صَدْرُهُ وَرَاجَعَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ - يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ فَصَدَعَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ فَقَامَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ ع يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً وَأَمَرَ النَّاسَ أَنْ يُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ قَالَ عُمَرُ بْنُ أُذَيْنَةَ قَالُوا جَمِيعًا غَيْرَ أَبِي الْجَارُودِ وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَتْ الْفَرِيضَةُ تَنْزِلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ الْأُخْرَى وَكَانَتْ الْوَلَايَةَ آخِرَ الْفَرَائِضِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا أُنزِلُ عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ فَرِيضَةً قَدْ أَكْمَلْتُ لَكُمْ الْفَرَائِضَ.

زراره، فضیل، بکیر، محمد بن مسلم، برید و ابو الجارود از امام باقر علیه السلام روایت کردند که فرمود: خدای عز و جل رسولش را به ولایت علی علیه السلام امر کرد و آیه "إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ" را بر او نازل فرمود و ولایت اولو الامر را واجب ساخت مردم ندانستند مقصود از ولایت چیست. خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله امر فرمود تا ولایت را برای آنها توضیح دهد، چنان که نماز و زکاة و روزه و حج را توضیح داد. چون امر به ولایت از جانب خدا رسید حضرتش دلتنگ شد و ترسید مردم از دین برگردند و او را تکذیب کنند از این جهت دلتنگ شد و به پروردگارش مراجعه کرد، خدای عز و جل باو وحی فرستاد: ای پیغمبر آنچه از پروردگارت به تو نازل شده برسان و اگر نکنی پیام او را نرسانیدی همانا خدا تو را از گزند مردم حفظ میکند. او هم امر خدای تعالی را اعلان کرد و به امر ولایت علی علیه السلام در روز غدیر خم قیام نمود و مردم را برای نماز جماعت بانگ زد و فرمان داد که حاضرین به غائبین برسانند. عمر بن اذینه گوید: همگی جز ابو الجارود گفتند: امام باقر علیه السلام فرمود: واجبات خدا یکی پس از دیگری نازل می شد و امر ولایت آخرین آنها بود که خدای عز و جل این آیه را نازل فرمود: امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم. امام باقر علیه

السلام فرمود: خدای عز و جل می فرماید: بعد از این واجبی بر شما نازل نکنم. واجبات را برای شما کامل کردم.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ٣٢٨ هـ)، الكافي، ج ١ ص ٢٨٩، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ١٣٦٢ هـ.ش.

بررسی سند روایت:

این روایت از اعتبار و اتقان بالایی برخوردار است. در ادامه به شرح حال آنان می پردازیم: نخستین راوی در این سلسله علی بن ابراهیم است نجاشی درباره او می گوید: **علي بن ابراهيم بن هاشم ثقة في الحديث ثبت معتمد صحيح المذهب.** (علی بن ابراهیم انسانی مورد وثوق در حدیث، مورد اعتماد و دارای مذهبی درست است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠ هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٢٦٠، تحقيق: السيد موسي الشيرازي، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦ هـ.

آیت الله خویی در شرح حال ابراهیم بن هاشم (پدر علی بن ابراهیم) می گوید: **لا ينبغي الشك في وثاقة ابراهيم بن هاشم ويدل على ذلك عدة أمور: الاول: أنه روى عنه ابنه علي في تفسيره كثيرا وقد التزم في أول كتابه بأن ما يذكره فيه قد انتهى إليه بواسطة الثقات. الثاني: أن السيد ابن طاووس ادعى الاتفاق على وثاقته. الثالث: أنه أول من نشر حديث الكوفيين بقم والقميون قد اعتمدوا على رواياته وفيهم من هو مستصعب في أمر الحديث فلو كان فيه شائبة الغمز لم يكن يتسالم على أخذ الرواية عنه وقبول قوله.** هیچ تردیدی در وثاقت ابراهیم بن هاشم وجود ندارد به دلیل آنکه: اولاً: فرزند او (علی بن ابراهیم) در تفسیرش از او روایت کرده است و او ملتزم شده که از افراد مورد وثوق در تفسیرش روایت کند. ثانیاً: سید بن طاووس ادعا کرده که وثاقت ابراهیم بن هاشم اجماعی است. ثالثاً: او اولین نفری بوده که احادیث اهل بیت علیهم السلام را در قم آورده و قمی ها به روایات او اعتماد داشتند در حالی که در میان قمی ها افرادی بودند که در امر حدیث سخت گیر بودند و اگر او را مورد اعتماد نمی دانستند این چنین احادیث او مورد قبول در میان آنان نبود

الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١ هـ)، معجم رجال الحديث ج ١ ص ٢٩١، الطبعة الخامسة، ١٤١٣ هـ - ١٩٩٢ م

ابن ابی عمیر هم در نگاه نجاشی انسانی بزرگ است و درباره او می گوید: **جلیل القدر و عظیم المنزلة** (دارای منزلت بزرگ است)

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۳۲۶، تحقیق: السيد موسی الشیبری الزنجانی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

نجاشی راوی بعدی یعنی عمر بن اذینه را اینگونه می ستاید: **شیخ أصحابنا البصریین ووجههم** (او بزرگ اصحاب ما از اهل بصره و دارای جایگاه نزد آنان بود)

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۲۸۳، تحقیق: السيد موسی الشیبری الزنجانی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

طبقه آخر در این سلسله افرادی قرار دارند که از اعتبار بسیار بالایی برخوردارند از باب نمونه نجاشی درباره زراره می گوید: **زرارة بن أعین شیخ أصحابنا فی زمانه و متقدمهم** (زراره بن اعین بزرگ اصحاب ما در زمان خود و مقدم بر آنان بود)

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۱۷۵، تحقیق: السيد موسی الشیبری الزنجانی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

روایت نهم: فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام

در این روایت امام باقر علیه السلام می فرماید: ولایت، اساسی ترین رکن اسلام است که در روز غدیر اعلان گشت. متن روایت:

علي بن إبراهيم عن صالح بن السندي عن جعفر بن بشير عن أبان عن فضيل عن أبي جعفر عليه السلام: بني الاسلام على خمس: الصلاة والزكاة والصوم والحج والولاية ولم يناد بشئ ما نودي بالولاية يوم الغدير.

امام باقر علیه السلام: بنای اسلام روی پنج پایه است: نماز، زکاء، روزه، حج و ولایت. چنانچه برای ولایت در روز غدیر فریاد زده شد برای چیز دیگری فریاد زده نشد.

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸هـ)، الکافی، ج ۲ ص ۲۱، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

بررسی سند

این گزارش استحکام لازم برای پذیرش را دارد. وثاقت علی بن ابراهیم روشن است نجاشی درباره او می گوید: **علی بن ابراهیم بن هاشم ثقة في الحديث ثبت معتمد صحيح المذهب.** (علی بن ابراهیم انسانی مورد وثوق در حدیث، مورد اعتماد و دارای مذهبی درست است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٢٦٠، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ

درباره صالح بن سندی توثیقی وارد نشد اما مطابق برخی قرائن می توان به وثاقت او پی برد مثل آنکه بزرگانی مانند علی بن ابراهیم و پدرش ابراهیم بن هاشم روایات فراوانی بلاواسطه از او نقل نمودند و این می تواند نشان از اعتماد اینان به این فرد باشد. شیخ طوسی درباره جعفر بن بشیر می گوید: **جعفر بن بشیر البجلي ثقة جليل القدر** (جعفر بن بشیر بجلی انسانی مورد وثوق و دارای جایگاه بزرگ است)

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، الفهرست، ص ٩٢، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى ١٤١٧

آیت الله خویی در شرح حال راوی دیگر یعنی ابان بن عثمان می نویسد: **قال الكشي: أجمعت العصابة على تصحيح ما يصحح من هؤلاء ... أبان بن عثمان وهو يكفي في توثيقه على أنه وقع في طريق علي بن إبراهيم بن هاشم في التفسير وقد شهد بأن ما وقع فيه من الثقات.** (به گفته کشی، ابان بن عثمان از جمله اصحاب اجماع است که اجماع شده بر آنکه هر روایتی که بتواند با سند معتبر به یکی از اصحاب اجماع برسد از اعتبار کافی برخوردار است حتی اگر راوی بعد از او، فردی مجهول یا مهمل باشد. این مطلب برای وثاقت ابان بن عثمان کافی است. علاوه بر آنکه او از جمله راویان تفسیر علی بن ابراهیم است و او گفته که آنچه در تفسیرش آورده از طریق افراد مورد وثوق می باشد)

الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث، ج ١ ص ١٤٦، الطبعة الخامسة، ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م

نجاشی درباره آخرین راوی این سلسله می گوید: **الفضيل بن يسار ثقة** (فضیل بن یسار مورد وثوق است)

روایت دهم: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام

در این روایت امام باقر علیه السلام می فرماید: ولایت امیر مؤمنان علیه السلام آخرین فریضه‌ای بود که در روز غدیر اعلام گشت. متن روایت:

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ
آخِرُ فَرِيضَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ الْوَلَايَةَ ثُمَّ لَمْ يُنَزَلْ بَعْدَهَا فَرِيضَةٌ ثُمَّ أَنْزَلَ "الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ
دِينَكُمْ" بِكَرَاعِ الْغَنَمِ فَأَقَامَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْجُحْفَةِ فَلَمْ يُنَزَلْ بَعْدَهَا فَرِيضَةٌ.

امام باقر علیه السلام: ولایت، آخرین فریضه بود که خداوند نازل کرد سپس آیه "الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ

دِينَكُمْ" را نازل کرد.

القمي، أبي الحسن علي بن ابراهيم (متوفى ٣١٠هـ) تفسير القمي، ج ١، ص: ١٦٢، تحقيق: تصحيح وتعليق

وتقديم: السيد طيب الموسوي الجزائري، ناشر: مؤسسة دار الكتاب للطباعة والنشر - قم، الطبعة: الثالثة، صفر

١٤٠٤.

بررسی سند

سند روایت معتبر است.

مقصود از "العلاء" العلاء بن رزین القلاء است که ثقة است

روایت یازدهم عبد الله بن عطاء از امام باقر علیه السلام

١٣٤ - ٣ - فرات قال : حدثني جعفر بن أحمد [ب (خ ل) : محمد] معنعنا : عن عبد

الله بن عطاء قال : كنت جالسا مع أبي جعفر عليه السلام في مسجد الرسول صلى الله

عليه وآله وسلم و [ابن] عبد الله بن سلام جالس في صحن المسجد ، قال : [فقلت] :

جعلت فداك هذا [ابن] الذي عنده علم الكتاب ؟ قال : لا ولكنه صاحبكم علي بن أبي

طالب عليه السلام نزل فيه : (إنما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا) إلى آخر الآية ،

ونزل فيه (يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك) [٦٧ / المائدة] [إلى آخر الآية .

ر] فأخذ [رسول الله صلى الله عليه وآله . ر] بيد [ر : يد] علي [بن أبي طالب عليه

السلام . ر] يوم غدیر [خم . ر ، ب] وقال : من كنت مولاه فعلي مولاه .

تفسير فرات الكوفي - فرات بن إبراهيم الكوفي - ص ١٢٤

امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر، همان سنخ ولایتی را که خود بر مردم داشت برای حضرت علی علیه السلام هم اقرار گرفت به همین دلیل علی بن ابی طالب علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رهبر جامعه اسلامی بود. ایشان در گفتاری نکوهش آمیز می فرماید: مردم گفتار پیامبرشان درباره علی بن ابی طالب علیه السلام در روز غدیر را از یاد برده و به رهبری دیگران گردن نهادند. بر پایه احادیث امام ششم، غدیر خم حرمت ویژه دارد و به یمن ابلاغ ولایت امیرمؤمنان علیه السلام، این روز به عنوان با فضیلت ترین اعیاد در اسلام به شمار می رود. نیز ابلاغ امامت در این روز، اسباب نا اُمیدی و رنجش شیاطین را فراهم آورد.

احادیث پیشوای ششم نیز فراوان است. در این بخش یازده روایت از میراث حدیثی، فقهی و تفسیری امامیه چون بصائر الدرجات، مَنْ لایحضره الفقیه و تفسیر قمی، ارائه می گردد. پاره‌ای از این گزارش‌ها بیش از یک سند و گاهی دارای چندین سند اند. در میان این روایات می توان به اعتبار دست کم پنج روایت بر اساس قواعد رجالی اعتراف نمود. باید دانست احادیث امام صادق علیه السلام یک درجه از شفافیت را ندارند برخی به طور روشن و تعدادی با قرائن و شواهد، بر مدعا دلالت دارند. همچنین مقداری از روایات هم مضمون با روایات امام باقر علیه السلام است. آنچه در پی می آید مشروح این روایات است:

روایت یکم: ابوبصیر از امام صادق علیه السلام

در این روایت امام صادق علیه السلام می فرماید: پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی بن ابی طالب علیه السلام امام بر مردم بود به دلیل آنکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله او را در روز غدیر به جانشینی برگزید. در این گزارش به طور خاص به روز غدیر اشاره نشد اما باید دانست عبارت "وَ إِقَامَتِهِ لِلنَّاسِ وَ أَخَذِهِ بِيَدِهِ" [او را برابر مردم پیا داشته بود و دست او را گرفت] ظهور بارزش همان روز غدیر است. متن روایت:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ يُونُسَ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ أَبِي سَعِيدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ يُونُسَ، عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ "أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ" فَقَالَ: «نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: فَمَا لَهُ لَمْ يُسَمَّ عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ

جَلَّ؟ قَالَ: فَقَالَ: «قُولُوا لَهُمْ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ، وَ لَمْ يُسَمِّ اللَّهُ لَهُمْ ثَلَاثًا وَ لَأَرْبَعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ ... فَلَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ عَلِيٌّ أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ لِكَثْرَةِ مَا بَلَغَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ إِقَامَتِهِ لِلنَّاسِ وَ أَخْذِهِ بِيَدِهِ.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ وَ عِمْرَانَ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَ ذَلِكَ.

ابو بصير گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدا عز و جل " أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أَوْلَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ" پرسیدم فرمود: در باره علي بن ابی طالب و حسن و حسین علیهم السلام نازل شد. گفتم: به راستی مردم می گویند: چرا او نام علي و خاندانش را در کتاب خدا عز و جل نبرده؟ فرمود: در پاسخ آنها بگوئید: برای پیغمبر آیه نماز نازل شد و خدا در آن، سه رکعت و چهار رکعت را نام نبرد تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را شرح داد ... چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وفات کرد، علي علیه السلام اولی و أحق از همه مردم بود برای پیشوائی، به جهت تبلیغات بسیاری که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به او کرده بود و او را برابر مردم بپا داشته بود و دست او را گرفت.

این روایت با سلسله سند "مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ وَ عِمْرَانَ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ" از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ٣٢٨ هـ)، الكافي، ج ١، ص: ٢٨٧، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ١٣٦٢ هـ.ش.

بررسی سند

روایت فوق بیش از يك سند دارد. علامه مجلسي مي گوید: صحيح بسنديه (هر دو سند این روایت صحيح است)

المجلسي، محمد باقر (متوفى ١١١١ هـ)، مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول، ج ٣، ص: ٢١٣، ناشر: دار الكتب الإسلامية - تهران، الطبعة : الثانية، ١٤٠٤ هـ - ١٢٦٣ ش.

در ادامه يك سند از آن را مورد كاوش قرار مي دهيم:

نخستین راوی در این سلسله علی بن ابراهیم است نجاشی درباره او می گوید: **علی بن ابراهیم بن هاشم ثقة في الحديث ثبت معتمد صحيح المذهب.** (علی بن ابراهیم انسانی مورد وثوق در حدیث، مورد اعتماد و دارای مذهبی درست است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٢٦٠، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

دومین نفر، محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین است نجاشی او را با عبارت: **جليل في أصحابنا ثقة عين** (انسان بزرگی در میان اصحاب ماست همچنين مورد وثوق و دارای جایگاه ویژه می باشد) می ستاید.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٣٣٣، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

راوی بعدی یعنی یونس بن عبد الرحمن نیز در نگاه نجاشی دارای اعتبار بالایی است او می گوید: **كان وجهها في أصحابنا متقدما عظيم المنزلة** (یونس در میان اصحاب ما بزرگ، مقدم بر آنان و دارای جایگاه بلندی بود)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٤٤٦، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

ابن مسکان هم مطابق گفتار نجاشی از اتقان بالایی برخوردار است. **عبد الله بن مسكان ثقة عين** (عبد الله بن مسکان فردی مورد وثوق و دارای جایگاه ویژه است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٢١٤، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

نجاشی درباره ابوبصیر به عنوان آخرین نفر در این حلقه، چنین می نویسد: **أبو بصير الأسدي ثقة وجيه** (ابوبصیر فردی مورد وثوق و دارای جایگاه است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٤٤١، تحقيق: السيد موسى الشيرازي الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ

روایت دوم: ابن ابی دینم از امام صادق علیه السلام

در این روایت امام صادق علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر امامت علی علیه السلام را به دستور خداوند اعلان نمود. متن روایت:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ وَ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الدَّيْلَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ أَوْصَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى يَوْشَعَ بْنِ نُونٍ وَ أَوْصَى يَوْشَعَ بْنَ نُونٍ إِلَى وَ لِدِ هَارُونَ ... فَلَمْ تَزَلِ الْوَصِيَّةُ فِي عَالِمٍ بَعْدَ عَالِمٍ حَتَّى دَفَعُوهَا إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ - جَلَّ ذِكْرُهُ - عَلَيْهِ أَنْ أَعْلِنَ فَضْلَ وَصِيَّتِكَ، فَقَالَ: رَبِّ إِنَّ الْعَرَبَ قَوْمٌ جُفَاءَ لَمْ يَكُنْ فِيهِمْ كِتَابٌ وَ لَمْ يُبْعَثْ إِلَيْهِمْ نَبِيٌّ وَ لَا يَعْرِفُونَ فَضْلَ نُبُوءَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَا شَرَفَهُمْ وَ لَا يُؤْمِنُونَ بِي إِنْ أَنَا أَخْبَرْتَهُمْ بِفَضْلِ أَهْلِ بَيْتِي ... فَلَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ، نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فَنَادَى النَّاسَ فَاجْتَمَعُوا ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ وَ لِيكُمْ وَ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ فَقَالُوا: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ.

امام صادق علیه السلام فرمود: موسی علیه السلام به یوشع بن نون وصیت کرد و یوشع بن نون به فرزندان هارون وصیت کرد ... پس همیشه وصیت نسبت به عالمی پس از عالم دیگر جریان داشت تا آن را به محمد صلی الله علیه و آله رسانیدند و چون خدای عز و جل محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد به او امر فرستاد که فضیلت وصیت را آشکار کن پیغمبر عرض کرد: پروردگارا! عرب مردمی هستند در میان ایشان کتابی نبوده و برای آنها پیغمبری مبعوث نگشته و به فضیلت و شرف پیغمبران آگاه نیستند اگر من فضیلت اهل بیتم را بآنها بگویم ایمان نمی آورند ... چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجه الوداع بازگشت، جبرئیل علیه السلام بر او نازل شد و گفت "یا ایها الرسول بلِّغْ ما أنزلَ إلیکَ من ربِّکَ". سپس آن حضرت فرمود: ای مردم ولی شما و سزاوارتر از خود به شما کیست؟ گفتند: خدا و رسولش، پس فرمود: هر که من مولای او هستم علی مولای اوست.

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفى ٣٢٨ هـ)، الکافی، ج ١، ص: ٢٩٣، ناشر:

اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ١٣٦٢ هـ.ش.

روایت سوم: صفوان از امام صادق علیه السلام

در این روایت هم امام صادق علیه السلام همان مضمون را بیان می دارد. متن روایت:

السند بن محمد عن صفوان الجمال قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: لما نزلت هذه الآية في الولاية أمر رسول الله صلى الله عليه وآله بالدوحات في غدير خم فقم من ثم نودي الصلاة جامعة، ثم قال أيها الناس من كنت مولاه فعلي مولاه أ لست أولى بكم من أنفسكم؟ قالوا: بلى، قال: من كنت مولاه فعلي مولاه.

ترجمه ...

الحميري القمي، أبي العباس عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۵۷، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپخانه: مهر - قم، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۳

بررسی سند

گزارش فوق هم از نظر قواعد دانش رجال مورد قبول است. نجاشی درباره راوی نخست یعنی السندی بن محمد می گوید: **كان ثقة وجها في أصحابنا** (انسانی مورد وثوق و دارای جایگاه در میان اصحاب ما بود)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب: رجال النجاشي، ص ۱۴، تحقيق: السيد موسي الشيرازي الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

همو درباره صفوان می نویسد: **صفوان بن مهران ثقة** (صفوان بن مهران مورد وثوق است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب: رجال النجاشي، ص ۱۹۸، تحقيق: السيد موسي الشيرازي الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

روایت چهارم: حنان از امام صادق علیه السلام

در این روایت هم امام صادق علیه السلام از جانشینی علی بن ابی طالب علیه السلام در روز غدیر سخن به میان آورد. متن روایت:

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ حَسَّانَ [حَنَانٍ] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ: وَ إِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ - لَتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ قَالَ: الْوَلَايَةُ نَزَلَتْ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع يَوْمَ الْغَدِيرِ.

امام صادق عليه السلام درباره قول خداوند تعالی " وَ إِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ × نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ... " فرمود: همان ولایت برای امیر مومنان علیه السلام است که در روز غدیر نازل شد.

القمي، أبي الحسن علي بن ابراهيم (متوفى ۳۱۰هـ) تفسير القمي، ج ۲، ص: ۱۲۴، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: السيد طيب الموسوي الجزائري، ناشر: مؤسسة دار الكتاب للطباعة والنشر - قم، الطبعة: الثالثة، صفر ۱۴۰۴.

روایت پنجم: فرات کوفی با سلسله سند از امام صادق علیه السلام

در این روایت امام صادق علیه السلام همان مفاد روایت قبلی را مطرح نمود. متن روایت: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ الْحَسَنِيُّ [قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتٌ] مَعْنَعْنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ وَلَايَةُ عَلِيٍّ [ع] أَقَامَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ فَقَالَ رَجُلٌ لَقَدْ فُتِنَ بِهَذَا الْغُلَامِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى "فَسْتَبْصِرْ وَ يُبْصِرُونَ بِأَيْكُمُ الْمَقْتُولُونَ".

امام صادق علیه السلام: آنگاه که ولایت امیر مومنان علیه السلام نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ. در این هنگام مردی گفت:

الکوفي، فرات بن ابراهيم الكوفي (متوفى ۳۵۲هـ)، تفسير الفرات الكوفي، ص ۴۵۹، تحقيق: محمد الكاظم، ناشر: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي - تهران، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ - ۱۹۹۰م

روایت ششم: ابان از امام صادق علیه السلام

در این روایت امام صادق علیه السلام می فرماید: نماز گزاردن در مسجد غدیر دارای فضیلت است زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله در این مکان [منطقه غدیر خم] علی علیه السلام را به جانشینی برگزید. لازم به ذکر است در این گزارش هم تصریح به روز غیر نشد اما مقصود از به پا داشتن علی علیه السلام و آشکار نمودن حق [أَقَامَ فِيهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ مَوْضِعُ أَظْهَرَ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - فِيهِ الْحَقُّ] می تواند همان موضوع امامت باشد. این روایت با دو سند به واسطه ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام ثبت شد.

سند یکم: کلینی از ابان از امام صادق علیه السلام

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ، عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يُسْتَحَبُّ الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ الْغَدِيرِ لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَقَامَ فِيهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ مَوْضِعُ أَظْهَرَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - فِيهِ الْحَقَّ.

امام صادق علیه السلام فرمود: نماز گذاردن در مسجد غدیر مستحب است زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این مکان، علی علیه السلام را [برای امامت] به پا داشت و این مکان، همانجایی است که خداوند تعالی حق را در آن آشکار ساخت.

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۴، ص: ۵۶۷، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ ش.

سند دوم: شیخ صدوق از ابان از امام صادق علیه السلام

أحمد بن محمد بن أبي نصر روى عن أبان عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: " يستحب الصلاة في مسجد الغدير ...

الصدوق، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱ هـ)، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۵۵۹، تحقیق: علی اکبر الغفاری، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

روایت هفتم: ابراهیم بن رجاء از امام صادق علیه السلام

در این روایت امام صادق علیه السلام "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ" را به معنای جانشینی امام علی علیه السلام می داند. متن روایت:

أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْأَدِيبُ أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ قِرْوَانَ التَّمِيمِيُّ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ فِي الْمُحَرَّمِ سَنَةِ سِتِّ عَشْرَةَ وَخَمْسِمِائَةٍ بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ النَّقَّارِ الْحَمِيرِيُّ عَنِ الشَّيْخَيْنِ أَبِي طَالِبِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّبَّاحِ الْقُرَشِيِّ وَ أَبُو الْقَاسِمِ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ حَمْزَةَ الْبَزَّازِ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَانِي الْكَاتِبِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ رَجَاءِ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ: قِيلَ لَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع مَا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِقَوْلِهِ لَعَلِّي يَوْمَ الْغَدِيرِ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ قَالَ فَاسْتَوَى جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع قَاعِدًا ثُمَّ

قَالَ سئِلَ وَاللَّهِ عَنْهَا رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ اللَّهُ مَوْلَايَ أَوْلَى بِي مِنْ نَفْسِي لَا أَمْرَ لِي مَعَهُ وَ
أَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ أَوْلَى بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ لَا أَمْرَ لَهُمْ مَعِي وَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ أَوْلَى بِهِ مِنْ
نَفْسِهِ لَا أَمْرَ لَهُ مَعِي فَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع مَوْلَاهُ أَوْلَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ لَا أَمْرَ لَهُ مَعَهُ.

الطبري، عماد الدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم (متوفى ٥٢٥هـ)، بشارة المصطفى (صلى الله عليه وآله)
لشيعته المرتضى عليه السلام، ص ٩٢، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني، طبع ونشر: مؤسسة النشر الإسلامي
التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة الطبعة: الأولى ١٤٢٠ هـ

روایت هشتم: محمد الخزاعي از امام صادق عليه السلام

در این روایت امام صادق علیه السلام می فرماید: ابلاغ امامت امیر مؤمنان علیه السلام در غدیر
خم، موجبات تألم شیطان را در پی داشت. متن روایت:

عن جعفر بن محمد الخزاعي عن أبيه قال سمعت أبا عبد الله ع يذكر في حديث غدیر
خم أنه لما قال النبي ص لعلي ع ما قال و أقامه للناس صرخ إبليس صرخة فاجتمعت له
العفاريت، فقالوا: يا سيدنا ما هذه الصرخة- فقال: ويلكم يومكم كيوم عيسى، و الله
لأضلن فيه الخلق- قال: فنزل القرآن «وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ- فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» فقال: صرخ إبليس صرخة فرجعت إليه العفاريت فقالوا: يا سيدنا ما هذه
الصرخة الأخرى فقال: ويحكم حكى الله و الله كلامي قرآنا و أنزل عليه «وَلَقَدْ صَدَقَ
عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ- فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» ثم رفع رأسه إلى السماء ثم قال و
عزتك و جلالك لألحقن الفريق بالجميع، قال: فقال النبي ص بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
«إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» قال: صرخ إبليس صرخة، فرجعت إليه العفاريت
فقالوا: يا سيدنا ما هذه الصرخة الثالثة قال: و الله من أصحاب علي و لكن و عزتك و
جلالك يا رب- لأزينن لهم المعاصي- حتى أبغضهم إليك.

ترجمه:

محمد بن مسعود العياشي (متوفى ٣٢٠هـ)، تفسير العياشي، ج ٢، ص: ٣٠١، تحقيق: الحاج السيد هاشم
الرسولي المحلاتي، ناشر: المكتبة العلمية الإسلامية - طهران

روایت نهم: ابن سنان از امام صادق علیه السلام

در این روایت امام صادق علیه السلام قریب به همان مضمون می فرماید: امیر مؤمنان علیه السلام در روز غدیر به امامت منصوب شد. شیاطین از این پیشامد اظهار ناامیدی کردند. متن روایت: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ أَنْ يَنْصِبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لِلنَّاسِ بِغَدِيرِ خَمٍّ فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ فَجَاءَتِ الْأَبَالِسَةُ إِلَى إِبْلِيسَ الْأَكْبَرِ وَحَثُوا التُّرَابَ عَلَى رُءُوسِهِمْ فَقَالَ لَهُمْ إِبْلِيسُ مَا لَكُمْ فَقَالُوا إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ قَدْ عَقَدَ الْيَوْمَ عُقْدَةً لَا يَحُلُّهَا شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَقَالَ لَهُمْ إِبْلِيسُ كُلَّا إِنَّ الَّذِينَ حَوْلَهُ قَدْ وَعَدُونِي فِيهِ عِدَّةً لَنْ يُخْلِفُونِي.

امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که خدا پیغمبرش را فرمود علی علیه السلام را در غدیر خم برای مردم نصب کن، فرمود: هر که را من مولا هستم علی مولا است. در این هنگام ابلیسان به سوی ابلیس بزرگتر آمدند و خاک بر سر کردند ابلیس گفت: شما را چه شده؟ گفتند این مرد امروز بست آنچه را که تا روز قیامت چیزی نگشاید. ابلیس گفت: نه هرگز، آنان که گرد اویند به من وعده ای دادند که هرگز خلف نکنند.

القمي، أبي الحسن علي بن ابراهيم (متوفى ۳۱۰هـ) تفسير القمي، ج ۲ ص ۲۰۱، تحقيق: تصحيح و تعليق و تقديم: السيد طيب الموسوي الجزائري، ناشر: مؤسسة دار الكتاب للطباعة والنشر - قم، الطبعة: الثالثة، صفر ۱۴۰۴.

روایت دهم: افراد گوناگون از امام صادق علیه السلام

در این روایت امام صادق علیه السلام می فرماید: هجدهم ذی الحجه به دلیل اعلان وصایت علی بن ابی طالب علیه السلام، با فضیلت ترین اعیاد در اسلام به شمار می رود. روایت زیر را افراد متعدد از امام صادق علیه السلام روایت کردند.

سند یکم: سالم از امام صادق علیه السلام

سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدٌ غَيْرُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَالْأَضْحَى وَالْفِطْرِ؟ قَالَ: نَعَمْ، أَعْظَمُهَا حُرْمَةً قُلْتُ: وَ أَيْ عِيدٍ هُوَ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ قَالَ: الْيَوْمُ الَّذِي نَصَبَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ قُلْتُ: وَ أَيْ يَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ: «وَمَا تَصْنَعُ بِالْيَوْمِ إِنَّ السَّنَةَ تَدُورُ وَ لَكِنَّهُ يَوْمٌ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ.

سالم می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا برای مسلمانان غیر از جمعه و قربان و فطر، عید دیگری دارد؟ حضرت فرمود: آری. با عظمت تر [از آنها] عرض کردم: آن چه روزی است؟ فرمود:

روزي که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن علي علیه السلام را [به امامت و خلافت] منصوب کرد. و فرمود: هر که من مولای اویم علی مولای اوست. عرض کردم: فدایت کردم آن روز چه روزی است؟ فرمود: روزها در گردش است و آن روز همان روز هجدهم ماه ذی الحجه است.

الکلبيني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ۳۲۸ هـ)، الكافي، ج ۴ ص: ۱۴۹، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

سند دوم: حسن بن راشد از امام صادق عليه السلام

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدٌ غَيْرَ الْعِيدَيْنِ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا حَسَنُ، أَعْظَمُهُمَا وَ أَشْرَفُهُمَا قُلْتُ: وَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ: هُوَ يَوْمٌ نُصِبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ - فِيهِ عَلَمًا لِلنَّاسِ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَصْنَعَ فِيهِ قَالَ تَصُومُهُ يَا حَسَنُ وَ تُكثِرُ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ ظَلَمَهُمْ فَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ كَانَتْ تَأْمُرُ الْأَوْصِيَاءَ بِالْيَوْمِ الَّذِي كَانَ يُقَامُ فِيهِ الْوَصِيُّ أَنْ يَتَّخِذَ عِيدًا.

ترجمه ...

الکلبيني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ۳۲۸ هـ)، الكافي، ج ۴ ص: ۱۴۸، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

بررسی سند:

این گزارش به لحاظ سندی قوت کافی برای پذیرش را داراست. گفتار نجاشی درباره علی بن ابراهیم به طور مکرر در این نوشتار بیان گردید. آیت الله خویی در شرح حال ابراهیم بن هاشم (پدر علی بن ابراهیم) می گوید: لا ینبغی الشک فی وثاقه ابراهیم بن هاشم ویدل علی ذلك عدة أمور: الاول: أنه روى عنه ابنه علي في تفسيره كثيرا وقد التزم في أول كتابه بأن ما يذكره فيه قد انتهى إليه بواسطة الثقات. الثاني: أن السيد ابن طاووس ادعى الاتفاق على وثاقته. الثالث: أنه أول من نشر حديث الكوفيين بقم والقميون قد اعتمدوا على رواياته وفيهم من هو مستصعب في أمر الحديث فلو كان فيه شائبة الغمز لم يكن يتسالم على أخذ الرواية عنه وقبول قوله. هیچ تردیدی در وثاقت ابراهیم بن هاشم وجود ندارد به دلیل آنکه: اولاً: فرزند او (علی بن ابراهیم) در تفسیرش از او روایت کرده است و او ملتزم شده که از افراد مورد وثوق در تفسیرش روایت کند. ثانیاً: سید بن طاووس ادعا کرده که وثاقت ابراهیم بن هاشم اجماعی

است. ثالثاً: او اولین نفری بوده که احادیث اهل بیت علیهم السلام را در قم آورده و قمی‌ها به روایات او اعتماد داشتند در حالی که در میان قمی‌ها افرادی بودند که در امر حدیث سخت گیر بودند و اگر او را مورد اعتماد نمی دانستند این چنین احادیث او مورد قبول در میان آنان نبود

الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث ج ١ ص ٢٩١، الطبعة الخامسة، ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م

قاسم بن يحيى هم از نظر شيخ صدوق قابل اعتماد است زیرا یکی از روایاتی که نامبرده در سلسله سند آن وجود دارد، شيخ صدوق آن را صحیح دانسته است. آیت الله خویی در این باره می گوید:

لا يبعد القول بوثاقة القاسم بن يحيى لحكم الصدوق بصحة ما رواه في زيارة الحسين عليه السلام عن الحسن بن راشد وفي طريقه إليه القاسم بن يحيى بل ذكر أن هذه الزيارة أصح الزيارات عنده رواية ... ومقتضى حكمه مطلقاً بأن هذه أصح رواية يشمل كونها أصح من جهة السند أيضاً ولا يعارضه تضعيف ابن الغضائري لما عرفت من عدم ثبوت نسبة الكتاب إليه.

بعید نیست که به وثاقت قاسم بن يحيى حکم شود زیرا شيخ صدوق حکم به درستی روایتی را که درباره زیارت امام حسن علیه السلام از طریق حسن بن راشد بوده و در آن قاسم بن يحيى هم وجود دارد، می کند. بلکه گفته است که این روایت صحیحترین روایات نزد اوست. مقتضای اطلاق کلام شيخ آن است که از نظر سند هم صحیحترین آنها باشد و تضعیف ابن غضائری در کتابش درباره قاسم بن يحيى در تعارض با سخن شيخ صدوق قرار نمی گیرد زیرا اصل انتساب این کتاب به ابن غضائری ثابت نیست.

الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث، ج ١٥ ص ٦٨، الطبعة الخامسة، ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م

گفته آیت الله خویی وثاقت راوی بعدي یعنی حسن بن راشد را هم ثابت می کند زیرا وی نیز یکی از راویان روایت زیارة الحسين عليه السلام است که شيخ صدوق آن را صحیحترین روایات در باب زیارات، می داند. علاوه بر آنکه نامبرده از جمله راویان تفسیر علي بن ابراهيم قمی است و علي بن ابراهيم همه راویان تفسیرش را که سند آن به یکی از معصومان علیهم السلام منتهی می شود، توثیق کرده است. وی در مقدمه تفسیر می گوید: نحن ذاکرون ومخبرون بما ينتهي إلينا ورواه مشايخنا وثقاتنا. (ما در این تفسیر خبر می دهیم به آنچه که از طریق افراد مورد وثوق به ما رسیده است)

القمي، أبي الحسن علي بن ابراهيم (متوفای ۳۱۰هـ) تفسیر القمي، ج ۱ ص ۴، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: السيد طيب الموسوي الجزائري، ناشر: مؤسسة دار الكتاب للطباعة والنشر - قم، الطبعة: الثالثة، صفر ۱۴۰۴.

سند سوم: حسن بن راشد از امام صادق عليه السلام

أبي ره قال حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدٌ غَيْرُ الْعِيدَيْنِ قَالَ نَعَمْ يَا حَسَنُ أَعْظَمُهُمَا وَأَشْرَفُهُمَا قَالَ قُلْتُ لَهُ وَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ قَالَ يَوْمٌ نَصِبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ عَلِمًا عَلَى النَّاسِ. قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ قَالَ إِنَّ الْأَيَّامَ تَدُورُ وَ هُوَ يَوْمٌ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَصْنَعَ فِيهِ قَالَ تَصُومُهُ يَا حَسَنُ وَ تَكْثُرُ الصَّلَاةُ فِيهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ تَتَبَرَّأُ إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ ظَلَمَهُمْ وَ جَحَدَ حَقَّهُمْ فَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ ع كَانَتْ تَأْمُرُ الْأَوْصِيَاءَ بِالْيَوْمِ الَّذِي كَانَ يُقَامُ فِيهِ الْوَصِيُّ أَنْ يُتَّخَذَ عِيدًا.

قاسم بن يحيي از جدش حسن بن راشد نقل مي كند: به امام صادق عليه السلام عرض كردم: فدایت شوم آیا مسلمانان به غیر از آن دو عید (عید فطر و قربان) عید دیگری دارند؟ حضرت فرمود: آری ای حسن! با عظمت تر و شریفتر از آن دو. عرض كردم: آن چه روزي است؟ فرمود: روزي كه در آن امير مؤمنان علي عليه السلام به امامت و خلافت منصوب و رهبر امت شد عرض كردم: فدایت گردم آن روز چه روزي است؟ فرمود: روزها در گردش است و آن روز همان روز هجدهم ماه ذي الحجة است، عرض كردم: فدایت شوم، در اين روز چه عملي را بايد انجام دهيم؟ فرمود: ای حسن! آن روز را روزه بگیر، و در آن روز بر محمد و خاندانش بسيار صلوات بفرست، و از کسانی كه به آنها ستم كردند و حقشان را انكار نمودند بيزاري بجوي، همانا پيغمبران به جانشينان خود دستور مي دادند تا در روزي كه به جانشيني منصوب شده، آن روز عید گرفته شود.

الصدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، ثواب الاعمال، ص ۷۵، تحقیق: السيد محمد مهدي السيد حسن الخراسان، ناشر: منشورات الشريف الرضي - قم

بررسی سند:

این گزارش هم به نوبه خود اعتبار لازم را دارد. پدر شیخ صدوق به عنوان اولین نفر در این سلسله، جلالت قدرش روشن است. نجاشي درباره او مي گوید: علي بن الحسين بن موسی

بن بابويه القمي أبو الحسن شيخ القميين في عصره ... و ثقتهم (او شيخ قمي ها در زمان خود و مورد وثوق آنان بوده است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٢٦١، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ

نجاشي درباره راوي دوم يعني سعد بن عبد الله اشعري، مي گويد: سعد بن عبد الله الأشعري القمي شيخ هذه الطائفة و فقيها و وجهه (وى شيخ اين طايفه و فردى داراى جاىگاه ويژه است) النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ١٧٧، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ

اعتبار و وثاقت سه راوي آخر هم در همين نوشتار بيان گرديد.

سند چهارم: حسن بن راشد از امام صادق عليه السلام

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ يُونُسَ الْبَزَّازِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْأَعْيَادِ غَيْرِ الْعِيدَيْنِ وَالْجُمُعَةِ قَالَ نَعَمْ لَهُمْ مَا هُوَ أَعْظَمُ مِنْ هَذَا يَوْمٌ أَقِيمَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَقَدَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صِ الْأَوْلِيَّةَ فِي أَعْنَاقِ الرِّجَالِ بِغَدِيرِ خُمٍّ.

ترجمه: ...

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ٣٨١هـ)، الخصال، ص: ٣٩٤، تحقيق، تصحيح و تعليق: علي أكبر الغفاري، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال چاپ ١٤٠٣ -

١٣٦٢

سند پنجم: حسن بن راشد از امام صادق عليه السلام

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمْ لِلْمُسْلِمِينَ مِنْ عِيدٍ فَقَالَ أَرْبَعَةٌ أَعْيَادٍ قَالَ قُلْتُ قَدْ عَرَفْتُ الْعِيدَيْنِ وَ

الْجُمُعَةَ فَقَالَ لِي أَعْظَمُهَا وَ أَشْرَفُهَا يَوْمُ الثَّامِنِ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ وَ نَصَبَهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا.

مفضل بن عمر گوید به امام ششم عرض کردم برای مسلمانان چند عید است؟ فرمود چهار عید. عرض کردم دو عید را میشناسم (عید روزه و عید قربان) جمعه را هم میدانم؛ فرمود بزرگترین و شریفترین عیدها روز هجدهم ماه ذیحجه است و آن روزی است که رسول خدا امیر المؤمنین را بر پا داشت و او را برای مردم [به جانشینی خود] نصب کرد.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، الخصال، ص: ۲۶۴، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاري، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال چاپ ۱۴۰۳ - ۱۳۶۲

سند ششم: ابو بصیر از افراد گوناگون از امام صادق علیه السلام

حَدَّثَنَا أَبِي حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يَوْمُ الْغَدِيرِ أَفْضَلُ الْأَعْيَادِ وَ هُوَ ثَامِنَ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَ كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: روز غدیر، با فضیلتترین اعیاد است و آن روز هجده ذی الحججه است. آن در روز جمعه بود.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، الخصال، ص: ۳۹۴، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاري، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال چاپ ۱۴۰۳ - ۱۳۶۲

سوال: در روایت فوق آمده که غدیر روز جمعه بوده است. آیا این مطلب با آن روایتی که می گوید روز شنبه بوده قابل جمع می باشد؟

بررسی سند

سلسله راویان این روایت از وثاقت بالایی برخوردارند. جلالت قدر پدر شیخ صدوق و سعد بن عبد الله بیان گردید. نجاشی درباره یعقوب بن یزید می گوید: **كان ثقة صدوق** (انسانی مورد وثوق و راستگو بود)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۴۵۰، تحقیق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

همچنین نجاشي درباره ابن ابى عمير مي نويسد: جليل القدر و عظيم المنزلة.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٣٢٦، تحقيق: السيد موسى الشيرى الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

سند هفتم: علي بن حسين عدي از امام صادق عليه السلام

الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَسَّانَ الْوَاسِطِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعَبْدِيُّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ ... هُوَ (يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ) عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ ... قَالَ لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ يَوْمًا أَعْظَمَ حُرْمَةً مِنْهُ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ ثُمَّ قَالَ وَ لِيَكُنْ مِنْ قَوْلِكُمْ إِذَا التَّقِيْتُمْ أَنْ تَقُولُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهَذَا الْيَوْمِ ... ثُمَّ تَقُولُ ... رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا بِالنِّدَاءِ وَ صَدَقْنَا الْمُنَادِيَ رَسُولَ اللَّهِ ص إِذَا نَادَى بِنِدَاءٍ عَنْكَ بِالَّذِي أَمَرْتَهُ بِهِ أَنْ يُبَلِّغَ مَا أَنْزَلْتَ إِلَيْهِ مِنْ وَلايَةٍ وَلِيٍّ أَمْرِكُ فَحَذَّرْتَهُ وَ أَنْذَرْتَهُ إِنْ لَمْ يُبَلِّغْ أَنْ تَسْخَطَ عَلَيْهِ وَ أَنَّهُ إِنْ بَلَغَ رِسَالَتِكَ عَصَمْتَهُ مِنَ النَّاسِ فَنَادَى مُبَلِّغًا وَحَيْكَ وَ رِسَالَتِكَ أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ.

ترجمه: ...

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، تهذيب الأحكام، ج ٣، ص: ١٤٣، تحقيق: السيد حسن الموسوي الخراسان، ناشر: دار الكتب الإسلامية - طهران، الطبعة الرابعة، ١٣٦٥ ش .

سند هشتم: فرات بن احنف از امام صادق عليه السلام

فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ يَعْنِي ابْنَ الْحُسَيْنِ الصَّائِغَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّيْرَفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَزَّازِ عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدٌ أَفْضَلُ مِنَ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ قَالَ فَقَالَ لِي نَعَمْ أَفْضَلُهَا وَ أَعْظَمُهَا وَ أَشْرَفُهَا عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةٌ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ وَ أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيَّهُ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا قَالَ قُلْتُ وَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ قَالَ فَقَالَ لِي إِنَّ أَنْبِيَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا إِذَا أَرَادَ أَحَدُهُمْ أَنْ يَعْقِدَ الْوَصِيَّةَ وَ الْإِمَامَةَ لِلْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ فَفَعَلَ ذَلِكَ جَعَلُوا ذَلِكَ الْيَوْمَ

عِيداً وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي نَصَبَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيًّا لِلنَّاسِ عِلْمًا وَ أَنْزَلَ فِيهِ مَا أَنْزَلَ وَ كَمَلَ [أَكْمَلَ] فِيهِ الدِّينُ وَ تَمَّتْ فِيهِ النُّعْمَةُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ قَالَ قُلْتُ وَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ فِي السَّنَةِ قَالَ فَقَالَ لِي إِنَّ الْأَيَّامَ تَتَقَدَّمُ وَ تَتَأَخَّرُ فَرَبَّمَا كَانَ يَوْمَ السَّبْتِ وَ الْأَحَدِ وَ الْاِثْنَيْنِ إِلَى آخِرِ الْأَيَّامِ [السَّبْعَةِ] قَالَ قُلْتُ فَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَعْمَلَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ هُوَ يَوْمٌ عِبَادَةٍ وَ صَلَاةٍ وَ شُكْرِ اللَّهِ [تَعَالَى] وَ حَمْدٍ لَهُ وَ سُرُورٍ لِمَا مَنَّ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكُمْ مِنْ وِلَايَتِنَا وَ إِنِّي أُحِبُّ لَكُمْ أَنْ تَصُومُوهُ.

الكوفي، فرات بن إبراهيم الكوفي (متوفى ۳۵۲هـ)، تفسير الفرات الكوفي، ص ۱۱۸، تحقيق: محمد الكاظم، ناشر: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي - تهران، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ - ۱۹۹۰م

روایت یازدهم: محمد القبطي از امام صادق علیه السلام

در این روایت امام صادق علیه السلام دو جریان غدیر خم و مشربه ام ابراهیم را کنار هم می گذارد و می فرماید: مردم گفتار پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم در روز مشربه ام ابراهیم در باره علی علیه السلام از یاد بردند چنانچه گفتار او را در باره علی علیه السلام در روز غدیر خم را از یاد بردند. لازم به ذکر است رسول خدا صلی الله علیه و آله در مشربه ام ابراهیم، وصایت علی علیه السلام را اعلان نمود. این روایت با سندهای گوناگون از محمد قبطی و او از امام صادق علیه السلام به ثبت رسید.

سند یکم: شیخ صدوق از قبطی از امام صادق علیه السلام

حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ الْقُبْطِيِّ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَ أَغْفَلَ النَّاسُ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع يَوْمَ مَشْرَبَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ كَمَا أَغْفَلُوا قَوْلَهُ فِيهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ فِي مَشْرَبَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ وَ عِنْدَهُ أَصْحَابُهُ إِذْ جَاءَ عَلِيٌّ ع فَلَمْ يُفْرَجُوا لَهُ فَلَمَّا رَأَوْهُمْ لَا يُفْرَجُونَ لَهُ قَالَ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ هَذَا أَهْلُ بَيْتِي تَسْتَخْفُونَ بِهِمْ وَ أَنَا حَيٌّ بَيْنَ ظَهْرَانَيْكُمْ أَمَا وَ اللَّهُ لَئِنْ غَبْتُ عَنْكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغِيبُ عَنْكُمْ إِنَّ الرُّوحَ وَ الرِّاحَةَ وَ البَشَرَ وَ البَشِيرَةَ لَمَنْ آتَمَّ بَعْلِيَّ وَ تَوَلَّاهُ وَ سَلَّمَ لَهُ وَ لِلأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: مردم گفتار پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم در روز مشربه ام ابراهیم در باره علی علیه السلام از یاد بردند چنانچه گفتار او را در روز غدیر خم از یاد بردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با اصحاب خود در غرفه ام ابراهیم بود که علی علیه السلام آمد و جا برای او باز

نکردند چون دید جا برای او باز نمیکنند فرمود ای گروه مردم این خاندان منند که آنها را سبک میگیرید و هنوز من زنده‌ام و میان شما هستم به خدا اگر از شما پنهان شوم خدا از شما پنهان نیست. به راستی روح و راحت و خوشی و بشارت از آن کسی است که بعلي عليه السلام اقتداء کند و او را دوست دارد و تسلیم او و اوصیاء از فرزندان او شود.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، الأمالی، ص ۱۷۳، تحقیق و نشر: قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسة البعثة - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ.

سند دوم: شیخ صدوق از قبضي از امام صادق عليه السلام

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ الْقُبْطِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِلنَّاسِ أَغْفَلُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي عَلِيٍّ فِي يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍ كَمَا أَغْفَلُوا قَوْلَهُ يَوْمَ مَشْرَبَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ ...

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، فضائل الشيعة، ص ۳۲، تحقیق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، ناشر: كانون انتشارات عابدي - تهران

سند سوم: صفار از قبضي از امام صادق عليه السلام

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقُبْطِيِّ (الْقُبْطِيِّ) قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ النَّاسُ غَفَلُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي عَلِيٍّ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ كَمَا غَفَلُوا يَوْمَ مَشْرَبَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ ...

الصفار، أبو جعفر محمد بن الحسن بن فروخ (متوفای ۲۹۰هـ) بصائر الدرجات، ص: ۷۳، تحقیق: تصحيح وتعليق وتقديم: الحاج ميرزا حسن كوچه باغي، ناشر: منشورات الأعلمي - طهران، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۳۶۲

ش

سند چهارم: طبري امامي از قبضي از امام صادق عليه السلام

أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الرَّئِيسُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَمِّهِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُزَيْدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ الْقُبْطِيِّ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع: أَغْفَلَ النَّاسُ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَوْمَ مَشْرَبَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ كَمَا أَغْفَلُوا قَوْلَهُ فِيهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ ...

الطبري، عماد الدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم (متوفى ٥٢٥هـ)، بشارة المصطفى (صلى الله عليه وآله) لشيعة المرتضى عليه السلام، ص ٤٥، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني، طبع ونشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة الطبعة: الأولى ١٤٢٠ هـ

روایت دوازدهم : عمار بن حریز عبدي از امام صادق عليه السلام

روی داود بن كثير الرقي عن أبي هارون عمار بن حريز العبدي قال : دخلت على أبي عبد الله عليه السلام في يوم الثامن عشر من ذي الحجة فوجدته صائما ، فقال لي : هذا يوم عظيم عظم الله حرمة على المؤمنين وأكمل لهم فيه ١٨ ٢ الدين وتمم عليهم النعمة وجدد لهم ما أخذ عليهم من العهد والميثاق . فقليل له : ما ثواب صوم هذا اليوم قال : إنه يوم عيد وفرح وسرور ويوم صوم شكرا لله تعالى ، وإن صومه يعدل ستين شهرا من أشهر الحرم ومن صلى فيه ركعتين أي وقت شاء ، وأفضله قرب ٢١٩ الزوال وهي الساعة التي أقيم فيها أمير المؤمنين بغدير خم علما للناس ، وذلك أنهم كانوا قربوا من المنزل في ذلك الوقت ، فمن صلى في ذلك الوقت ركعتين ، ثم يسجد ٢٢٠ ، ويقول : شكرا لله مائة مرة ، ودعا بعقب ٢٢١ الصلاة بالدعاء الذي جاء به .

مصباح المتجهد - الشيخ الطوسي - ص ٧٣٧

روایت سیزدهم زیاد بن محمد از امام صادق عليه السلام

(١٣٨٠٢) ٩ - وعن زیاد بن محمد ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : قلت : للمسلمين عيد غير يوم الجمعة والفرط والأضحى ؟ قال : نعم اليوم الذي نصب فيه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أمير المؤمنين عليه السلام فقلت : وأي يوم هو ؟ قال : الأيام تدور ، ولكنه لثامن عشر من ذي الحجة ، ينبغي لكم أن تتقربوا إلى الله فيه بالبر والصوم والصلاة وصلة الرحم وصلة الاخوان ، فان الأنبياء كانوا إذا أقاموا أوصيائهم فعلوا ذلك وأمروا به .

وسائل الشيعة (آل البيت) - الحر العاملي - ج ١٠ ص ٤٤٣

روایت چهاردهم : مفضل بن عمر از امام صادق عليه السلام

ومن أولئك ما رواه محمد بن علي بن محمد الطرازي في كتابه ، باسناده المتصل إلى المفضل بن عمر قال : قال لي أبو عبد الله عليه السلام : إذا كان يوم القيامة زفت أربعة أيام إلى الله عز وجل كما تزف العروس إلى خدرها : يوم الفطر ويوم الأضحى ويوم

الجمعة ويوم غدیر خم ، ويوم غدیر خم بين الفطر والأضحى يوم الجمعة كالقمر بين الكواكب ، وان الله ليوكل بغدير خم ملائكته المقربين ، وسيدهم يومئذ جبرئيل عليه السلام ، وأنبياء الله المرسلين وسيدهم يومئذ محمد صلى الله عليه وآله ، وأوصياء الله المنتخبين ، وسيدهم يومئذ أمير المؤمنين ، وأولياء الله ، وساداتهم يومئذ سلمان وأبو ذر والمقداد وعمار ، حتى يورده الجنان كما يورد الراعي بغنمه الماء والكلاء . قال المفضل : سيدي تأمرني بصيامه ؟ قال لي : أي والله أي والله أي والله انه اليوم الذي تاب الله فيه على آدم عليه السلام فصام شكرا لله ، على ذلك اليوم ، وانه اليوم الذي نحبي الله تعالى فيه إبراهيم عليه السلام من النار فصام شكرا لله تعالى على ذلك اليوم ، وانه ليوم الذي أظهر عيسى عليه السلام وصيه شمعون الصفا فصام شكرا لله عز وجل على ذلك اليوم . وانه اليوم الذي أقام رسول الله صلى الله عليه وآله عليا للناس علما وأبان فيه فضله ووصيه ، فصام شكرا لله تبارك وتعالى ذلك اليوم ، وانه ليوم صيام وقيام واطعام وصلة الاخوان وفيه مرضاة الرحمان ومرغمة الشيطان ١ .

إقبال الأعمال - السيد ابن طاووس - ج ٢ ص ٢٦٥

امام كاظم عليه السلام

بنا به گزارش امام كاظم عليه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، در روز غدیر علی علیه السلام را به عنوان امام به مردم معرفی نمود به همین سبب، امام هفتم یکی از راهای شناخت امام را شناساندن او به مردم توسط معصوم قبل می دانند. در گزارش امام هفتم علیه السلام نامی از روز غدیر به میان نیامد اما پیداست که معرفی علی بن ابی طالب علیه السلام توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به روشن ترین شکل آن، در روز غدیر تحقق یافته است. این روایت را یک بار حمیری در سده سوم و بار دیگر محمد بن جریر طبری امامی در سده پنجم هجری از طریق ابوبصیر و او از امام كاظم علیه السلام به ثبت رساندند. متن روایت با دو سند آن، چنین است:

مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ بِمَ يُعْرَفُ الْإِمَامُ؟ فَقَالَ بِخِصَالٍ أَمَّا

أُولَاهُنَّ فَشَيءٌ تَقَدَّمَ مِنْ أَبِيهِ فِيهِ وَ عَرَفَهُ النَّاسُ وَ نَصَبَهُ لَهُمْ عِلْمًا حَتَّى يَكُونَ حُجَّةً عَلَيْهِمْ
لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَصَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِلْمًا وَ عَرَفَهُ النَّاسُ.

ابو بصير از امام كاظم عليه السلام نقل كرد كه من خدمت ايشان رسيدم گفتم فدايت شوم امام را چگونه مي توان شناخت فرمود با چند امتياز. اول تصريح پدرش به امامت او و معرفي به مردم كه امام است تا حجت بر آنها باشد زيرا پيامبر اكرم على عليه السلام را به منصب امامت تعيين كرد و به مردم معرفي نمود.

الحميري القمي، أبي العباس عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۳۳۹، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپخانه: مهر - قم، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۳

طبري امامي همين متن را با سند زير مي آورد:

رَوَى الْحَسَنُ قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ عَلِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ بِمِ يَعْرِفُ الْإِمَامُ؟ قَالَ: بِخِصَالٍ ...

الطبري، ابي جعفر محمد بن جرير بن رستم (متوفاي قرن پنجم)، دلائل الامامة، ص ۳۳۷، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة، قم، چاپ: الأولى ۱۴۱۳

امام رضا عليه السلام

روايت اول : عبد العزيز بن مسلم از امام رضا عليه السلام

بنا به گزارش امام رضا عليه السلام، اسلام منتهي امامت ناقص است. حضرت محمد صلي الله عليه و آله و سلم در روز غدیر، علي عليه السلام را به عنوان امام به مردم معرفي نمود و به موجب آن دين به كمال رسيد. كليني و شيخ صدوق دو محدث پُر آوازه سده چهارم، هر کدام با سندی جداگانه، اين متن را روايت كردند.

متن روايت كليني به همراه سند آن، اينگونه است:

أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ، قَالَ: كُنَّا مَعَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَرَوْ فَاجْتَمَعْنَا فِي الْجَامِعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي بَدْءِ مَقْدِمِنَا فَأَدَارُوا أَمْرَ الْإِمَامَةِ وَ ذَكَرُوا كَثْرَةَ اخْتِلَافِ النَّاسِ فِيهَا فَدَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْلَمْتُهُ خَوْضَ النَّاسِ فِيهِ فَتَبَسَّمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ ... وَ أَنْزَلَ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَ هِيَ آخِرُ عُمَرِهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ "الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ
 دِينًا" وَ أَمْرُ الْإِمَامَةِ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ وَ لَمْ يَمْضِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى بَيْنَ لَأُمَّتِهِ مَعَالِمَ
 دِينِهِمْ ... وَ أَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَمًا وَ إِمَامًا.

عبد العزيز بن مسلم گوید: ما در ایام امام رضا علیه السلام در مرو بودیم، در آغاز ورود، روز جمعه
 در مسجد جامع اجتماع کردیم، حضار مسجد موضوع امامت را مورد بحث قرار داده و اختلاف بسیار مردم
 را در آن زمینه بازگو می کردند، من خدمت آقایم رفتم و گفتگوی مردم را در بحث امامت به عرضش
 رساندم حضرت لبخندی زد و فرمود: ای عبد العزيز همانا خدای عز و جل پیغمبر خویش را قبض روح
 نفرمود تا دین را برایش کامل کرد ... در حجة الوداع که سال آخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود
 آیه "الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا" را نازل فرمود. همانا
 موضوع امامت از کمال دین است [تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جانشین خود را معرفی نکند تبلیغش
 را کامل نساخته است] رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا نرفت تا آنکه نشانه‌های دین را برای
 امتش بیان کرد ... و علی بن ابی طالب علیه السلام را به عنوان پیشوا و امام آنان منصوب کرد.

الکلبینی الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافي، ج ۱، ص: ۱۹۹، ناشر:
 اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

شيخ صدوق همين متن را با اين سند مي آورد:

حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو
 أَحْمَدَ الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْهَارُونِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو حَامِدٍ عَمْرَانُ بْنُ مُوسَى بْنِ
 إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْقَاسِمِ الرَّقَّامِ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَخِيهِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ
 مُسْلِمٍ قَالَ: كُنَّا فِي أَيَّامِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَرَوْ فَاجْتَمَعْنَا فِي مَسْجِدِ
 جَامِعِهَا ...

القمي، ابي جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفای ۳۸۱ هـ)، عيون أخبار الرضا عليه
 السلام ج ۲، ص: ۱۹۶، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي
 للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م

روایت دوم : محمد بن عمر الطرطوسي از امام رضا عليه السلام به نقل از حضرت علي عليه السلام در زمان
 خلافتشان

أخبرنا جماعة عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري قال : حدثنا أبو الحسن علي
 بن أحمد الخراساني الحاجب في شهر رمضان سنة سبع وثلثين وثلثمائة قال : حدثنا
 سعيد بن هارون أبو عمر ۲۵۶ المروزي وقد زاد على الثمانين سنة ، قال : حدثنا الفياض

بن محمد بن عمر الطرسوسي ٢٥٧ بطوس سنة تسع وخمسين ومائتين وقد بلغ التسعين أنه شهد أبا الحسن علي بن موسى الرضا عليهما السلام في يوم الغدير وبحضرته جماعة من خاصته قد احتبسهم للافطار وقد قدم إلى منازلهم الطعام والبر والصلوات والكسوة حتى الخواتيم والنعال وقد غير من أحوالهم وأحوال حاشيته وجددت له آلة غير الآلة التي جري الرسم بابتدائها قبل يومه وهو يذكر فضل اليوم وقدمه ٢٥٨ فكان من قوله عليه السلام : حدثني الهادي أبي قال : حدثني جدي الصادق قال : حدثني الباقر قال : حدثني سيد العابدين قال : حدثني أبي الحسين قال : اتفق في بعض سني أمير المؤمنين عليه السلام الجمعة والغدير ، فصعد المنبر على خمس ساعات من نهار ذلك اليوم . ٨٤٣ / ١١٢ ، فحمد الله وأثنى عليه حمدا لم يسمع بمثله وأثنى عليه ثناء لم ٢٥٩ يتوجه إليه غيره فكان ما حفظ من ذلك : الحمد لله الذي جعل الحمد من غير حاجة منه إلى حامديه طريقا من طرق الاعتراف بلاهوتيته وصمدانيته وربانيته وفردانيته وسببا إلى المزيد من رحمته ومحجة للطالب من فضله وكمن في إبطان اللفظ حقيقة الاعتراف له بأنه المنعم على كل حمد ٢٦٠ باللفظ وإن عظم ، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له شهادة نزعت عن إخلاص الطوي ونطق اللسان بها عبارة عن صدق خفي أنه <صفحة ٧٥٣> الخالق البارئ المصور له الأسماء الحسني ليس كمثلته شيء إذ كان الشيء من مشيته فكان لا يشبهه مكوونه ، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله استخلصه في القدم على سائر الأمم على علم منه انفرد عن التشاكل والتماثل من أبناء الجنس وانتجبه أمرا وناها عنه أقامه في سائر عالمه في الأداء مقامه إذ كان لا تدركه الأبصار ولا تحويه خواطر الأفكار ولا تمثله غوامض الظن ٢٦١ في الأسرار ، لا إله إلا هو الملك الجبار ، قرن الاعتراف بنبوته بالاعتراف بلاهوتيته واختصه من تكرمته بما لم يلحقه فيه أحد من بريته فهو أهل ذلك بخاصته وخلته إذ لا يختص من يشوبه التغيير ولا يخال من يلحقه التظنين ، وأمر بالصلاة عليه مزيدا في تكرمته وطريقا للداعي إلى إجابته فصلي الله عليه وكرم وشرف وعظم مزيدا لا يلحقه التنفيذ ٢٦٢ ولا ينقطع على التأييد وأن الله تعالى اختص لنفسه بعد نبيه صلى الله عليه وآله من بريته خاصة علاهم بتعليته وسما بهم إلى رتبته وجعلهم الدعاة بالحق إليه والأدلاء بالارشاد عليه لقرن قرن وزمن زمن أنشأهم في القدم قبل كل مذرو ومبرو أنوارا أنطقها بتحميده ، وألهمها شكره وتمجيده وجعلها الحجج على كل

معرّف له بملكة الربوبية وسلطان العبودية واستنطق بها الخرسات بأنواع اللغات بخوعاً له فإنه ٢٦٣ فاطر الأرضين والسموات ، وأشهدهم خلقه وولاهم ٢٦٤ ما شاء من أمره ، جعلهم تراجم مشيته وألسن إرادته عبيدا لا يسبقونه بالقول وهم بأمره يعملون ، يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يشفعون إلا لمن ارتضى وهم من <صفحة ٧٥٤> خشيته مشفقون ، يحكمون بأحكامه ويستنون بسنته ويعتمدون حدوده ويؤدون فرضه ولم يدع الخلق في بهم صما ولا في عمياء بكما بل جعل لهم عقولا مازجت شواهدهم وتفرقت في هياكلهم وحققتها في نفوسهم واستعبد لها حواسهم فقرر بها على أسمع ونواظر وأفكار وخواطر ألزمهم بها حجته وأراهم بها محجته وأنطقهم عما شهد ٢٦٥ بألسن ذرية بما قام فيها من قدرته وحكمته وبين عندهم بها ليهلك من هلك عن بينة ويحيى من حي عن بينة وإن الله لسميع عليم بصير شاهد خبير ، ثم إن الله تعالى جمع لكم معشر المؤمنين في هذا اليوم عيدين عظيمين كبيرين لا يقوم أحدهما إلا بصاحبه ليكمل عندكم جميل صنيعته ٢٦٦ ويقفكم على طريق رشده ويقفو بكم آثار المستضيئين بنور هدايته ويشملكم ٢٦٧ منهاج قصده ويوفر عليكم هنئ رفته فجعل الجمعة مجمعا ندب إليه لتطهير ما كان قبله وغسل ما كان ٢٦٨ أوقعته مكاسب السوء من مثله إلى مثله وذكرى للمؤمنين وتبيان خشية المتقين ووهب من ثواب الأعمال فيه أضعاف ما وهب لأهل طاعته في الأيام قبله وجعله لا يتم إلا بالآيتمار لما أمر به والانتهاه عما نهى عنه والبخوع بطاعته فيما حث عليه وندب إليه فلا يقبل توحيداً إلا بالاعتراف لنبية صلى الله عليه وآله بنبوته ولا يقبل ديناً إلا بولاية من أمر بولايته ولا تنتظم أسباب طاعته إلا بالتمسك بعصمه وعصم أهل ولايته فأنزل على نبيه صلى الله عليه وآله في يوم الدوح ما بين به ٢٦٩ عن إرادته في خلصائه وذوي اجتبائه <صفحة ٧٥٥> وأمره بالبلاغ وترك الحفل بأهل الزيغ والتناق وضمن له عصمته منهم ، وكشف من خبايا أهل الريب وضمائر أهل الارتداد ما رمز فيه فعقله المؤمن والمنافق فأعز معز ٢٧٠ وثبت على الحق ثابت وازدادت جهلة ٢٧١ المنافق وحمية المارق ووقع العض على النواجذ والغمز على السواعد ونطق ناطق ونعق ناعق ونشق ناشق ٢٧٢ واستمر على مارقته ٢٧٣ مارق ووقع الأذعان من طائفة باللسان دون حقائق الايمان ومن طائفة باللسان وصدق الايمان وكمل ٢٧٤ الله دينه وأقر عين نبيه صلى الله عليه وآله والمؤمنين والمتابعين وكان ما قد شهدته

بعضكم وبلغ بعضكم وتمت كلمة الله الحسني الصابرين ودمر الله ما صنع فرعون وهامان وقارون وجنوده ٢٧٥ وما كانوا يعرشون ، وبقيت خثالة ٢٧٦ من الضلال لا يألون الناس خبالا يقصدهم الله في ديارهم ويمحو الله آثارهم ويبيد معالمهم ويعقبهم عن قرب الحسرات ويلحقهم بمن بسط أكفهم ومد أعناقهم ومكنهم من دين الله حتى بدلوه ومن حكمه حتى غيروه وسيأتي نصر الله على عدوه لحيته والله لطيف خبير ، وفي دون ما سمعتم كفاية وبلاغ فتأملوا رحمكم الله ما ندبكم الله إليه وحثكم عليه وأقصدوا ٢٧٧ شرعه واسلكوا نهجه ولا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله ، إن هذا يوم عظيم الشأن فيه وقع الفرج ورفعت الدرج ووضحت الحجج وهو يوم الايضاح والافصاح عن المقام الصراح ويوم كمال الدين ويوم العهد المعهود ويوم الشاهد والمشهود ويوم تبيان العقود عن النفاق والجحود ويوم البيان عن < صفحة ٧٥٦ > حقايق الايمان ويوم دحر الشيطان ويوم البرهان ، هذا يوم الفصل الذي كنتم توعدون ، هذا يوم الملاء الأعلى الذي أنتم عنه معرضون ، هذا يوم الارشاد ويوم محنة ٢٧٨ العباد ويوم الدليل على الرواد ، هذا يوم أبدي خفايا الصدور ومضمرات الأمور هذا يوم النصوص على أهل الخصوص ، هذا يوم شيث هذا يوم إدريس هذا يوم يوشع هذا يوم شمعون هذا يوم الأمن المأمون هذا يوم اظهار المصون من المكنون ، هذا يوم إبلاء السرائر فلم يزل عليه السلام يقول هذا يوم هذا يوم فراقبوا الله عز وجل واتقوه واسمعوا له وأطيعوه واحذروا المكر ولا تخادعوه ، وفتشوا ضمائركم ولا تواربوه ، وتقربوا إلى الله بتوحيده وطاعة من أمركم أن تطيعوه ولا تمسكوا بعصم الكوافر ولا يجنح بكم الغي فتضلوا عن سبيل الرشاد باتباع أولئك الذين ضلوا وأضلوا قال الله عز من قائل في طائفة ذكرهم بالذم في كتابه إنا أطعنا ساداتنا وكبراءنا فأضلونا السبيل ربنا اتهم ضعفين من العذاب والعنهم لعنا كبيرا ، وقال تعالى : وإذ يتحاجون في النار فيقول الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعاً فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الله من شيء قالوا لو هدينا الله لهديناكم أفتررون الاستكبار ما هو هو ترك الطاعة لمن أمروا بطاعته والترفع على من ندبوا إلى متابعتة ، والقرءان ينطق من هذا عن كثير إن تدبره متدبر زجره ووعظه ، واعلموا أيها المؤمنون أن الله عز وجل قال : إن الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كأنهم بنيان مرصوص أتدرون ما سبيل الله ومن سبيله ومن صراط الله ومن < صفحة ٧٥٧ > طريقه ، أنا صراط الله الذي من لم يسلكه بطاعة الله

فيه هوي ٢٧٩ به إلى النار وأنا سبيله الذي نصبني للاتباع بعد نبيه صلى الله عليه وآله ،
أنا قسيم الجنة والنار ، وأنا حجة الله على الفجار ونور الأنوار فاتتبهوا عن رقدة الغفلة
وبادروا بالعمل قبل حلول الأجل وسابقوا إلى مغفرة من ربكم قبل أن يضرب بالسور
بباطن الرحمة وظاهر العذاب فتنادون فلا يسمع نداؤكم وتضجون فلا يحفل بضجيجكم
وقبل أن تستغيثوا فلا تغاثوا سارعوا إلى الطاعات قبل فوت الأوقات ، فكأن قد جاءكم
هادم اللذات فلا مناص نجا ولا محيص تخلص ، عودوا رحمكم الله بعد انقضاء
مجمعكم بالتوسعة على عيالكم والبر بإخوانكم والشكر لله عز وجل على ما منحكم
 واجمعوا يجمع الله شملكم وتباروا يصل الله ألفتكم وتهادوا نعم ٢٨٠ الله كما مناكم ٢٨١
بالثواب فيه على أضعاف الأعياد قبله وبعده إلا في مثله والبر فيه يثمر ٢٨٢ المال ويزيد
في العمر ، والتعاطف فيه يقتضي رحمة الله وعطفه وهيؤا لأخوانكم وعيالكم عن فضله
بالجهد من جودكم وبما تناله القدرة من استطاعتكم وأظهروا البشر فيما بينكم والسرور
في ملاقاتكم ، والحمد لله على ما منحكم وعودوا بالمزيد من الخير على أهل التأميل لكم
، وساووا بكم ضعفاءكم في مأكلكم وما تناله القدرة من استطاعتكم وعلى حسب
إمكانكم فالدرهم فيه بمائة ألف درهم والمزيد من الله عز وجل ، وصوم هذا اليوم مما
ندب الله تعالى إليه وجعل الجزاء العظيم كفالة عنه حتى لو تعبد له عبد من العبيد في
الشبيبة من < صفحہ ٧٥٨ > ابتداء الدنيا إلى تقضيها ٢٨٣ صائما نهارها قائما ليلها إذا
أخلص المخلص في صومه لقصرت إليه أيام الدنيا عن كفاية ، ومن أسعف أخاه مبتدئا
وبره راغبا فله كأجر من صام هذا اليوم وقام ليلته ومن فطر مؤمنا في ليلته فكأنما فطر
فئاما وفئاما يعدها بيده عشرة . فنهض ناهض فقال : يا أمير المؤمنين وما الفئام ؟ قال :
مائة ألف نبي وصديق وشهيد ، فكيف بمن تكفل عددا من المؤمنين والمؤمنات وأنا
ضمينه على الله تعالى الأمان من الكفر والفقر وإن مات في ليلته أو يومه أو بعده إلى مثله
من غير ارتكاب كبيرة فأجره على الله تعالى ، ومن استدان لإخوانه وأعانهم فأنا الضامن
على الله إن بقاه قضاءه وإن قبضه حمله عنه ، وإذا تلاقيتم فتصافحوا بالتسليم وتهانوا
النعمة في هذا اليوم وليبلغ الحاضر الغائب والشاهد البائن وليعد الغني على الفقير والقوي
على الضعيف أمرني رسول الله صلى الله عليه وآله بذلك . ثم أخذ صلى الله عليه وآله
في خطبة الجمعة وجعل صلاة جمعته صلاة عيده وانصرف بولده وشيعته إلى منزل أبي

محمد الحسن بن علي عليه السلام بما أعد له من طعامه وانصرف غنيهم وفقيرهم برفده إلى عياله .

مصباح المتجهد - الشيخ الطوسي - ص ٧٥٢ - ٧٥٨

روایت سوم : محمد بن ابی نصر از امام رضا علیه السلام

وروی محمد بن ابی نصر قال : كنا عند الرضا عليه السلام والمجلس غاص بأهله فتذاكروا يوم الغدير فأنكره بعض الناس فقال الرضا عليه السلام : حدثني أبي عن أبيه عليهم السلام قال : إن يوم الغدير في السماء أشهر منه في الأرض ، وساق الحديث إلى أن قال : يا بن أبي نصر ! أين ما كنت فاحضر يوم الغدير عند أمير المؤمنين عليه السلام فإن الله تعالى يغفر لكل مؤمن ومؤمنة ومسلم ومسلمة ذنوب ستين سنة ويعتق من النار ضعف ما أعتق في شهر رمضان وليلة القدر وليلة الفطر والدرهم ٢٢٢ فيه بألف درهم لأخوانك العارفين ، فأفضل على إخوانك في هذا اليوم وسر فيه كل مؤمن ومؤمنة . ثم قال

: يا أهل الكوفة ! لقد أعطيتم خيرا كثيرا ، وإنكم لممن امتحن الله قلبه للايمان مستذلون مقهورون ممتحنون يصب عليكم البلاء صبا ثم يكشفه كاشف الكرب العظيم والله لو عرف الناس فضل هذا اليوم بحقيقته ، لصافحتهم الملائكة في كل يوم عشر مرات ، ولولا أنني أكره التطويل لذكرت فضل هذا اليوم ، وما أعطى الله عز وجل لمن عرفه ما لا يحصى بعدد .

مصباح المتجهد - الشيخ الطوسي - ص ٧٣٨

همین روایت با متنی دیگر

(٥٢) ٩ - محمد بن أحمد بن داود عن أبي علي أحمد بن محمد بن عمار الكوفي قال : حدثنا أبي قال : حدثنا علي بن الحسن بن فضال عن محمد بن عبد الله ابن زرارة عن أحمد بن محمد بن أبي نصر قال : كنا عند الرضا (عليه السلام) والمجلس غاص بأهله فتذاكروا يوم الغدير ، فأنكره بعض الناس فقال الرضا (عليه السلام) : حدثني أبي عن أبيه (عليه السلام) قال : ان يوم الغدير في السماء أشهر منه في الأرض ، ان الله في الفردوس الاعلى قصرا لبنة من فضة ولبنة من ذهب ، فيه مائة الف قبة من ياقوتة حمراء ومائة الف خيمة من ياقوت اخضر ، ترابه المسك والعنبر ، فيه أربعة انهار نهر من خمر

ونهر من ماء ونهر من لبن ونهر من عسل ، وحواليه أشجار جميع الفواكه ، عليه طيور أبدانها من لؤلؤ وأجنحتها من ياقوت تصوت بألوان الأصوات ، إذا كان يوم الغدير ورد إلى ذلك القصر أهل السماوات يسبحون الله ويقدمونه ويهللونه ، فتطير تلك الطيور فتقع في ذلك الماء وتتمرغ على ذلك المسك والعنبر ، فإذا اجتمعت الملائكة طارت فتنفض ذلك عليهم وانهم في ذلك اليوم ليتهدون نثار فاطمة (عليها السلام) ، فإذا كان آخر ذلك اليوم نودوا انصرفوا إلى مراتبكم فقد امتتم من الخطأ والزلل إلى قابل في مثل هذا اليوم تكربة لمحمد (صلى الله عليه وآله) وعلي عليه السلام ، ثم قال : يا بن أبي نصر أين ما كنت فاحضر يوم الغدير عند أمير المؤمنين (عليه السلام) ، فان الله يغفر لكل مؤمن ومؤمنة ومسلم ومسلمة ذنوب ستين سنة ، ويعتق من النار ضعف ما أعتق في شهر رمضان وليلة القدر وليلة الفطر ، والدرهم فيه بألف درهم لآخوانك العارفين ، فأفضل على إخوانك في هذا اليوم وسر فيه كل مؤمن ومؤمنة ، ثم قال : يا أهل الكوفة لقد أعطيتم خيرا كثيرا وانكم لممن امتحن الله قلبه للايمان ، مستقلون مقهورون ممتحنون يصب عليكم البلاء صبا ، ثم يكشفه كاشف الكرب العظيم ، والله لو عرف الناس فضل هذا اليوم بحقيقته لصافحتهم الملائكة في كل يوم عشر مرات ، ولولا أنني أكره التطويل لذكرت من فضل هذا اليوم وما أعطى الله فيه من عرفه ما لا يحصى بعدد . قال علي بن الحسين بن فضال قال لي : محمد بن عبد الله لقد ترددت إلى أحمد بن محمد انا وأبوك والحسن بن الجهم أكثر من خمسين مرة وسمعناه منه .

تهذيب الأحكام - الشيخ الطوسي - ج ٦ ص ٢٥

روايت چهارم ، از امام رضا عليه السلام

فيما نذكره من فضل يوم الغدير من كتاب النشر والطي

رواه عن الرضا عليه السلام قال : إذا كان يوم القيامة زفت أربعة أيام إلى الله كما

تذف العروس إلى خدرها ، قيل : ما هذه الأيام ؟ قال :

يوم الأضحى ويوم الفطر ويوم الجمعة ويوم الغدير ، وان يوم الغدير بين الأضحى

والفطر والجمعة كالقمر بين الكواكب ، وهو اليوم الذي نجا فيه إبراهيم الخليل من

النار ، فصامه شكرا لله ، وهو اليوم الذي أكمل الله به الدين في إقامة النبي عليه السلام

عليا أمير المؤمنين علما وأبان فضيلته ووصايته ، فصام ذلك اليوم ، وانه اليوم الكمال

ويوم مرغمة الشيطان ، ويوم تقبل اعمال الشيعة ومحبي آل محمد ، وهو اليوم الذي يعمد الله فيه إلى ما عمله المخالفون فيجعله هباء منثورا .

وهو اليوم الذي يأمر جبرئيل عليه السلام ان ينصب كرسي كرامة الله بإزاء بيت المعمور ويصعده جبرئيل عليه السلام وتجتمع إليه الملائكة من جميع السماوات ويشنون على محمد ويستغفرون لشيعة أمير المؤمنين والأئمة عليه السلام ومحبيهم من ولد آدم عليه السلام ، وهو اليوم الذي يأمر الله فيه الكرام الكاتبين أن يرفعوا القلم عن محبي أهل البيت وشيعتهم ثلاثة أيام من يوم الغدير ، ولا يكتبون عليهم شيئا من خطاياهم كرامة لمحمد وعلى والأئمة .

وهو اليوم الذي جعله الله لمحمد وآله وذوي رحمه ، وهو اليوم الذي يزيد الله في حال من عبد فيه ووسع على عياله ونفسه واخوانه ويعتقه الله من النار ، وهو اليوم الذي يجعل الله فيه سعى الشيعة مشكورا وذنبهم مغفورا وعملهم مقبولا .

وهو يوم تنفيس الكرب ويوم تحطيط الوزر ويوم الحباء والعطية ويوم نشر العلم ويوم البشارة والعيد الأكبر ، ويوم يستجاب فيه الدعاء ، ويوم الموقف العظيم ، ويوم لبس الثياب ونزع السواد ، ويوم الشرط المشروط ويوم نفى الهموم ويوم الصفح عن مذنبي شيعة أمير المؤمنين .

وهو يوم السبقة ، ويوم اكثار الصلاة على محمد وآل محمد ، ويوم الرضا ، ويوم عيد أهل بيت محمد ، ويوم قبول الأعمال ، ويوم طلب الزيادة ويوم استراحة المؤمنين ويوم المتاجرة ، ويوم التودد ، ويوم الوصول إلى رحمة الله ، ويوم التزكية ، ويوم ترك الكبائر والذنوب ويوم العبادة ويوم تفتير الصائمين ، فمن فطر فيه صائما مؤمنا كان كمن أطعم فئاما وفئاما - إلى أن عد عشرا ، ثم قال : أو تدرى ما الفيام ؟ قال : لا ، قال : مائة ألف . وهو يوم التهنتة ، يعنى بعضكم بعضا ، فإذا لقي المؤمن أخاه يقول : الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية أمير المؤمنين والأئمة عليهم السلام ، وهو يوم التبسم في وجوه الناس من أهل الايمان ، فمن تبسم في وجه أخيه يوم الغدير نظر الله إليه يوم القيامة بالرحمة وقضى له الف حاجة ، وبني له قطرا في الجنة من درة بيضاء ، ونضر وجهه ١ .

وهو يوم الزينة ، فمن تزين ليوم الغدير غفر الله له كل خطيئة عملها ، صغيرة أو كبيرة ، وبعث الله إليه ملائكة يكتبون له الحسنات ويرجعون له الدرجات إلى قابل مثل ذلك اليوم ، فان مات مات شهيدا وان عاش عاش سعيدا ، ومن أطعم مؤمنا كان كمن أطعم جميع الأنبياء والصديقين ، ومن زار فيه مؤمنا ادخل الله قبره سبعين نورا ووسع في قبره ويزور قبره كل يوم سبعون ألف ملك ويبشرون بالجنة .

وفى يوم الغدير عرض الله لولاية على أهل السماوات السبع فسبق إليها أهل السماء السابعة فزين بها العرش ، ثم سبق إليها أهل السماء الرابعة فزينها بالبيت المعمور ، ثم سبق إليها أهل السماء الدنيا فزينها بالكواكب ، ثم عرضها على الأرضين فسبقت مكة فزينها بالكعبة ، ثم سبقت إليها المدينة فزينها بالمصطفى محمد صلى الله عليه وآله ، ثم سبقت إليها الكوفة فزينها بأمير المؤمنين عليه السلام ، وعرضها على الجبال فأول جبل أقر بذلك ثلاثة جبال : جبل العتيق وجبل الفيروز وجبل الياقوت ، فصارت هذه الجبال جبالهن وأفضل الجواهر ، ثم سبقت إليها جبال اخر ، فصارت معادن الذهب والفضة ، وما لم يقر بذلك ولم يقبل صارت لا تنبت شيئا .

وعرضت في ذلك اليوم على المياه فما قبل منها صار ملحا أجاجا ، وعرضها في ذلك اليوم على النبات فما قبله صار حلوا طيبا ، وما لم يقبل صار مرا ، ثم عرضها في ذلك اليوم على الطير فما قبلها صار فصيحاً مصوتا وما أنكرها صار أخرس مثل اللكن ، ومثل المؤمنين في قلوبهم ولاء أمير المؤمنين في يوم غدير خم كمثل الملائكة في سجودهم لادم ، ومثل من أبى ولاية أمير المؤمنين في يوم الغدير مثل إبليس ، وفى هذا اليوم أنزلت هذه الآية : (اليوم أكملت لكم دينكم) ١ ، وما بعث الله نبيا الا وكان يوم بعثه مثل يوم الغدير عنده وعرف حرمة إذ نصب لامته وصيا وخليفة من بعده في ذلك اليوم .

إقبال الأعمال - السيد ابن طاووس - ج ٢ ص ٢٦٢

امام جواد عليه السلام

، وأخبرنا الحسين بن محمد بن عامر عن المعلى بن محمد البصري عن ابن أبي عمير عن أبي جعفر الثاني عليه السلام في قوله : (يا أيها الذين آمنوا أوفوا بالعقود) قال إن

رسول الله صلى الله عليه وآله عقد عليهم لعلي بالخلافة في عشرة مواطن ، ثم انزل الله " يا أيها الذين آمنوا أوفوا بالعقود التي عقدت عليكم لأمر المؤمنين عليه السلام "

تفسير القمي - علي بن إبراهيم القمي - ج ١ ص ١٦٠

امام هادي عليه السلام

روایت اول : ابو اسحاق بن عبد الله العلوي از امام هادي عليه السلام

پيشواي دهم، هجده ذي الحجة را از جمله روزهاي پُر فضيلت بر شمرده و فرمود: پیامبر اسلام صلي الله عليه وآله وسلم در اين روز، علي عليه السلام را به عنوان امام و جانشين بعد از خود معرفي نمود. متن گزارش شيخ طوسي را بنگريد:

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عِيَّاشٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ الْهَمْدَانِيُّ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ التُّسْتَرِيُّ قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ اللَّيْثِ الْمَكِّيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو إِسْحَاقَ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيُّ الْعُرَيْضِيُّ قَالَ: وَحَكَ فِي صَدْرِي مَا الْأَيَّامِ الَّتِي تُصَامُ فَقَصَدْتُ مَوْلَانَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ وَهُوَ بَصْرَبَا وَلَمْ أُبَدِ ذَلِكَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فَلَمَّا بَصَرَ بِي قَالَ: يَا أَبَا إِسْحَاقَ جِئْتَ تَسْأَلُنِي عَنِ الْأَيَّامِ الَّتِي يُصَامُ فِيهِنَّ وَهِيَ أَرْبَعَةٌ أَوْلَهُنَّ يَوْمُ السَّابِعِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ - يَوْمٌ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى مُحَمَّدًا ص إِلَى خَلْقِهِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَ يَوْمٌ مَوْلِدِهِ ص وَ هُوَ السَّابِعَ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ وَ يَوْمُ الْخَامِسِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ فِيهِ دُحِيتِ الْكَعْبَةُ وَ يَوْمُ الْغَدِيرِ فِيهِ أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَخَاهُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامَ عِلْمًا لِلنَّاسِ وَإِمَامًا مِنْ بَعْدِهِ.

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، تهذيب الأحكام، ج ٤، ص: ٣٠٥، تحقيق: السيد حسن الموسوي الخرسان، ناشر: دار الكتب الإسلامية - طهران، الطبعة الرابعة، ١٣٦٥ ش .

(١٣٧٩٦) ٣ - وباسناده عن أبي عبد الله بن عياش ، عن أحمد بن زياد الهمداني وعلي بن محمد التستري جميعا ، عن محمد بن الليث المكي ، عن أبي إسحاق ابن عبد الله العلوي العريضي قال : وجد (١) في صدري ما الأيام التي تصام ؟ فقصدت مولانا أبا الحسن علي بن محمد عليه السلام - وهو بصريا (٢) - ولم أجد ذلك لاحد من خلق الله ، فدخلت عليه فلما بصر بي قال : يا أبا إسحاق ، جئت تسألني عن الأيام التي يصام فيهن وهي أربعة - إلى أن قال : - ويوم الغدير ، فيه أقام النبي صلى الله عليه وآله أخاه

عليه السلام علما للناس وإماما من بعده ، قلت : صدقت جعلت فداك ، لذلك
قصدت ، أشهد أنك حجة الله على خلقه

وسائل الشيعة (آل البيت) - الحر العاملي - ج ١٠ ص ٤٤١

روایت دوم : با سند صحیح در کتاب مزار مشهدی از امام هادی علیه السلام

١٢ - زيارة أخرى لمولانا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب صلوات الله عليه مختصة بيوم
الغدیر اخبرني بهذه الزيارة الشريف الاجل العالم أبي جعفر محمد المعروف بابن الحمد
النحوي ، رفع الحديث عن الفقيه العسكري صلوات الله عليه في شهر سنة إحدى
وسبعين و خمسمائة . وأخبرني الفقيه الاجل أبو الفضل شاذان بن جبرئيل القمي رضي
الله عنه ، عن الفقيه العماد محمد بن أبي القاسم الطبري ، عن أبي علي ، عن والده ، عن
محمد بن محمد بن النعمان ، عن أبي القاسم جعفر بن قولويه ، عن محمد بن يعقوب
الكليني ، عن علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن أبي القاسم بن روح وعثمان بن سعيد
العمري ، عن أبي محمد < صفحہ ٢٦٤ > الحسن بن علي العسكري ، عن أبيه صلوات الله
عليهما ، وذكر انه عليه السلام زار بها في يوم الغدير في السنة التي اشخصه المعتصم .
تقف عليه صلوات الله عليه وتقول : السلام على محمد رسول الله ، خاتم النبيين ، وسيد
المرسلين ، و صفوة رب العالمين ، امين الله على وحيه ، وعزائم امره ، الخاتم لما سبق ،
والفاتح لما استقبل ، والمهيمن على ذلك كله ، ورحمة الله وبركاته وصلواته وتحياته ،
السلام على أنبياء الله ورسله ، وملائكته المقربين ، وعباده الصالحين . السلام عليك يا
أمير المؤمنين ، وسيد الوصيين ، ووارث علم النبيين ، وولي رب العالمين ، ومولاي
ومولى المؤمنين ورحمة الله وبركاته ، السلام عليك يا أمير المؤمنين (١) ، يا امين الله
في ارضه ، وسفيره في خلقه ، وحقته البالغة على عباده . السلام عليك يا دين الله القويم
، وصراطه المستقيم ، السلام عليك أيها النبأ العظيم ، الذي هم فيه مختلفون ، وعنه
يسألون ، السلام عليك يا أمير المؤمنين . امنت بالله وهم مشركون ، وصدقت بالحق وهم
مكذبون ، وجاهدت وهم محجمون (٢) ، وعبدت الله مخلصا له الدين ، صابرا < صفحہ
٢٦٥ > محتسبا حتى اتاك اليقين ، الالجنة الله على الظالمين السلام عليك يا سيد
المسلمين ، ويعسوب المؤمنين ، وامام المتقين ، وقائد الغر المحجلين ، ورحمة الله
وبركاته . اشهد انك أخو الرسول ووصيه ، ووارث علمه ، وأمينه على شرعه ، وخليفته

في أمته ، وأول من امن بالله ، وصدق بما انزل على نبيه ، واشهد انه قد بلغ عن الله ما أنزله فيك ، وصدع بأمره ، وأوجب على أمته فرض ولايتك ، وعقد عليهم البيعة لك ، وجعلك أولى بالمؤمنين من أنفسهم كما جعله الله كذلك . ثم اشهد الله تعالى عليهم فقال : الست قد بلغت ؟ فقالوا : اللهم بلى ، فقال : اللهم اشهد وكفى بك شهيدا ، وحاكما بين العباد ، فلعن الله جاحد ولايتك بعد الاقرار ، وناكث عهدهك بعد الميثاق ، واشهد انك أوفيت بعهد الله تعالى وان الله تعالى موف بعهده لك ، * (ومن أوفى بما عاهد عليه الله فسيؤتيه اجرا عظيما) * (١) . واشهد انك أمير المؤمنين الحق ، الذي نطق بولايتك التنزيل ، واخذ لك العهد على الأمة بذلك الرسول ، واشهد انك وعمك واخاك ، الذين تاجرتم الله بنفوسكم ، فأنزل الله فيكم : * (ان الله اشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون ويقتلون وعدا عليه حقا في التورية > صفحه ٢٦٦ < والإنجيل والقرآن ومن أوفى بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به وذلك هو الفوز العظيم * التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الآمرون بالمعروف والناهون عن المنكر والحافظون لحدود الله وبشر المؤمنين) * (١) . اشهد يا أمير المؤمنين ان الشاك فيك ما امن بالرسول الأمين ، وان العادل بك غيرك عادل عن الدين القويم ، الذي ارتضاه لنا رب العالمين ، فأكملة بولايتك يوم الغدير . واشهد انك المعني بقول العزيز الرحيم : * (وان هذا صراطي مستقيما فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله) * (٢) ، ضل والله وأضل من اتبع سواك ، وعند عن الحق (٣) من عاداك . اللهم سمعنا لأمرك ، وأطعنا واتبعنا صراطك المستقيم ، فاهدنا ربنا ، ولا تزغ قلوبنا بعد الهدى عن طاعتك ، واجعلنا من الشاكرين لأنعمك . واشهد انك لم تنزل للهوى مخالفا ، وللتقى مخالفا (٤) ، وعلى كظم الغيظ قادرا ، وعن الناس عافيا ، وإذا عصي الله ساخطا ، وإذا أطيع الله > صفحه ٢٦٧ < راضيا ، وبما عهد الله إليك عاملا (١) راعيا ما استحفظت ، حافظا ما استودعت ، مبلغا ما حملت ، منتظرا ما وعدت . واشهد انك ما اتقيت ضارعا (٢) ، ولا أمسكت عن حقدك جازعا ، ولا أحجمت عن مجاهدة عاصيك ناكلا (٣) ، ولا أظهرت الرضا بخلاف ما يرضى الله مداهنا ، ولا وهنت لما أصابك في سبيل الله ، ولا ضعفت ولا استكنت عن طلب حقدك مراقبا . معاذ الله أن تكون كذلك ، بل إذ ظلمت فاحتسبت ربك ، وفوضت إليه امرك ، وذكرت فما ذكروا ،

ووعظت فما اتعظوا ، وخوفتهم الله فما يخافوا . واشهد انك يا أمير المؤمنين جاهدت في الله حق جهاده ، حتى دعاك الله إلى جواره ، وقبضك إليه باختياره ، والزم أعدائك الحجة ، بقتلهم إياك ، لتكون لك الحجة عليهم ، مع ما لك من الحجج البالغة على جميع خلقه . السلام عليك يا أمير المؤمنين عبدت الله مخلصا ، وجاهدت في الله صابرا ، وجدت بنفسك صابرا محتسبا ، وعملت بكتابه ، واتبعت سنة نبيه ، وأقمت الصلاة ، وآتيت الزكاة ، وأمرت بالمعروف ، ونهيت عن **صفحه ٢٦٨** المنكر ما استطعت ، مبتغيا مرضاة ما عند الله ، راغبا فيما وعد الله لا تحفل (١) بالنوائب ، ولا تهن عند الشدائد ، ولا تحجم عن محارب ، افك (٢) من نسب غير ذلك وافترى باطلا عليك ، وأولى لمن (٣) عند عنك . لقد جاهدت في الله حق الجهاد ، وصبرت على الأذى صبر احتساب ، وأنت أول من امن بالله ، وصلى له ، وجاهد ، وابدى صفحته في دار الشرك ، و الأرض مشحونة ضلالة ، والشيطان يعبد جهرة . وأنت القائل : لا تزيدني كثرة الناس حولي عزة ، ولا تفرقهم عني وحشة ، ولو أسلمني الناس جميعا لم أكن متضرعا ، اعتصمت بالله فعززت ، واثرت الآخرة على الأولى فزهدت ، وأيدك الله وهداك ، وأخلصك واجتباك . فما تناقضت أفعالك ، ولا اختلفت أقوالك ، ولا تقلبت أحوالك ، ولا ادعيت ولا افتريت على الله كذبا ، ولا شرهت (٤) إلى الحطام (٥) ، ولا دنسك الآثام ، ولم تزل على بينة من ربك ويقين من امرك ، تهدي إلى الحق والى صراط مستقيم . اشهد شهادة حق ، وأقسم بالله قسم صدق ان محمدا واله **صفحه ٢٦٩** صلوات الله عليهم سادات الخلق ، وانك مولاي ومولى المؤمنين وانك عبد الله ووليه وأخو الرسول ، ووصيه ووارثه ، وانه القائل لك : والذي بعثني بالحق ما امن بي من كفر بك ، ولا أقر بالله من جحدك . وقد ضل من صد عنك ، ولم يهتد إلى الله تعالى ولا إلي من لا يهدى بك ، وهو قول ربي عز وجل : * (واني لغفار لمن تاب وامن وعمل صالحا ثم اهتدى) * (١) إلى ولايتك . مولاي فضلك لا يخفى ، ونورك لا يطفى ، وان من جحدك الظلوم الأشقى ، مولاي أنت الحجة على العباد ، والهادي إلى الرشاد ، والعدة للمعاد . مولاي لقد رفع الله في الأولى منزلتك ، واعلى في الآخرة درجتك ، وبصرك ما عمي على من خالفك (٢) ، وحال بينك وبين مواهب الله لك . فلعن الله مستحلي الحرمة منك وذائد الحق (٣) عنك ، واشهد انهم الأخسرون ، الذين تلفح (٤)

(وجوههم النار ، وهم فيها كالخون (٥) . < صفحہ ٢٧٠ > واشهد انك ما أقدمت ، ولا أحجمت ، ولا نظقت ، ولا أمسكت الا بأمر من الله ورسوله ، قلت : والذي نفسي بيده لنظر إلي رسول الله صلى الله عليه وآله ، اضرب قدماه بسيفي فقال : يا علي أنت عندي بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي ، وأعلمك ان موتك وحياتك معي وعلى سستي ، فوالله ما كذبت ولا كذبت ، ولا ضللت ولا ضل بي ، ولا نسيت ما عهد إلي ربي ، واني لعلى بينة من ربي ، بينها لنبيه ، وبينها النبي لي ، واني لعلى الطريق الواضح ، ألفظه لفظا (١) ، صدقت والله وقلت الحق . فلعن الله من ساواك بمن ناواك ، والله جل ذكره يقول : * (هل يستوى الذين يعلمون والذين لا يعلمون) * (٢) ، ولعن الله من عدل بك من فرض الله عليه ولايتك . وأنت ولي الله وأخو رسوله ، والذاب عن دينه ، والذي نطق القرآن بتفضيله ، قال الله تعالى : * (وفضل الله المجاهدين على القاعدين اجرا عظيما درجات منه ومغفرة ورحمة وكان الله غفورا رحيما) * (٣) . وقال الله تعالى : * (أجعلتم سقاية الحاج وعمارة المسجد الحرام كمن امن بالله واليوم الآخر وجاهد في سبيل الله لا يستوون عند الله < صفحہ ٢٧١ > والله لا يهدي القوم الظالمين * الذين امنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله بأموالهم وأنفسهم أعظم درجة عند الله وأولئك هم الفائزون * يبشرهم ربهم برحمة منه ورضوان وجنات لهم فيها نعيم مقيم * خالدن فيها ابدا ان الله عنده اجر عظيم) * (١) . اشهد انك المخصوص بمدحة الله ، المخلص لطاعة الله ، لم تبغ بالهدى بدلا ولم تشرك بعبادة ربك أحدا ، وان الله تعالى استجاب لنبيه صلى الله عليه وآله فيك دعوته . ثم امره باظهار ما أولاك لامته ، اعلاء لشأنك ، واعلانا لبرهانك ، ودحضا للأباطيل ، وقطعا للمعاذير ، فلما أشفق من فتنه الفاسقين ، واتقى فيك المنافقين ، أوحى الله رب العالمين : * (يا أيها الرسول بلغ ما انزل إليك من ربك وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس) * (٢) . فوضع على نفسه أوزار المسير (٣) ، ونهض في رمضاء الهجير (٤) ، فخطب فأسمع ، ونادى فأبلغ ، ثم سألهم أجمع ، فقال : هل بلغت ؟ فقالوا : اللهم بلى ، فقال : اللهم اشهد ، ثم قال : الست أولى بالمؤمنين من أنفسهم ؟ < صفحہ ٢٧٢ > فقالوا : بلى ، فاخذ بيدك ، وقال : من كنت مولاه فهذا علي مولاه ، اللهم وال من والاه ، وعاد من عاداه ، وانصر من نصره ، واخذل من خذله . فما امن بما انزل الله فيك على نبيه الا قليل ، ولا زاد

أكثرهم الا تخسيرا ، ولقد انزل الله تعالى فيك من قبل وهم كارهون : * (يا أيها الذين امنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه أذلة على المؤمنين أعزة على الكافرين يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم) * (١) . * (إنما وليكم الله ورسوله والذين امنوا الذين يقيمون الصلاة ويؤتون الزكاة وهم راكعون ، ومن يتول الله ورسوله والذين امنوا فان حزب الله هم الغالبون) * (٢) . ربنا امنا بما أنزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين ، ربنا لا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك أنت الوهاب . اللهم انا نعلم أن هذا هو الحق من عندك ، فالعن من عارضه واستكبر وكذب به وكفر ، وسيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون ، السلام عليك يا أمير المؤمنين ، وسيد الوصيين ، وأول العابدين ، وازهد الزاهدين ، ورحمة الله وبركاته وصلواته وتحياته . < صفحه ٢٧٣ > أنت مطعم الطعام على حبه مسكينا ويتيما وأسيرا لوجه الله لا نريد منهم جزاء ولا شكورا ، وفيك انزل الله تعالى : * (ويؤثرون على أنفسهم ولو كان بهم خصاصة ومن يوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون) * (١) . وأنت الكاظم للغيظ ، والعافي عن الناس ، والله يحب المحسنين ، وأنت الصابر في البأساء والضراء وحين البأس ، وأنت القاسم بالسوية ، والعدل في الرعية ، والعالم بحدود الله من جميع البرية . والله تعالى أخبر عما أولاك من فضله بقوله : * (أفمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستون * اما الذين امنوا وعملوا الصالحات فلهم جنات المأوى نزلا لما كانوا يعملون) * (٢) . وأنت المخصوص بعلم التنزيل وحكم التأويل ، ونصر الرسول ، ولك المواقف المشهورة ، والمقامات المشهورة والأيام المذكورة ، يوم بدر ويوم الأحزاب : * (إذ زاغت الابصار وبلغت القلوب الحناجر وتظنون بالله الظنونا * هنالك ابتلى المؤمنون وزلزلوا زلزالا شديدا *) * (إذ يقول المنافقون والذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا *) * (إذ قالت طائفة منهم يا أهل يثرب لا مقام لكم فارجعوا ويستأذن فريق < صفحه ٢٧٤ > منهم النبي يقولون إن بيوتنا عورة وما هي بعورة ان يريدون الا فرارا) * (١) وقال الله تعالى : * (ولما رأى المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما زادهم الا ايمانا وتسليما) * (٢) . فقتلت عمروهم وهزمت جمعهم ، * (ورد الله الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين القتال وكان الله قويا عزيزا

(* (٣) . ويوم أحد : * (إذ تصعدون ولا تلوون على أحد والرسول يدعوهم في أصرهم) * (٤) ، وأنت تذود بهم المشركين (٥) عن النبي ذات اليمين وذات الشمال ، حتى صرفهما عنكم الخائفين ، ونصر بك الخاذلين . ويوم حنين على ما نطق به التنزيل : * (إذ أعجبتكم كثرتكم فلم تغن عنكم شيئا وضاقت عليكم الأرض بما رحبت ثم وليتم مدبرين * ثم انزل الله سكينته على رسوله وعلى المؤمنين) * (٦) . والمؤمنون أنت ومن يليك ، وعمك العباس ينادي المنهزمين : يا أصحاب سورة البقرة ، يا أهل بيعة الشجرة ، حتى استجاب له قوم قد < صفحه ٢٧٥ > كفيتهم المؤونة ، وتكفلت دونهم المعونة فعادوا آيسين من المثوبة ، راجين وعد الله تعالى بالتوبة ، وذلك قوله جل ذكره : * (ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء) * (١) ، وأنت حائز درجة الصبر ، فائز بعظيم الاجر . ويوم خيبر إذ ظهر الله خور (٢) المنافقين ، وقطع دابر (٣) الكافرين ، والحمد لله رب العالمين : * (ولقد كانوا عاهدوا الله من قبل لا يولون الأدبار ، وكان عهد الله مسؤولا) * (٤) . مولاي أنت الحجة البالغة ، والمحجة (٥) الواضحة ، والنعمة السابغة ، والبرهان المنير ، فهنيئا لك ما اتاك الله من فضل ، وتبا لشانئك (٦) ذي الجهل . شهدت مع النبي صلى الله عليه وآله جميع حروبه ومغازيه ، تحمل الراية امامه ، وتضرب بالسيف قدامه ، ثم لحزمتك المشهور ، وبصيرتك بما في الأمور ، امرت في المواطن ، ولم يك عليك أمير ، وكم من أمر صدك عن امضاء عزمك فيه التقى ، واتبع غيرك في نيله الهوى ، < صفحه ٢٧٦ > فظن الجاهلون انك عجزت عما إليه انتهى ، ضل والله الظان لذلك وما اهتدى . ولقد أوضحت ما أشكل من ذلك لمن توهم وامترى (١) بقولك صلى الله عليه : قد يرى الحول القلب وجه الحيلة (٢) ، ودونها حاجز من تقوى الله ، فيدعها رأى العين ، وينتهز فرصتها من لا جريحة (٣) له في الدين ، صدقت وخسر المبطلون . وإذ ما كرك الناكثان (٤) فقالا : نريد العمرة ، فقلت لهما : لعمرى لما تريدان العمرة لكن الغدرة ، وأخذت البيعة عليهما ، وجددت الميثاق فجدا في النفاق ، فلما نهتهما على فعلهما أغفلا (٥) وعادا ، وما انتفعا ، وكان عاقبة أمرهما خسرا . ثم تلاهما أهل الشام فسرت إليهم بعد الاعذار ، وهم لا يدينون دين < صفحه ٢٧٧ > الحق ولا يتدبرون القرآن ، همج (١) رعاع ضالون ، وبالذي انزل على محمد فيك كافرون ، ولأهل الخلاف عليك ناصررون . وقد أمر الله تعالى باتباعك وندب إلى نصرك ، قال الله

تعالى : * (يا أيها الذين امنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين) * (٢) . مولاي بك ظهر الحق ، وقد نبذه (٣) الخلق ، وأوضحت السنن بعد الدروس (٤) والطمس (٥) ، ولك سابقة الجهاد على تصديق التنزيل ، ولك فضيلة الجهاد على تحقيق التأويل ، وعدوك عدو الله ، جاحد لرسول الله ، يدعو باطلا ، ويحكم جائرا ، ويتأمر غاصبا ، ويدعو حزبه إلى النار . وعمار يجاهد وينادي بين الصفيين : الرواح الرواح إلى الجنة ، ولما استسقى ، فسقى اللبن كبر وقال : قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله : اخر شرابك من الدنيا ضياح (٦) من لبن وتقتلك الفئة الباغية ، فاعترضه أبو العادية الفزاري فقتله . فعلى أبي العادية لعنة الله ولعنة ملائكته ورسله أجمعين ، وعلى < صفحہ ٢٧٨ > من سل سيفه عليك وسللت عليه سيفك يا أمير المؤمنين من المشركين والمنافقين إلى يوم الدين ، وعلى من رضي بما ساءك ولم يكرهه ، واغمض عينه ولم ينكره ، أو أعان عليك بيد أو لسان ، أو قعد عن نصرك ، أو خذل عن الجهاد معك ، أو غمط (١) فضلك ، أو جحد حقك ، أو عدل بك من جعلك الله أولى به من نفسه ، وصلوات الله عليك ورحمة الله وبركاته وسلامه وتحياته ، وعلى الأئمة من الك الظاهرين ، انه حميد مجيد . والامر الأعجب والخطب الأفظع بعد جحدك حقك ، غصب الصديقة الزهراء سيدة النساء فدكا ، ورد شهادتك وشهادة السيدين ساللتك وعتره أخيك المصطفى صلوات الله عليكم ، وقد أعلى الله تعالى على الأمة درجتكم ، ورفع منزلتكم ، وإبان فضلكم ، وشرفكم على العالمين ، فأذهب عنكم الرجس وطهركم تطهيرا ، قال الله جل وعز : * (ان الانسان خلق هلوعا * إذا مسه الشر جزوعا * وإذا مسه الخير منوعا * الا المصلين) * (٢) . فاستثنى الله تعالى نبيه المصطفى وأنت يا سيد الأوصياء من جميع الخلق ، فما أعمه من ظلمك عن الحق ، ثم أفضوك سهم ذوي < صفحہ ٢٧٩ > القربى مكرا (١) أو حادوه (٢) عن أهله جورا فلما ال الامر إليك أجريتهم على ما أجريا رغبة عنهما (٣) بما عند الله لك ، فأشبهت محتكك بهما محن الأنبياء عليهم السلام عند الوحدة وعدم الأنصار ، وأشبهت في البيات على الفراش الذبيح عليه السلام ، إذ أجبت كما أجاب ، وأطعت كما أطاع إسماعيل صابرا محتسبا ، إذ قال له : * (يا بني اني أرى في المنام اني أذبحك فانظر ماذا ترى قال يا أبت افعل ما تؤمر ستجدني انشاء الله من الصابرين) * (٤) . وكذلك أنت لما أباتك النبي صلى الله عليكما ، وأمرك ان تضطجع

في مرقده ، واقيا له بنفسك ، أسرع إلى اجابته مطيعا ، ولنفسك على القتل موطنا ، فشكر الله تعالى طاعتك ، وابان عن جميل فعلك بقوله جل ذكره : * (ومن الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضاة الله) * (٥) . ثم محتتك يوم صفين ، وقد رفعت المصاحف حيلة ومكرا ، < صفحه ٢٨٠ > فاعرض الشك (١) وعرف الحق واتبع الظن ، اشبهت محنة هارون إذ امره موسى على قومه (٢) ففترقوا عنه ، وهارون يناديهم : * (يا قوم إنما فتنتم به وان ربكم الرحمان فاتبعوني وأطيعوا أمري قالوا لن نبرح عليه عاكفين حتى يرجع إلينا موسى) * (٣) . وكذلك أنت لما رفعت المصاحف قلت : يا قوم إنما فتنتم بها وخذعتم ، فعصوك وخالفوا عليك ، واستدعوا نصب الحكمين ، فأبيت عليهم ، وتبرأت إلى الله من فعلهم وفوضته إليهم . فلما أسفر (٤) الحق وسفه (٥) المنكر ، واعترفوا بالزلل والجور عن القصد (٦) واختلفوا من بعده ، وألزموك على سفه (٧) التحكيم الذي أبيته ، وأحبوه وحظرته ، وأباحوا ذنبهم الذي اقترفوه (٨) . وأنت على نهج بصيرة وهدى ، وهم على سنن ضلالة وعمى ، فما زالوا على النفاق مصرين ، وفي الغي مترددين ، حتى أذاقهم الله وبال < صفحه ٢٨١ > أمرهم ، فأمات بسيفك من عاندك ، فشفي وهوى ، وأحيا بحجتك من سعد فهدي ، صلوات الله عليك غادية ورائحة ، وعاكفة وذاهبة ، فما يحيط المادح وصفك ، ولا يحبط الطاعن فضلك . أنت أحسن الخلق عبادة ، وأخلصهم زهادة ، وأذبهم عن الدين ، أقمت حدود الله بجهدك ، وفللت عساكر المارقين بسيفك ، تخمد (١) لهب الحروب بينانك (٢) ، وتهتك ستور الشبه ببيانك ، وتكشف لبس الباطل عن صريح الحق ، لا تأخذك في الله لومة لائم . وفي مدح الله تعالى لك غنى عن مدح المادحين وتقريظ الواصفين ، قال الله تعالى : * (من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا) * (٣) . ولما رأيت قد قتلت الناكثين والقاسطين والمارقين ، وصدقك رسول الله صلى الله عليه وآله وعده ، فأوفيت بعهده ، قلت : اما آن أن تخضب هذه من هذه ، أم متى يبعث أشقاها ، واثقا بأنك على بينة من ربك وبصيرة من امرك ، قادمًا على الله ، مستبشرا ببيعك الذي بايعته به ، وذلك هو الفوز العظيم . اللهم العن قتلة أنبيائك وأوصياء أنبيائك بجميع لعناتك ، واصلهم حر نارك ، والعن من غصب وليك حقه ، وأنكر عهده ، وجحده بعد اليقين ، والاقرار بالولاية له يوم أكملت له الدين . اللهم العن

قتله أمير المؤمنين ومن قتلته ، وأشياعهم وأنصارهم ، اللهم العن ظالمي الحسين وقاتليه والمتابعين عدوه وناصريه ، والراضين بقتله وخاذليه ، لعنا وبيلا . اللهم العن أول ظالم ظلم آل محمد ومانعيهم حقوقهم ، اللهم خص أول ظالم وغاصب لآل محمد باللعن وكل مستن بما سن إلى يوم الدين . اللهم صل على محمد خاتم النبيين ، وسيد المرسلين (١) (وآله الطاهرين ، واجعلنا بهم متمسكين ، وبموالاتهم من الفائزين الآمنين ، الذين لاخوف عليهم ولا يحزنون ، انك حميد مجيد .

المزار - محمد بن جعفر المشهدي - ص ٢٦٣ - ٢٧٢

امام عسكري عليه السلام

روایت اول : اسحاق بن اسماعیل نیشابوری از امام عسکری علیه السلام

امام عسكري عليه السلام ابلاغ امامت در روز غدیر را لطف ویژه خداوند بر بندگان دانسته و آن را موجب کمال دین می داند. در این روایت مشخصاً از روز غدیر اسمی به میان نیامد اما باید دانست بر پایه روایات شیعه و اهل سنت، آیه " الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ... " که در روایت امام عسکری علیه السلام بدان اشارت رفت، در روز غدیر نازل گشت. شیخ صدوق می نویسد:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ النَّيْسَابُورِيِّ أَنَّ الْعَالِمَ كَتَبَ إِلَيْهِ يَعْنِي الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... لَوْ لَا مُحَمَّدٌ صَ وَالْأَوْصِيَاءُ مِنْ وَوَلَدِهِ كُنْتُمْ حَيَارَى كَالْبَهَائِمِ لَا تَعْرِفُونَ فَرَضًا مِنَ الْفَرَائِضِ ... فَلَمَّا مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بِإِقَامَةِ الْأَوْلِيَاءِ بَعْدَ نَبِيِّكُمْ ص قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ لِأَوْلِيَائِهِ حُقُوقًا فَأَمَرَكُمْ بِأَدَائِهَا إِلَيْهِمْ.

اسحاق بن اسماعیل نیشابوری گفت: عالم یعنی امام عسکری علیه السلام برای او نوشت: اگر محمد و اوصیاء او صلی الله علیهم نبودند شما همچون بهائم متحیر می بودید و یک واجب از واجبات را هم نمی دانستید ... آنگاه که خداوند متعال بر شما منت نهاد و اولیاء و اوصیاء را بعد از نبی و پیامبران بپا داشت فرمود: امروزه دین شما را کامل کرده و نعمت خود را بر شما تمام نموده و اسلام را برایتان دین پسندیدم. برای اولیائش حقوقی در عهده شما واجب کرد و امر فرمود که آنها را اداء نمایید.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ٣٨١هـ)، علل الشرائع، ج ١، ص: ٢٤٩، تحقیق و تقدیم: السيد محمد صادق بحر العلوم، ناشر: منشورات المكتبة الحيدرية ومطبتها - النجف الأشرف، الطبع: ١٣٨٥ - ١٩٦٦ م

٦٥ - كشف الغمة : من كتاب الدلائل ... حدثني الحسن بن طريف قال : كتبت إلى أبي محمد أسأله : ما معنى قول رسول الله صلى الله عليه وآله لأمر المؤمنين " من كنت مولاه فعلي مولاه " قال : أراد بذلك أن جعله علما يعرف به حزب الله عند الفرقة (٥) .

بحار الأنوار - العلامة المجلسي - ج ٥٠ ص ٢٩٠

حضرت مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف

٢٤٥ - أخبرني جماعة ، عن أبي محمد التلعكبري ، عن أحمد بن علي الرازي ، عن الحسين بن علي (١) القمي ، قال : حدثني محمد بن علي بن بنان (٢) الطلحي الآبي ، عن علي بن محمد بن عبدة النيسابوري ، قال : حدثني علي بن إبراهيم الرازي ، قال : حدثني الشيخ الموثوق (٣) به بمدينة السلام قال : تشاجر ابن أبي غانم القزويني وجماعة من الشيعة في الخلف ...

٢٤٦ - وبهذا الاسناد ، عن أبي الحسين محمد بن جعفر الأسدي رضي الله عنه ، عن سعد بن عبد الله الأشعري قال : حدثنا الشيخ الصدوق أحمد بن إسحاق بن سعد الأشعري رحمه الله ، أنه جاءه بعض أصحابنا يعلمه أن جعفر بن علي كتب إليه كتابا يعرفه فيه نفسه ، ويعلمه أنه القيم بعد أخيه (٢) ، وأن عنده من علم الحلال والحرام ما يحتاج إليه وغير ذلك من العلوم كلها . قال أحمد بن إسحاق : فلما قرأت الكتاب كتبت إلى صاحب الزمان عليه السلام وصيرت كتاب جعفر في درجه ، فخرج الجواب إلي في ذلك . بسم الله الرحمن الرحيم أتاني كتابك أبقاك الله ، والكتاب الذي أنفذته درجه وأحاطت معرفتي بجميع ما تضمنه على اختلاف ألفاظه ، وتكرر الخطأ فيه ، ولو تدبرته لوقفت على بعض ما وقفت عليه منه ، والحمد لله رب العالمين حمدا لا شريك له على (٣) إحسانه إلينا ، وفضله علينا ، أبا الله عز وجل للحق إلا إتماما (٤) ، وللباطل إلا زهوقا ، وهو شاهد علي بما أذكره ، ولي عليكم بما أقوله ، إذا اجتمعنا ليوم لا ريب فيه ويسألنا عما نحن فيه مختلفون ، إنه لم يجعل لصاحب الكتاب على المكتوب إليه ولا عليك ولا على أحد من الخلق جميعا إمامة مفترضة ، ولا طاعة ولا ذمة ، وسأبين لكم جملة (٥) تكتفون بها إن شاء الله تعالى . يا هذا يرحمك الله إن الله تعالى لم يخلق

الخلق عبثا ، ولا أهملهم سدى ، بل خلقهم بقدرته ، وجعل لهم أسماعا وأبصارا وقلوبا وألبابا ، ثم بعث إليهم النبيين عليهم السلام مبشرين ومنذرين ، يأمرونهم بطاعته وينهونهم عن معصيته ، ويعرفونهم ما جهلوه من أمر خالقهم ودينهم ، وأنزل عليهم كتابا ، وبعث إليهم ملائكة يأتين (١) بينهم وبين من بعثهم إليهم بالفضل الذي جعله لهم عليهم ، وما آتاهم من الدلائل الظاهرة والبراهين الباهرة ، والآيات الغالبة . فمنهم من جعل النار عليه بردا وسلاما واتخذه خليلا ، ومنهم من كلمه تكليما وجعل عصاه ثعبانا مبينا ، ومنهم من أحى الموتى بإذن الله ، وأبرأ الأكمه والأبرص بإذن الله ، ومنهم من علمه منطق الطير وأوتي من كل شيء ، ثم بعث محمدا صلى الله عليه وآله وسلم رحمة للعالمين ، وتمم به نعمته ، وختم به أنبياءه ، وأرسله إلى الناس كافة ، وأظهر من صدقه ما أظهر ، وبين من آياته وعلاماته ما بين . ثم قبضه صلى الله عليه وآله وسلم حميدا فقيدا سعيدا ، وجعل الامر [من] (٢) بعده إلى أخيه وابن عمه ووصيه ووارثه علي بن أبي طالب عليه السلام ثم إلى الأوصياء من ولده واحدا واحدا ، أحى بهم دينه ، وأتم بهم نوره ، وجعل بينهم وبين إخوانهم (٣) وبني عمهم والأدنين فالأدنين من ذوي أرحامهم فرقانا (٤) بينا يعرف به الحجة من المحجوج ، والامام من المأموم . بأن عصمهم من الذنوب ، وبرأهم من العيوب ، وطهرهم من الدنس ، ونزههم من اللبس ، وجعلهم خزان علمه ، ومستودع حكمته ، وموضع سره ، وأيدهم بالدلائل ، ولولا ذلك لكان الناس على سواء ولادعى أمر الله عز وجل كل أحد ، ولما عرف الحق من الباطل ، ولا العالم من الجاهل .

الغيبة - الشيخ الطوسي - ص ٢٨٨

الاحتجاج - الشيخ الطبرسي - ج ٢ ص ٢٨٠

رويکرد عالمان

اندیشمندان امامي براي اثبات امامت امير مؤمنان عليه السلام از پیشوایان مذهب تاسی پذیرفتند. حدیث غدیر را دلیل روشن برای امامت علي عليه السلام و برهان قاطع در برابر مخالفان تلقی نمودند. این مطلب در نگاشته‌های حدیثی، فقهی، کلامی، تفسیری و گاه رجالی و مناقب نگاری آنان بازتاب داشته است. آنچه در پی می آید. نمونه‌هایی از دیدگاه این عالمان از گذشته‌های دور تا کنون است:

۱: علي بن ابراهيم قمي (متوفاي قرن سوم)

علي بن ابراهيم قمي در تفسيرش مي نويسد:

قول رسول الله صلى الله عليه وآله بغدير خم "يا أيها الناس ألسنت أولى بكم من أنفسكم" قالوا: بلى ثم أوجب لأئمة المؤمنين عليه السلام ما أوجب له نفسه عليهم من الولاية فقال: ألا من كنت مولاه فعلي مولاه.

گفتار رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در روز غدیر خم این بود: آیا من از شما به خودتان سزاوارتر نیستم؟ آنان گفتند: بلی. سپس آن حضرت همین ولایتش بر مردم را برای علی بن ابی طالب علیه السلام هم واجب گرداند و فرمود: هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست.

القمي، أبي الحسن علي بن ابراهيم (متوفای ۳۱۰هـ) تفسير القمي، تحقيق: ج ۲ ص ۱۷۶، تصحيح وتعليق وتقديم: السيد طيب الموسوي الجزائري، ناشر: مؤسسة دار الكتاب للطباعة والنشر - قم، الطبعة: الثالثة، صفر ۱۴۰۴.

۲: شيخ صدوق (متوفاي قرن چهارم)

شيخ صدوق ذيل روايتي در كتاب خصال، چنين مي نگارد:

إِنَّ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ لَمْ يَدَعْ لِأَحَدٍ عُدْرًا هَكَذَا قَالَتْ سَيِّدَةُ النُّسُوانِ فَاطِمَةُ عَ لَمَّا مُنِعَتْ فَدَكَ.

همانا روز غدیر خم برای کسی عذری به جای نگذارده است. آری این چنین گفت سرور بانوان،

فاطمه عليها السلام آنگاه که از فدک منع گردید.

الصدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، الخصال، ص ۱۷۲، تحقيق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال چاپ ۱۴۰۳ - ۱۳۶۲

۳: شيخ مفيد (متوفاي قرن پنجم)

سخن شيخ مفيد در يکي از نگاهته هایش این است:

قد أجمع أهل الاسلام على أن رسول الله صلى الله عليه وآله نصب عليا عليه السلام يوم غدير خم في رجوعه من حجة الوداع فقال: من كنت مولاه فعلي مولاه فأوجب له ما لنفسه من الطاعة

اهل اسلام اجماع دارند كه رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم على عليه السلام را آنگاه كه از حجة الوداع بر مي گشت، براي مردم نصب گرداند و گفت: هر كه من مولاي اويم، على مولاي اوست. پس همان وجوب اطاعتى كه خود بر مردم داشت، براي على عليه السلام واجب گرداند

الشيخ المفيد، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله العكبري البغدادي (متوفاي ٤١٣هـ)،
النكت في مقدمات الأصول، ص ٤٥، تحقيق: السيد محمد رضا الحسيني الجليلي، ناشر: دار المفيد للطباعة
والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان.

٤: سيد مرتضي (متوفاي قرن پنجم)

سيد مرتضي هم اينگونه مي نويسد:

وقد بينا في الكتاب الشافي وفي غيره من كتبنا عامة أن هذا الكلام (حديث الغدير) نص عليه بالإمامة.

همانا در كتاب " الشافي في الامامه " و غير از آن بيان نموديم كه حديث غدیر دلالتی روشن و صریح بر امامت امیر مومنان علیه السلام دارد.

المرتضي علم الهدی، ابوالقاسم علي بن الحسين (متوفای ٤٣٦هـ)، رسائل المرتضى، ج ٤ ص ١٣١، تحقيق:
تقديم: السيد أحمد الحسيني / ناشر: دار القرآن الكريم - قم، ١٤٠٥هـ

٥: شيخ طوسي (متوفاي قرن پنجم)

شيخ طوسي در كتاب فقهيه اش، علاوه بر تالیفات كلامي، از این موضوع سخن به میان آورد. او مي گوید:

ويستحب صيام ... يوم الثامن عشر من ذي الحجة وهو يوم الغدير نصب فيه رسول الله صلى الله عليه وآله أمير المؤمنين عليه السلام إماماً للأمام.

روزه گرفتن در روز هيجدهم ذی الحجة مستحب است و آن روز غدیر است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم امیر مومنان علیه السلام را به عنوان امام برای مردم نصب گرداند

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای ٤٦٠هـ)، النهاية، ص ١٦٩، ناشر:
انتشارات قدس محمدي - قم

٦: ابوالصلاح حلبی (متوفاي قرن پنجم)

سخن ابو الصلاح حلبی این است:

أما خبر الغدير فдал على إمامته عليه السلام من وجهين ...

اما حديث غدير همانا از دو جهت بر امامت علی علیه السلام دلالت دارد ...

الحلي، أبو الصلاح (متوفاي ٤٤٧هـ)، تقريب المعارف، ص ٢١٤، تحقيق: فارس تبريزيان الحسون، سال

چاپ: ١٤١٧ - ١٣٧٥ ش

٧: ابن شهر آشوب مازندراني (متوفاي قرن ششم)

در مناقب ابن شهر آشوب آمده است:

لفظة مولى تفيد الأولى بالتدبير والتصرف وفرض الطاعة لأنه عقب قوله "الست أولى بكم من أنفسكم" ولو كان غير ذلك لكان معنيا في كلامه وإذا ثبت ذلك فلا يكون إلا الامام.

کلمه مولى [در حديث غدير] معنای اولويت در تدبير، تصرف در امور و وجوب اطاعت [علی علیه السلام] را افاده می کند زیرا بعد از گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم "الست أولى بكم من أنفسكم" قرار گرفت [همانطور که از این فقره، اولويت در تصرف و وجوب اطاعت فهمیده می شود، از جمله "من كنت مولاه" که بعد از آن است، همین استفاده می شود] و اگر مقصود غیر از این معنا بود، [باید بیان می کرد والا] هر آینه پیامبر علیه و علی آله الصلاة والسلام، در کلامش مردم را به انحراف می کشاند. حال که معنای اولويت ثابت شد، این جمله معنایی ندارد مگر امام [و جانشین].

ابن شهر آشوب، رشيد الدين أبي عبد الله محمد بن علي السروي المازندراني (متوفای ٥٨٨هـ)، مناقب آل أبي طالب، ج ٢ ص ٢٤٣، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدرية، ١٣٧٦هـ - ١٩٥٦م.

٨: ابن ادریس حلي (متوفاي قرن ششم)

در اثر فقهی ابن ادریس حلي چنین آمده است:

يستحب صيام ... يوم الثامن عشر من ذي الحجة وهو يوم الغدير نصب فيه رسول الله صلى الله عليه وآله علياً أمير المؤمنين عليه السلام إماماً للأئمة.

روزه گرفتن در روز هیجدهم ذی الحججه مستحب است و آن روز غدير است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امیر مومنان علیه السلام را به عنوان امام برای مردم نصب گرداند.

الحلي، الشيخ الفقيه أبي جعفر محمد بن منصور بن أحمد بن إدريس (متوفاي ٥٩٨هـ) كتاب السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي، ج ١ ص ٤١٨، المحقق: لجنة التحقيق، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ: الثانية ١٤١٠

۹: ابن میثم بحرانی (متوفای قرن هفتم)

ابن میثم بحرانی، طی شمارش ادله امامت امیر مؤمنان علیه السلام می گوید:
أن الإمام بعد رسول الله صلى الله عليه وآله علي بن أبي طالب عليه السلام وبيان ذلك
بثلاثة أنواع من الأدلة: النوع الأول: في النصوص الجلية ... النوع الثاني: الاستدلال
بالنصوص وهي ثلاثة: الأول ... الثاني: التمسك بقوله يوم غدیر خم ...
همانا امام بعد از رسول الله عليه و على آله الصلاة و السلام، على بين ابى طالب عليه السلام است.
این مطلب با سه گونه دلیل ثابت است. نوع اول: نصوص روشن [و بدون نیاز به استدلال] ... نوع دوم:
استدلال به نصوص و آن سه تاست. اول: ... دوم: تمسک به حدیث غدیر است ...
البحرانی، میثم بن علی بن میثم (متوفای ۶۸۹هـ)، النجاة في القيامة في تحقيق أمر الإمامة، ص ۸۱ الي ۱۰۹،
ناشر: مجمع الفكر الإسلامي، چاپخانه: مؤسسة الهادي - قم، چاپ: الأولى ۱۴۱۷

۱۰: علامه حلی (متوفای قرن هشتم)

علامه حلی ذیل گفتار خواجه نصیر "ولحدیث الغدیر المتواتر"، بدین صورت می نویسد:
هذا دليل آخر على إمامة علي عليه السلام.
این (حدیث متواتر غدیر) دلیلی دیگر برای امامت امیر مؤمنان علیه السلام به شمار می رود.
الحلی، الحسن بن یوسف (متوفای ۷۲۶هـ)، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، ص ۴۹۹، تحقیق: آیه
الله حسن زاده الآملی، ناشر: مؤسسة نشر الإسلامی - قم.

۱۱: فاضل مقداد (متوفای قرن نهم)

فاضل مقداد در یک کلامی می گوید:
البحث الثالث في إثبات إمامة علي عليه السلام بلا فصل و لنا في ذلك مسالك ...
المسلك الثالث: من حيث النص ... الثاني: حديث الغدير.
بحث سوم در اثبات امامت بلا فصل علی علیه السلام است. برای ما در این مسأله چند مسلك وجود
دارد. مسلك سوم، [اثبات امامت] از جهت نصوص است ... نص دوم [در این باره]، حدیث غدیر است.
السیوری، الفاضل المقداد، اللوامع الإلهية في المباحث الكلامية، ص: ۳۳۴ الي ۳۳۸، ناشر: دفتر تبلیغات
اسلامی.

۱۲: صاحب حدائق (متوفای قرن دوازدهم)

شیخ یوسف بحرانی، در کتاب فقهی اش می گوید:
يستحب لقاصدي المدينة المشرفة المرور بمسجد الغدير ودخوله والصلاة فيه والاكثار
من الدعاء وهو موضع الذي نص فيه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم على إمامة أمير
المؤمنين وخلافته بعده.

مستحب است برای کسانی که مدینه را قصد می نمایند که داخل مسجد غدیر شوند و در آن نماز
گذارد و بسیار دعا کنند و اینجا همان موضعی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر امامت
علی علیه السلام و خلافت او بعد از خودش، تصریح نمود.

البحراني، الشيخ يوسف، (متوفای ۱۱۸۶هـ)، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج ۱۷ ص ۴۰۶،
ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، طبق برنامه مکتبه اهل البيت.

۱۳: صاحب جواهر (متوفای قرن سیزدهم)

صاحب جواهر سخن از غسل روز غدیر به میان می آورد و می گوید:
وهو الذي أخذ فيه النبي صلى الله عليه وآله البيعة لأمير المؤمنين عليه السلام في غدیر
خم بعد رجوعه من حجة الوداع.

غدیر همان روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنگاه که از حجه الوداع برگشت،
برای علی علیه السلام بیعت گرفت.

النجفي، الشيخ محمد حسن (متوفای ۱۲۶۶هـ)، جواهر الکلام في شرح شرائع الاسلام، ج ۵ ص ۳۷، تحقیق
و تعلق و تصحیح: محمود القوچانی، ناشر: دار الکتب الاسلامیة - تهران، الطبعة: السادسة، ۱۳۶۳ش.

۱۴: آیت الله خویی (معاصر)

در میان عالمان معاصر این موضوع به فراوانی یافت می شود به عنوان نمونه می توان از آیت الله
العظمی خویی نام برد. وی در کتاب معجم رجال الحدیث در شرح حال امام امیر مومنان علیه
السلام می نویسد:

انه بمنزلة نفس الرسول الأكرم صلى الله عليه وآله وخليفته المنصوص عليه في حديث
الغدیر وغيره.

او به منزله جان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خلیفه آن حضرت است که در حدیث غدیر و غیر حدیث غدیر، بدان تصریح شده است.

الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفای ۱۴۱۱هـ)، معجم رجال الحديث، ج ۱۲ ص ۲۵۸، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۳هـ - ۱۹۹۲م

نتیجه کلی:

.....